



صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر امین امیریان فارسانی

مدیر داخلی: مهدی عبدی ابیانه

مدیر اجرایی: مصطفی اکبری

دبیر علمی: احمد امیریان فارسانی

اعضای هیئت تحریریه:

دکتر محمود مالیر (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان)

دکتر مسعود حیدری (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان)

دکتر کریم صالحی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد)

دکتر رشید قدیری (استادیار دانشگاه شهرکرد)

دکتر محمد رضا شادمان فر (استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی)

دکتر امین امیریان فارسانی (استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی)

دکتر راضیه قاسمی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تیران)

دکتر علی زلقی (دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان)

دکتر الهام حیدری (استادیار دانشگاه شهرکرد)

فصلنامه سراسری دادگران کیفری (حقوق تخصصی)

به شماره ثبت ۸۸۴۶۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.chaponashr.ir/dr-amirian

www.chaponashr.ir

وب سایت اختصاصی دکتر امین امیریان فارسانی

سازمان چاپ و نشر ایران

آماده سازی، تهیه و تنظیم و ویراستاری: سازمان چاپ و نشر ایران (www.chaponashr.ir)

نشانی: اصفهان، سپاهان شهر، دانشگاه شهید اشرفی

اصفهانی، گروه حقوق

صفحه آرا: پروانه مهاجر

☐ نقل مطالب مندرج در فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

☐ مسئولیت صحت اطلاعات مندرج در مقالات به عهده نویسندگان است.

فهرست مطالب

۳ بررسی پیشگیری اولیه فرد مدار با چشم انداز به نهج البلاغه

سیمین آزادیان، مسعود حیدری

۲۷ نقش فناوری نوین در کشف جرایم و چالش های حاکم بر آن

محمود مالمیر

۴۴ نقش فضای مجازی در جرم و جنایات جوانان در ایران و انگلستان

مهشید یراقی اصفهانی

۶۰ تحلیل پولشویی در نظام کیفری ایران با چشم انداز روان شناختی

مژده رئیسی

۹۱ کلاهبرداری رایانه‌ای در بستر جرم‌شناسی نظری

زینب بنی اسدی

بررسی پیشگیری اولیه فرد مدار با چشم انداز به نهج البلاغه

سیمین آزادیان* مسعود حیدری**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۷	شماره صفحه: ۲۶-۳
-------------------	------------------------	------------------------	------------------

در دنیای پیچیده کنونی، موضوع مبارزه با جرم و نحوه برخورد با مجرمین به مساله ای دشوار و بغرنج تبدیل شده است. چرا که برخی از اندیشمندان حقوق کیفری بر اقدامات کیفری و اعمال مجازات اصرار دارند و برخی دیگر با اشاره به ناکارآمدی کیفر در مهار و کاهش وقوع جرم، با تکیه بر یافته های دانش جرم شناسی بر مقابله با علل و عوامل و بسترهای جرمزا و به بیان دیگر بر پیشگیری از وقوع جرم تاکید می نمایند. البته دیدگاه اخیر مبنی بر توجه بر برنامه ها و راهکارهای پیشگیرانه سابقه چندانی در بین اندیشمندان غیر اسلامی حقوق کیفری ندارد چرا که حدود دویست سال پیش و با ظهور مکتب تحقیقی در حقوق کیفری مطرح شده است. اما با نگاه اجمالی به آموزه ها و معارف دین اسلام متوجه خواهیم شد که حدود چهارده قرن پیش در تعالیم رهبران حکومت های اسلامی و منابع مکتوب دینی تاکید به تقدم پیشگیری بر درمان در مواجهه با جرم و انحرافات اجتماعی بوده است. با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی یافته های این تحقیق دلالت بر این دارد که بخش قابل توجهی از آموزه های نهج البلاغه در حوزه ها و مضامین مختلف اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، روان شناسی و حقوقی مرتبط با راهکارهای مبارزه با جرم و پیش گیری از وقوع جرم است که در قالب الگوی سه مرحله ای پیشگیری قابل ارائه می باشد که راهبرد اصلی و زیربنایی این آموزه ها مبتنی بر رویکرد پیش گیرانه می باشد. یعنی، سیاست پیش گیری از جرم در نهج البلاغه اولی بر سیاست کیفری و مجازات می باشد.

کلید واژه ها: جرم شناسی پیشگیری، نهج البلاغه، سیاست کیفری، پیشگیری اولیه،

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

** دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مقدمه

بزهکاری و انحراف، پدیده‌ای است که بشر از روزی که پا به کره خاکی گذاشته، همواره با آن مواجه بوده است. آن چنان که در قرآن کریم و آیات مربوط به خلقت حضرت آدم (ع) آمده است «فرشتگان، آفرینش موجود زمینی را موجب فساد و خون‌ریزی در روی زمین می‌دانستند». تاریخ حیات انسان نیز دلالت بر آن دارد که جوامع انسانی هیچ‌گاه از جرم و جنایت خالی نبوده است. از سوی دیگر تاریخ نشان می‌دهد که بشر همواره در فکر مقابله با جرم و ناهنجاریهای اجتماعی بوده و واکنش‌های مختلفی را بروز داده است.

چنان‌که گفته شد، از مطرح شدن اندیشه حقوقی مبتنی بر پیش‌گیری در مجامع علمی حقوق کیفری زمان زیادی نمی‌گذرد و لیکن با نگاهی به آموزه‌های دینی می‌بینیم آن‌چه که امروزه از آن به عنوان پیش‌گیری از جرم یاد می‌شود، در محتوای پیام‌های آسمانی و رهنمودهای انبیاء و اولیای الهی بوده است. مضافاً این که رسالت دین، رهایی انسان از تباهی و فساد و گمراهی می‌باشد. لذا پیشوایان دینی برای تحقق آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند و در همین راستا قبل از مبارزه با معلول، با علت و زمینه‌های گناه و جرم مبارزه می‌کردند. دین مبین اسلام به استناد آیات و روایات متعدد به پیش‌گیری از جرم توجه ویژه‌ای شده است. بی‌تردید اقدامات پیش‌گیرانه از وقوع جرم و بزهکاری از اصول اساسی نظام کیفری و حقوقی اسلام محسوب می‌شود.

پرواضح است به طور کلی در توجه اسلام به سیاست پیش‌گیری از جرم، دیدگاه‌های متعالی امام علی (ع)، با توجه به این که ایشان تنها امام همامی هستند که به زمامداری و حکومت نسبتاً طولانی‌نایل گشته و توانسته در این مدت اندیشه‌های ناب اسلامی را به منصفه اجرا بگذارد، سهم به سزایی دارد. لذا این موضوع موجب انگیزه و قوه متحرکه نگارنده گردید تا در حد بضاعت اندک علمی خویش، تلاش نماید تا آموزه‌هایی را از کلام آن حضرت که غالباً در کتاب شریف نهج‌البلاغه گرد آمده را استخراج و در معرض دید علاقمندان قرار دهد.

البته ذکر این نکات خالی از فایده نیست که نویسنده ادعا ندارد که با نگاه عمیق تحلیلی و فقهی به آموزه‌های پیش‌گیرانه در کلام امام علی (ع) توجه داشته است، بلکه بیشتر با گردآوری گزاره‌هایی که دلالت آشکارتری نسبت به موضوع تحقیق داشته پرداخته است. هم‌چنین نمی‌توان ادعا کرد در این تحقیق به همه آموزه‌ها و در نتیجه الگو و قواره مورد نظر آن امام مظلوم است

دست یافته‌ایم. چرا که به سبب گذشت زمان و حوادث مختلف، ما از بسیاری از سخنان و مطالب ایشان محروم شده‌ایم. به هر حال این تحقیق فقط درآمدی کلی و اجمالی ناظر بر آموزه‌های پیش‌گیری از جرم در سخنان گهربار امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌باشد.

در جرم‌شناسی پیش‌گیری منظور از پیش‌گیری اولیه یا نخستین، همان مبارزه با عوامل پیدایش جرم می‌باشد. به بیان دیگر در این روش همانند علم پزشکی که انسان‌ها را در برابر بیماری واکسینه می‌کنند، با طراحی و اجرای مجموعه برنامه‌ها و اقداماتی جامعه و افراد آن در برابر جرم و انحراف محافظت می‌نمایند. لذا این نوع پیش‌گیری مجموعه تدابیر و اقداماتی را شامل می‌شود که با هدف شناسایی و تغییر شرایط و اوضاع و احوال جرم‌زای محیط فیزیکی و اجتماعی (شخصی و عمومی) اعمال می‌شود. (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۸، ۱۱۲) بنابراین کلیه اقداماتی که برای بهبود شرایط زندگی و تغییر دادن اوضاع و احوال فیزیکی و اجتماعی جرم‌زا و رشد و تعالی شخصیت فردی انجام می‌شود، اعم از اقدامات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، آموزشی، مدیریت شهری، و شهرسازی و به طور کلی سازماندهی اجتماعی در این نوع پیش‌گیری قرار می‌گیرد. در این مرحله، شرایط زندگی فردی و اجتماعی به گونه‌ای طراحی می‌شود که به تحقق یک وضعیت آرمانی و مطلوب براساس نظام ارزشی حاکم بر جامعه و اهداف برآمده از آن منتهی شود به گونه‌ای که کلیه عوامل، شرایط، زمینه‌ها و فرصت‌های مناسب برای بزه‌کاری و کجروی از قبل کنترل شده و به جای آن وضعیت‌های مناسب برای رشد و تعالی فردی و اجتماعی فراهم گردد. (خسروشاهی، ۱۳۸۶، ۴۰) از این‌رو پیش‌گیری اولیه دارای دو بعد فردی و اجتماعی می‌باشد که با ارایه برنامه‌ها و راه‌کارهایی موجب صیانت و حفظ فرد و جامعه در برابر بزه‌کاری و تأمین امنیت و سلامت آنها می‌گردد. به همین سبب آموزه‌های پیش‌گیرانه مرتبط با پیش‌گیری اولیه در دو مبحث پیش‌گیری اولیه فردمدار و پیش‌گیری اولیه جامعه‌مدار ارایه می‌شود.

۱- مفهوم شناسی پیش‌گیری اولیه فردمدار

در رابطه با اصالت انسان یا جامعه یا اصالت داشتن هر دوی آنها، نظریه‌ها و اندیشه‌های متفاوتی از سوی اندیشمندان علوم انسانی مطرح شده است به نحوی که برخی اصالت و اولویت را به فرد می‌دهند و برخی دیگر اصالت را برای جمع و جامعه قائلند و عده‌ای نیز هر دو را مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند. در حالی که در اسلام اصالت دادن به جامعه یا فرد درست

نیست، بلکه تأکید بر این است که آنچه حق است حاکم باشد.

در کلام امام علی (ع) در جامعه، تبعیت از حق مطرح می‌باشد که بر مبنای آن برای انسان مسؤولیت ایجاد می‌شود. از دیدگاه نهج‌البلاغه محور اساسی برای زیست سالم و متعادل انسان در جامعه، اصلاح رابطه فرد با حق است که اصلاح رابطه با دیگران را در پی داشته و به آنها جهت خواهد داد؛

«کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد...»
(نهج‌البلاغه، حکمت ۸۹)

تأکید اولیه تعلیمات نهج‌البلاغه، بر پرورش و تربیت انسان‌هایی است که با عنایت به حق محوری و توجه به دستورات خالق عالم هستی، از هرگونه انحراف و کجروی در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری مبری باشد. انسان‌هایی که بر مبنای اساس مسؤولیت در قبال خالق نظام آفرینش، رفتارهای خود را در زندگی فردی و اجتماعی تحت واپایش قرار می‌دهد تا رفتار ستمگرانه و بزه‌کارانه نسبت به دیگران نداشته باشد. ایجاد چنین حالت بازدارنده در برابر بزه‌کاری، خودمهاری یا خودکنترلی نامیده می‌شود که عامل به وجود آورنده آن، اعتقادات و اخلاقیات می‌باشد.

۱-۱- اعتقادات پیش‌گیرانه

ابتدایی‌ترین و در عین حال اساسی‌ترین رکن دین اسلام، اعتقادات می‌باشد که در بسیاری از منابع از آن به اصول عقاید یا اصول دین تعبیر می‌شود. اصول دین در مذهب شیعه امامیه شامل توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت می‌باشد. در واقع اصول عقاید زیربنای فکری و جهان‌بینی انسان را تشکیل می‌دهد که به عبارت دیگر، آموزه‌های اعتقادی مبنا و پایه سایر آموزه‌های دینی مانند اخلاق و احکام به حساب می‌آید.

از آنجایی که اصول اعتقادی، از طریق تقلید از دیگران به دست نمی‌آید و باید خود انسان این مسایل و معارف را از طریق عقل و برهان بشناسد و به آن اعتقاد و ایمان پیدا کند. لذا این اعتقادات دینی، به نحوی انسان را از درون خود با دین مرتبط می‌نماید و آموزه‌های حقیقی دین را در افکار، عواطف و رفتار او نمایان می‌کند. به همین دلیل شخصیت وجودی انسان بیشترین اثرپذیری را از آموزه‌های اعتقادی داشته و بر مبنای آن‌ها نیز شکل می‌گیرد. البته انسان‌ها با

توجه به کیفیت باور و ایمان به این اصول اعتقادی، از آموزه‌های آن اثر می‌گیرند. از این رو اگر این آموزه‌های اعتقادی در دل و جان انسان نفوذ کرده و مستقر شده باشد، به مفهوم ایمان تعبیر می‌شود. به بیان دیگر، کسی که ایمان دارد، اعتقاد خود را از ریب، اضطراب و شک که آفت اعتقاد است، می‌رهاند و آن را ایمن می‌کند. از این رو، رسوخ و استقرار عقیده در قلب را ایمان می‌گویند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸؛ ۱۵۶)

بسیار پرواضح است که در برخی از انسان‌ها این آموزه‌های اعتقادی اثر و نفوذ بیشتری داشته و موجب ایمان و یقین آنها می‌شود. لذا موجب بازدارندگی آنان را از انحراف و گمراهی در اندیشه و عمل می‌گردد و در برخی دیگر این اثرگذاری و نفوذ مراتب ضعیف‌تری داشته و بالتبع، قدرت بازدارندگی کمتری برای فرد ایجاد می‌نماید. البته گاهی انسان اعتقادات نسبتاً محکم و استواری دارد

که در شرایط معمولی و عادی نقش مهارکنندگی دارد و لیکن در شرایط خاصی انسان دچار غفلت و فراموشی نسبت به اعتقادات خود می‌شود که بزه‌کاری و ارتکاب گناه را در پی دارد. به همین دلیل امام علی (ع) فعل حرام و کجروی را ناشی از غفلت انسان می‌داند. «از حرام دنیا چشم‌پوشی کن، تا خدا زشتی‌های آن را به تو نمایاند و غافل مباش که لحظه‌ای از تو غفلت نشود.» (حکمت ۳۹۱، نهج‌البلاغه)

همان‌طور که اشاره شد این اصول اعتقادی نقش مهمی در پیش‌گیری از بزه‌کاری و انحراف ایفا می‌کنند که در ادامه بحث با استفاده از آموزه‌های نهج‌البلاغه به بیان آثار بازدارنده و کنترلی آنها اشاره خواهیم نمود.

۱-۲- اعتقاد به آفریدگار و مبداء یگانه هستی (خدا محوری و خدا باوری توحیدی)

خداشناسی مهم‌ترین اصل اعتقادی و پایه‌ی دیگر اعتقادات شخصی مسلمانان است. (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۱، ۱۴) چرا که منابع اسلامی و هم‌چنین تحلیل‌های عقلی نشان می‌دهد که توحید، اصلی است که در تمام اصول و فروع جریان دارد و به تعبیر دیگر تمام اصول و فروع اسلام تبلوری از توحید است نه تنها در مباحث اعتقادی و عبادی که در مسایل اجتماعی، سیاسی و اخلاقی، روح توحید حاکم و جاری است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۲۷۷)

امام علی (ع) خداشناسی را سرآغاز دین معرفی نموده‌اند ایشان خدا را یگانه می‌داند و قائل

به توحید الهی می‌باشند. «سرآغاز دین، خداشناسی است و کمال شناخت خدا، باور داشتن او و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱) حضرت با این اعتقاد به وحدانیت پروردگار که در این عالم هر چه هست مملوک اوست و اراده‌ای غیر از اراده حضرت حق بر این عالم حاکم نیست می‌فرماید: «پس همانا من و شما بندگان و مملوک پروردگاریم که جز او پروردگاری نیست، او مالک ما و ما را بر نفس خود اختیاری نیست.» (همان، خطبه ۲۱۶) اصل خداپاوری و خدامحوری توحیدی، یعنی پذیرش خدایی که تنها مبداء و آفریننده جهان هستی است و به دلیل قدرت، رحمت، عدالت، حکمت، علم لایزال و لایناهی و عاری بودن از هرگونه عیب و نقصی، تدبیر کل امور و ارکان عالم وجود در اختیار دارد.

همچنین آن حضرت در بیاناتی به معرفی برخی از صفات و ویژگی‌های خداوند می‌پردازد.^۱ تا از این مسیر به آگاهی انسان نسبت به عظمت خداوند بیافزاید و او را به مسیر رشد و تعالی حقیقی هدایت نماید. البته در سخنان دیگر به عجز و ناتوانی انسان از شناخت تمام صفات الهی اشاره می‌کند.^۲ «خدا به تمام اسرار نهان آگاه و از باطن همه باخبر است و به همه چیز احاطه دارد و بر همه چیز غالب و پیروز و بر همه چیز تواناست.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۶، ۱۱) از این رو باور به وجود خداوندی رحیم و مهربان که دستگیر آدمی در سختی‌ها است و پذیرش رضا و قدر او، می‌تواند انسان را در حالات دشواری که خود از جمله‌ی عوامل کشیده شدن انسان به انحراف است، بازدارد. از سوی دیگر، اعتقاد به خداوندی حاضر و ناظر بر ظاهر و باطن و خلوت و جلوت آدمی، عامل بازدارنده‌ی بسیار مهمی به شمار می‌آید.

بنابر همین حقیقت است که امام علی (ع) بر توحید و آثار و پیامدهای اعتقادی آن، بسی ارج می‌نهد و از آن سخن می‌گوید از این جهت در این مقال سعی شده است تا با استناد به برخی از سخنان آن حضرت در خصوص سازوکار و نحوه تأثیرگذاری این اصل اعتقادی بر رفتار انسان و پیش‌گیری از کجروی او اشاره شود.

۱. جهت مطالعه بیشتر مراجعه کنید به نهج‌البلاغه، خطبه‌های ۱، ۸۵ و ۹۱.

۲. جهت مطالعه بیشتر مراجعه کنید به نهج‌البلاغه، خطبه‌های ۱، ۸۵ و ۱۱۲.

۱-۳- اثر پیش گیرانه محبت و عشق به خداوند یگانه

از منظر امام علی (ع) اساس دین اسلام بر محبت استوار است و پایه‌های آن بر بنیان دقیق و عمیق دلدادگی به خداوند بنا گردیده است. (فرمehنی، ۱۳۹۰: ۱۷۰) «خداوند پایه‌های دین را بر دوستی خود استوار کرده است.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۸) محبت و عشق به خداوند یگانه از علم و آگاهی حقیقی انسان نسبت به مقام ربانیت خدا و شکوه و عظمت صفات او نشأت می‌گیرد. انسانی که با خداوند رابطه محبت‌آمیز و عاشقانه واقعی داشته باشد، همواره اطاعت از اوامر و نواهی خداوند را مقدم بر هر امری می‌داند که در نتیجه‌ی آن، اعمال خود را مطابق با مطالبه و اراده او انجام می‌دهد که این موضوع قویترین سازوکار تأثیرگذاری اعتقاد توحیدی بر اندیشه و رفتار انسان است. به بیان دیگر لازمه داشتن رابطه محبت‌آمیز با خداوند، انجام اوامر و واجبات و ترک نواهی و محرّمات الهی که موجبات خشنودی و رضایت پروردگار یکتا را فراهم می‌آورد.

در همین راستا امیرمؤمنان علی (ع) در بخش آخر نامه به حادث همدانی در وصف بهترین مؤمنان، تأکید بر اطاعت خدا در همه امور داشته است... «در همه کارهای خدا را اطاعت کن که اطاعت خدا از همه چیز برتر است.» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۹) هم‌چنین در وصف صفات والای مقربین به درگاه الهی نیز دلیل اطاعت محض از اوامر الهی را محبت به او معرفی می‌نماید... «شوق و علاقه‌ی خود را از انجام اوامر الهی و اطاعت پروردگار سست نمی‌کنند، آنچه آنان را شیفته اطاعت خدا کرده، بذر محبت است که در دل می‌پرورانند.»

۱-۴- اثر پیش گیرانه خوف و خشیت الهی

شناخت و معرفت نسبت به خداوند همان گونه که موجب حب انسان به خداوند می‌شود، موجب خوف و خشیت نسبت به عظمت و جلال او نیز می‌گردد. اعتقاد به خداوند یکتا، ریسمان و تکیه‌گاه نجات انسان و نگهدارنده وی در برابر شرایط سخت و دشوار است. هم‌چنین یکی از راه‌هایی که می‌تواند انسان را از تبعیت شیطان که انسان را به انجام رفتارهای نادرست دعوت می‌کند، دور نگه دارد، توجه به مقام و عظمت خداوند یگانه می‌باشد. در خطبه دوم نهج‌البلاغه آمده است «شهادت می‌دهم که خداوندی جز الله (خدا یکتا) نیست. یگانه است و بی‌شریک، و... همواره بدان چنگ در می‌زنم تا آنگاه که ما را زنده می‌دارد و آن را می‌اندوزم برای روزهای هولناکی که در پیش داریم. چنین شهادتی، نشان از عزم استوار ما در ایمان است و سرلوحه

نیکوکاری و خشنودی خداوند است و سبب دور شدن شیطان.^۱ بر پایه این روایت برخی از آثار ایمان به یکتایی پرورگار عبارت است از، دستاویز رهایی و وسیله نگهداری، ذخیره‌ای است برای رویارویی با سختی‌ها، سرچشمه نیکی‌ها و اعمال صالح، مایه خشنودی خداوند و دوری شیطان (فرشادپور، ۱۳۸۴، ۴۰۴).

بنابر این کتاب شریف نهج‌البلاغه می‌تواند یک منبع مهم برای هدایت انسان به مقام خوف و خشیت الهی باشد چرا که در آموزه‌های مختلف بزرگی و جبروت خداوند متعال را معرفی و صفات جدال او را بیان می‌کند تا بدین‌وسیله به معرفت و بصیرت انسان نسبت به عظمت خداوند بیافزاید و او را در مسیر رشد و تعالی حقیقی هدایت نماید. البته در روایات دیگر به عجز و ناتوانی انسان از شناخت تمام صفات الهی اشاره می‌نماید.^۱ «گواهی می‌دهم که خدایی نیست جز خدای یکتا، آغاز اوست که پیش از او چیزی نیست و پایان همه اوست که بی‌نهایت است.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱/۸۵). «خدا به تمام اسرار نهان آگاه و از باطن باخبر است و به همه چیز احاطه دارد و بر همه چیز غالب و پیروز و بر همه چیز تواناست» (همان، خطبه ۱/۸۵). این حالت خوف و خشیت الهی، مترادف با ترس از عقوبت و مجازات الهی نیست. بلکه از آگاهی و معرفت نسبت به مقام خداوند است که به طور طبیعی انسان را به پیروی از او ملزم می‌کند با این که هیچ‌گونه عقاب و عذابی بر ترک اوامر او مترتب نباشد. چنین حالتی انسان را به مراقبت مستمر و مداوم بر رفتار خود ملزم می‌نماید و در نتیجه انسان نمی‌تواند هیچ عملی را بدون توجه به اوامر و نواهی خداوند انجام دهد.

هم‌چنین اعتقاد به خداوند قادر و توانایی که پناه‌گاه و ناجی انسان در گرفتاری‌ها است، می‌تواند انسان را در شرایط سخت و دشوار که عامل گرایش او به انحراف و کجروی است، باز دارد. چنانچه امام علی (ع) در نامه‌ای خطاب به فرزندش، او را به ترس از خدا، اثر یاد او و پیروی از دستورات الهی و دستگیری از خداوند متعال توصیه می‌کند. «تو را به ترس از خدا وصیت می‌کنم، ای فرزندم و به ملازمت امر او و آباد ساختن دل خود به یاد او و دست زدن در ریسمان او» (همان، نامه ۳۱).

۱. جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به نهج‌البلاغه، خطبه ۱، ۸۵ و ۱۱۲.

۱-۵- اثر پیش گیرانه اعتقاد به آگاهی و نظارت خداوند یگانه

یکی از مهم ترین مکانیزم های کنترل رفتار این است که انسان خود را تحت نظارت نیروی بداند که باید از دستورات او اطاعت کند و در برابر او پاسخ گو باشد. به عنوان مثال انسان باید از مقررات راهنمایی و رانندگی تبعیت کند و در صورت تخلف از آنها در برابر پلیس جوابگو باشد. در این وضعیت اگر انسان بداند پلیس با استفاده از ابزارهای پیشرفته رفتار او را تحت کنترل دارد و مثلاً سرعت او را ثبت می کند، به خود اجازه نمی دهد که از مقررات تخلف نماید، مگر این که علم به نظارت پلیس نداشته باشد و یا یک لحظه از آن غفلت نماید. این مکانیزم در خصوص اعتقاد به علم و آگاهی خداوند و نظارت او بر رفتار انسان به صورت کامل وجود دارد. اعتقاد به خداوند مستلزم اعتقاد به احاطه علمی او بر همه موجودات از جمله انسان و اعمال و رفتار او حتی نیات و خطورات قلبی اوست. (خسروشاهی، ۱۳۸۶، ۵۷)

از دیدگاه نهج البلاغه «خداوند به تمام اسرار نهان آگاه و از باطن همه با خبر است و به همه چیز احاطه دارد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱/۸۶) با توجه به این روایت، خداوند تنها از امور ظاهری و آشکار انسان و جهان خبر ندارد بلکه این علم و احاطه نسبت به اسرار نهان و باطن انسان که قلب و فکر (اندیشه) اوست نیز وجود دارد. همچنین در جایی دیگر با اشاره به آگاهی و نظارت خداوند بر رفتار انسان، نسبت به امکان مشاهده شدن انسان توسط خدا در حال کجروی و بزه کاری هشدار می دهد «بترس که خداوند تو را به هنگام گناهان بنگرد.» (همان، حکمت ۳۸۳) در همین راستا حضرت امام خمینی (ره) فرمایند: «عالم محضر خداست، در محضر خدا گناه نکنید.» (صحیفه نور)

بنابراین اعتقاد به نظارت خداوند از دو بعد بر رفتارهای بزه کارانه و غیرمناسب انسان نقش بازدارندگی و مهارکنندگی دارد. ابتدا این که احساس نظارت دایم خداوند بر انسان موجب این می شود که وی کل جهان را محضر و مشهد خداوند بداند در نتیجه به خودش اجازه نافرمانی و سرپیچی از دستورات پروردگار را ندهد و مانند کسی که خود را همواره تحت نظر یک ناظر مقتدر و محترم بداند و از شرم و حیای او مرتکب رفتار خلاف نشود. در ضمن انسان باید جوابگوی رفتارهای بزه کارانه خود در برابر یک قاضی و دادرسی ببیند که خود شاهد قضیه و ماجرأ نیز بوده است.

امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند: «از نافرمانی خدا در خلوت‌ها بپرهیزید، زیرا همان که گواه است، داوری کند.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۲۴) در چنین وضعیتی، فردی که مرتکب عمل خلافی شده است، نمی‌تواند در برابر رسیدگی‌کننده انکار نماید. از این رو همواره سعی می‌کند تا در چارچوب ضوابط و معیارهای اعلام شده رفتار نماید. البته گاهی اوقات انسان از توجه به قدرت علم و نظارت الهی غافل می‌شود و مرتکب رفتارهای مجرمانه و انحرافی خواهد شد.

۱-۶- اثر پیش‌گیرانه عبادت و اطاعت خداوند یگانه

از عنوان‌های مهمی که خالق جهان برای موجودات خود قرار داده و معرفی فرموده است عنوان عبودیت است. چرا که قرآن بیان می‌کند که هدف غایی از خلقت انسان عبادت است و حقیقت عبادت، عبودیت است و آن یعنی انسان خدا را رب، مالک و مدبر خویش بگیرد. (فرمی‌هنی، ۱۳۹۰، ۱۷)

انسان عابد و موحد، جزء خدای یگانه، کس دیگر را اطاعت و عبادت نمی‌کند. از این‌رو انسانی که توحید در عبادت داشته باشد و فقط خداوند یکتا را شایسته اطاعت و فرمانبرداری می‌داند، خدایی که همواره انسان را به نیکی و درستکاری دعوت می‌نماید. این انسان فرمانبردار، هرگز برخلاف اوامر و نواهی الهی حرکت نکرده و مرتکب گناه نمی‌شود. چرا که ارتکاب معصیت و نافرمانی خدا، در حقیقت پیروی و اطاعت از غیر خدا و خارج شدن از بندگی و عبادت پروردگار یکتاست. لذا امام علی (ع) در پرهیز از نافرمانی خداوند و اطاعت غیر او می‌فرماید: «اطاعت مخلوق، در معصیت خالق روا نیست.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۵) از دیدگاه نهج‌البلاغه اطاعت از غیر خدا و گرایش به گناه و انحراف دو عامل اصلی دارد یک عامل بیرونی که موجودی به نام شیطان است که همواره انسان را به بدکاری و انحراف فرمان می‌دهد.^۱ دومین عامل نفس انسان است که یک عامل درونی محسوب می‌شود که پیوسته انسان را به بدی امر می‌کند.^۲ امام علی (ع) در خصوص علل انحراف و کج‌رفتاری و کج‌اندیشی خوارج

۱. جهت مطالعه بیشتر در خصوص خطر شیطان در انحراف همان انسان مراجعه کنید به نهج‌البلاغه خطبه‌های شماره ۱۹۲، ۱۲۹، ۸۳.

۲. جهت مطالعه بیشتر در خصوص خطر نفس در انحراف همان انسان مراجعه کنید به نهج‌البلاغه نامه‌های ۳۰، ۵۳.

می‌فرماید: «آن که شما را فریب داد و به شما زیان رساند. شیطان گمراه‌کننده و نفسی که به بدی فرمان می‌دهد، آنان را با آرزوها مغرور ساخت و راه گناه بر ایشان آماده کرد.» (همان حکمت ۳۲۳) بنابراین توحید در عبادت و اطاعت با پیروی از شیطان و نفس قابل جمع نمی‌باشد. چرا که انسان موحد باید از فرمانبرداری شیطان و نفس خودداری نماید و رفتارهایش براساس معیارهای الهی تنظیم کند تا از هرگونه بزه و انحرافی مصون بماند.

۱-۷- اعتقاد به عدل الهی (عدالت محوری)

عدل یکی از اصول دین نزد شیعه است. عدل منزله بودن خداوند از انجام کار قبیح و زشت است و یا به این معناست که او جزء نیکو و زیبا عمل نمی‌کند و به غیر خوبی فرمان نمی‌دهد. عدل الهی در همه شؤون وجود و در تمام مراحل هستی تجلی دارد؛ اعم از عالم تکوین و خلقت یا در تعالیم، مقررات و قوانین تشریعی و وضعی. خداوند در قضاوت، ستم نمی‌کند و در داوری و حکومت میان مردم از جاده حق که خود، حق محض است، خارج نمی‌شود و به همین سبب، بندگان را فراتر از حد توان و طاقت‌شان تکلیف نمی‌کند هم‌چنان که آنان را بیشتر از استحقاق‌شان معذب نمی‌سازد و کیفرشان نمی‌فرماید.

امیرمؤمنان علی (ع) در یک بیان بسیار کوتاه ولی پرمعنا در مورد عدل الهی^۱ سخن فرموده است: «حقیقت عدل (عدالت خداوند) آن است که او را متهم نسازی» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۶۲) این جمله اشاره به این است که کسی عقیده کامل به عدالت خداوند دارد که همه کارهای او را بر وفق حکمت و عدالت بداند و او را متهم به ظلم و بی‌عدالتی نمی‌کند و مشکل را در نقصان علم و آگاهی خود از مصالح و مفاسد امروز و آینده می‌شمرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۶۷۹) از این رو، پس از آن که انسان به این باور رسید که همه چیز بر عدل استوار است- اعم از تکوین و تشریع- در نتیجه او به اشاعه عدل و داد در همه شؤون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، اندیشه و رفتار، توجه کرده و از هر نوع ظلم و جور، کژی و انحراف در تمام مراحل زندگی و در همه محورهای هستی پرهیز می‌کند.

بنابراین آنچه مسلم و غیرقابل تردید می‌باشد، این است که شناخت خداوند به عنوان امرکننده به عدل و بیادارنده عدل، اساسی‌ترین معرفتی است که در ادیان آسمانی، رابطه بشر

۱. برای مطالعه بیشتر در باب معنا و مفهوم عدل الهی در اندیشه امام علی (ع) رجوع کنید به خطبه ۲۰۵، ۲۲۷ و ۲۳۳.

با خدا بر آن استوار شده است. (مطهری، ۱۳۷۱: ۴۸) از این رو امیرالمؤمنین علی (ع) عدل و عدالت را یکی از پایه‌های ایمان و اعتقاد به خداوند معرفی می‌نماید. «ایمان بر چهار پایه استوار است. بر صبر، یقین و عدل و جهاد و...» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۰)

عدالت بشری با عدل الهی ارتباط دارد چرا که صفت عدالت در انسان از فضایل اخلاقی و اخلاق‌الله است که انسان کامل باید بدان متخلق و آراسته باشد. لذا رعایت موازین عدالت و دادگری، التزام به عدل و داد و رفتار عادلانه و منصفانه در انسان، از عوامل بازدارنده‌ی رفتارهای متجاوزانه و ستمگرانه محسوب می‌شود.

یکی دیگر از مسائلی که در بحث عدل الهی مطرح می‌گردد، مسأله مجازات اعمال در آخرت است، معاد و رسیدگی به اعمال نیک و زشت و پاداش و کیفر دادن به نیکوکاران و بدکاران، خود را از مظاهر عدل است. (مطهری، ۱۳۷۱، ۱۹۱) بنابراین سایه عدل الهی همسان دنیا، در عرصه محشر و در روز قیامت هم بر سر انسان گسترده است، لذا عدالت خداوندی کوچک‌ترین کار و عملی را بی‌اجر و جزا نمی‌گذارد. امیرمؤمنان علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «پس، دیده‌ای در فضا گشاده و گامی آهسته در زمین نهاده نماند، جزء آن که در ترازوی داد و در محکمه عدالت بنیاد حق تعالی، آن را که در خور است، بستاند.» (نهج‌البلاغه خطبه ۲۱۴)

همچنین از جمله آموزه‌های نهج‌البلاغه در خصوص عدل الهی، اشاره به انتقام و جزای ستمکاران و مجرمین است. بدین معنا که هیچ ظلم و ستمی بی‌کیفر نخواهد ماند و خداوند در کمین ظالمان است و دیر یا زود به عملکرد آنان خواهد رسید. «و اگر خداوند، ظالم و ستمگر را مهلت داد. اما هرگز از چنگال عدالت او نخواهد رست، بلکه او برگزگاه و در کمین است.» (همان، خطبه ۹۶) «به زودی خدا از ستمکار، انتقام ستاند و...» (همان، خطبه ۱۵۷)

نتیجه این که اگر انسان به عدل الهی اعتقاد داشته باشد، همواره از رفتار و کردار خود مراقبت می‌نماید تا این که مرتکب ظلم و تجاوز به حقوق دیگران نشود و در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خود مطابق با موازین عادلانه و اخلاقی عمل نماید.

۸-۱- اعتقاد به معاد و آخرت (آخرت محوری)

کلمه معاد از ماده «عَوَد» به معنای بازگشت است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ۶۶۴) و در

اصلاح به معنای دوباره زنده شدن آدمی بعد از مرگ می باشد. حکیم لاهیجی می نویسد: بدان که لفظ معاد در لغت به معنای، بازگشتن انسان است و مراد از معاد در شرع، بازگشتن انسان است بعد از موت به حیات، به جهت یافتن جزای عملی که پیش از موت از او صادر شده باشد، از نیک و بد (فیاض لاهیجی، ۵۹۵، ۱۳۷۲).

تقریباً همه‌ی پیروان مذاهب بزرگ جهان چنان که در جای خود به اثبات رسیده است به گونه‌ای زندگی پس از مرگ را باور دارند، اگر چه در چگونگی آن با هم متفاوتند. (فرشادفر، ۱۳۸۵، ۳) در نظام اعتقادی اسلام، هستی محدود به این جهان مادی نمی‌شود که با مرگ انسان پایان پذیرد، بلکه این جهان تنها جزء کوچکی از هستی می‌باشد و جسم انسان نیز جزئی از وجود او را تشکیل می‌دهد و پس از مرگ، زندگی انسان در مراتب بالاتری از حیات ادامه پیدا می‌کند. (سجادی، ۱۳۸۵، ۴) بنابراین زندگی دنیوی انسان مقدمه‌ای برای زندگی اخروی و ابدی اوست و نحوه حیات اخروی وی در عالم آخرت، بستگی به نحوه رفتار و کردار او در این جهان مادی دارد.

در آموزه‌های نهج‌البلاغه نیز، مطالب زیادی در خصوص جهان پس از مرگ، حیات مجدد انسان در جهان غیرمادی، روز قیامت و حسابرسی به اعمال و رفتارهای انجام شده در حیات مادی وجود دارد.

اعتقاد واقعی به معاد و روز حساب، کارکرد مهمی در خودمهری انسان بر رفتار خود و در نتیجه کاهش جرایم و پیشگیری از ارتکاب اعمال مجرمانه دارد. این کارکرد پیش‌گیرانه‌ی اعتقاد به آخرت، از طریق محاسبه سود و زیان رفتار انسان در این دنیا و عالم آخرت به دو صورت عامل تشویق‌کننده و بشارت‌دهنده یا عامل تنبیهی و هشداردهنده عمل می‌کند.

نقش آخرت‌باوری در زندگی و تأثیر این اعتقاد در رفتارهای انسان‌ها به نحوی است که امام علی(ع) به رابطه مستقیم بین یاد معاد و آخرت با پیشگیری از معصیت و انحراف اشاره می‌کند و می‌فرماید: «کسی که بسیار یاد آخرت کند، گناهش کاهش یابد.» (آمدی، ۱۳۷۳، ۳۶۵) «آگاه باشید، به خدا سوگند، یاد مرگ مرا از شوخی و کارهای بیهوده، باز می‌دارد، ولی او (عمرو عاص) را فراموشی آخرت از سخن حق بازداشته است.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۴)

۲- کارکرد تشویقی آخرت محوری

این نگرش که نقش اعتقاد به آخرت و روز قیامت در مهار رفتار انسان، صرفاً از طریق ترساندن از کیفر و مجازات می‌باشد، دیدگاه درست و کاملی نیست. چرا که تأثیر اعتقاد به معاد در اعمال آدمی، جنبه تشویقی و بشارتی نیز دارد و می‌تواند از این طریق انسان را به انجام رفتارهای درست و دوری از رفتارهای نادرست ملتزم نماید. مثلاً بشارت و وعده بهشت و هم‌نشینی با صالحان، انبیاء و ائمه (علیهم‌السلام) و هم‌چنین استفاده از نعمت‌های بهشتی، خود عامل بسیار مهمی در ایجاد انگیزه و تشویق انسان به ارتکاب اعمال نیک و پرهیز از رفتارهای بد و بزه‌کارانه محسوب می‌شود. چرا که در عالم آخرت همان‌طور که انسان‌های بدکار نتیجه رفتارهای مجرمانه خود را مشاهده نموده و کیفر می‌شوند، انسان‌های نیکوکار نیز باید به پاداش اعمال و افکار نیک خود به بهترین وجه ممکن برسند.

در نهج‌البلاغه مطالب زیادی در خصوص پاداش نیکوکاران و استفاده از لذت‌ها وجود دارد. به همین سبب انسان در مقایسه لذت‌های دنیوی حاصل از گناه با لذت‌های اخروی حاصل از ترک گناه، در صورت داشتن باور و اعتقاد عمیق قلبی، لذت‌های اخروی را برمی‌گزیند و از انجام کار خلاف و زشت سرباز می‌زند. البته این اعتقاد در انسان‌های مختلف مراتب و مدارجی دارد که متناسب آن اثر پیش‌گیرانه خواهد داشت. بنابر این، یاد مرگ و دنیای آخرت، بزرگ‌ترین عامل گناه و کجروی را که همان دنیاپرستی است را از بین می‌برد و زمینه را برای پرورش صفات الهی در دل انسان به وجود می‌آورد. لذا موجب می‌شود ظواهر فریبنده عالم مادی و لذت‌های دنیوی ناشی از گناه‌کاری و عصیان، او را از مسیر حقیقت و درستکاری منحرف نسازد.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌ای خطاب به فرزندش امام حسن (ع) می‌نویسد: «پسرم بدان تو برای آخرت آفریده شدی نه دنیا» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) «تنها به توشه‌ای که از پیش فرستادی و خشنود باش و بر آنچه به جای می‌گذاری حسرت نخور و همت خود را برای پس از مرگ قرار ده.» (همان، نامه ۶۶) «دنیا، گذرگاه عبور است، نه جای ماندن و مردم دو دسته‌اند، یکی آن که خود را فروخت و به تباهی کشاند و دیگری آن که خود را خرید و آزاد کرد.» (همان، حکمت ۱۳۳).

۲-۱- کارکرد تنبیهی آخرت محوری

کارکرد تنبیهی اعتقاد به معاد و روز حساب، از طریق ترساندن انسان‌ها به وسیله هشدار دادن آنها به اعمال کبیر و مجازات برای بدکاران می‌باشد. یکی از آثار پیش‌گیرانه و بازدارنده انسان از ارتکاب رفتار نامناسب، آخرت‌گرایی و ترس ناشی از مجازات رفتارهای مجرمانه و بزه‌کارانه است. از این‌رو انسانی که به این باور رسیده است که در عالم آخرت و روز حسابرسی، در محکمه عدل الهی نسبت به رفتارهای خلاف و زشت خود در این دنیای مادی مورد بازخواست و پاسخ‌گویی قرار می‌گیرد، همواره سعی خواهد نمود که از ارتکاب این رفتارهای نادرست اجتناب نماید. چرا که رسیدگی در عالم آخرت بسیار دقیق و دارای عقوبت و جزادهی سخت و غیرقابل تحمل می‌باشد.

اگر آدمی از یاد معاد و آخرت غفلت ننماید هرگز به تعدی و تجاوز به حقوق الهی و مردم مشغول نمی‌شود. امیرالمؤمنین (ع) در بیان این حقیقت فرمود «آدمی برای چه مرزها را زیر پا بگذارد و حرمت‌ها را بشکند و دنیاطلبی نماید و ستمگری کند؟ برای همین که مرگ در کمین اوست و پس از مردن پاسخ دادن به همه چیز در انتظار اوست و رسیدگی سخت فرار وی اوست؟» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ۸۲) هم‌چنین از جمله عواملی که انسان را به بزه‌کاری سوق می‌دهد داشتن آرزوهای دور و دراز و هوس‌های شهوانی زیاد و افسارگسیخته است که لذا ید دنیوی و مادی را برای انسان پررنگ و جلوگر می‌نماید و لیکن یاد آخرت و مرگ موجب رفع این عوامل می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید:

«آنگاه که به کارهای زشت شتاب می‌آورید، بر هم زننده لذت‌ها و تیره‌کننده شهوت‌ها و برنده آرزوها [مرگ] را به یاد آورید.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۹)

در سیره عملی امام علی (ع) نیز توجه دادن به آخرت و عذاب الهی برای پیش‌گیری از جرم دیده می‌شود، نمونه عینی آن ماجرای عقیل برادر امام (ع) که درخواست پول از بیت‌المال و تجاوز به حقوق مردم را داشت که امام به نزدیک کردن آهنی گداخته به دستش، او را متوجه عذاب آخرت نمود. (همان، خطبه ۲۲۴).

۲-۲- کارکرد معنابخشی آخرت محوری به زندگی انسان

اعتقاد به معاد که به زندگی معنا می‌بخشد و ما را به زندگی امیدوار می‌سازد و فکر و خیال نیستی را از ذهن ما بیرون می‌سازد. انسان بدون ایمان و اعتقاد به معاد و آخرت دارای زندگی کامل نیست و برای این که زندگی با معنا و قابل تحمل باشد باید برایش عنایت و مقصودی ورای این عالم مادی منظور گردد. اعتقاد به معاد و بقاء روح و حیات جاودان در اندیشه و افکار انسان‌ها اثر مفید و سودبخش دارد. به زندگی معنی و مفهوم می‌بخشد و آن را از پوچی و لغو بودن خارج می‌کند. (فرمehینی، ۱۳۹۰، ۳۸۹)

از نظر عملی و رفتاری نیز انسانی که حیات خود را محدود به این جهان می‌داند سعی می‌کند بیشترین لذت و بهره‌ی مادی را به دست آورد و از هر رنج و سختی بگریزد و چون خواسته‌ها و امیال مادی انسان پایان‌ناپذیر است، هیچ محدودیتی در این راه برای خود نمی‌بیند. در نتیجه رفتار او علاوه بر اینکه موجب آسیب جسمی و روانی خود او می‌گردد، حقوق دیگران را نیز تضییع می‌کند و حالت انحراف، کجروی و جرم به خود می‌گیرد. چه این که محدودیت‌های قانونی نیز نمی‌تواند رفتار انسان را کنترل نماید چون این محدودیت‌ها اولاً همه انواع انحراف و کجروی را در برنمی‌گیرد و ثانیاً امکان گریختن از آنها وجود دارد و ثالثاً قدرت بازدارندگی آنها در حدی نیست که بتواند امیال و خواسته‌های انسان را محدود نماید. (خسروشاهی، ۱۳۸۶، ۶۷)

در نحلّه‌ها و مکاتب فکری مادی، زندگی در این دنیا همه چیز انسان محسوب می‌شود بنابراین با مردن و از دنیا رفتن همه چیز انسان پایان می‌یابد به عبارت دیگر انسان از زندگی دنیوی خود به دنبال هیچ هدف و معنایی نیست و هر چه هست همین لذت‌های مادی و ظاهری می‌باشد. در حالی که انسان موحد معتقد به معاد و بازگشت به سوی مبدء و خالق هستی، زندگی معنادار و جهت‌داری خواهد داشت. چرا که همواره سعی می‌کند رفتارهای همسو با اهداف و آرمان‌های متعالی که مورد نظر پروردگار جهان داشته باشد. در این صورت رفتارهای وی هدف‌دار خواهد بود و این هدف بالاتر از این زندگی مادی و دنیوی می‌باشد که همان اعتقاد به عالم آخرت و بازگشت به سوی خالق است. از این‌رو همواره در تلاش برای بهره‌برداری از این دنیا برای رسیدن به آخرت خواهد بود. «پس برای خود و جایی که می‌روی آماده باشد و در دنیا که محل کوچ کردن است، برای منزل‌گاه ابدی توشه بردارد.»

توجه به زندگی پس از مرگ و حیات اخروی عامل تعادل و سامان زندگی و تنظیم حیات دنیوی است، به گونه‌ای که انسان بتواند واجبات و محرمات خالق هستی را رعایت کند. البته هدف از اعتقاد به معاد و عالم آخرت این نیست که انسان از دنیا و لذت‌های آن به هیچ‌وجه بهره‌مند نشود. بلکه انسان ناچار با این دنیا و نعمات دنیا رابطه دارد و لیکن زندگی دنیا را بر اساس سعادت اخروی خود تنظیم می‌کند و این جهان را مزرعه جهان دیگر قرار دهد. امام علی (ع) می‌فرماید: «آن کس که از دنیا به مقدار کم قناعت کند زمینه ایمنی خود را فراهم آورده است و آن کس در بهره‌مندی از دنیا افراط کند به نابودی خود کوشیده است.» (همان، خطبه ۱۱۱) نکته پایانی این که در مطالعات جرم‌شناسی، عامل بسیاری از جرایم و جنایات بشری به دلیل دنیاطلبی افراطی و کسب اموال و نعمت‌های دنیایی، تعرض و تجاوز به حقوق سایر انسان‌ها بوده است.

۲-۳- اعتقاد به نبوت و امامت (ولایت‌مداری و راهنما محوری)

اعتقاد به نبوت و امامت از جمله اصول اعتقادی دین مبین اسلام می‌باشد. به طور اجمالی این اصل دلالت بر این موضوع دارد که انسان برای حیات دنیوی و اخروی خود نیازمند راهنما و هدایت‌گری است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مبدء آفرینش و خالق هستی متصل باشد که اوامر و نواهی خداوند متعال را برای بشر تبیین و تشریح نمایند تا بدین‌وسیله انسان راه حق و باطل و درست و ناصحیح را تشخیص دهد و سعادت حقیقی در دنیا و آخرت نصیب او شود. از این‌رو مسأله راهنما محوری همواره در کنار مسأله هدایت مورد توجه قرار می‌گیرد. خداوند متعال پس از آفرینش هستی آن را هدایت می‌کند و اساسا هدایت یک امر عمومی می‌باشد که همه جهان هستی را شامل می‌شود. این هدایت عمومی، گاهی در پوشش قوانین و نظامات غیرقابل تغییر صورت می‌گیرد که شامل نظم و هدایت موجودات غیرمختار می‌شود و گاهی هم این هدایت از طریق رسولان الهی برای موجودات انتخاب‌گر و مختاری چون انسان فرود می‌آید که یکی از تفاوت‌های آن با نوع پیشین، در آزادی انسان در پیروی یا عدم پیروی از این قوانین و فرمان‌های الهی می‌باشد. این بخش از هدایت که توسط پیامبران الهی انجام می‌گیرد و مختص به انسان است، هدایت خاصه یا تشریعی نیز گفته می‌شود. (فرشادفر، ۱۳۸۶، ۹)

اگر انسان در زندگی به خودش واگذار می‌شد، هر کس بر مبنای طبع و سلیقه خود

و آنچه که می‌پسندید و با تمایلاتش سازگار بود، انجام می‌داد و هر فردی راهی را می‌پیمود که منافعش را تأمین کند، در نتیجه برخورد خواست‌ها و منابع، به از هم‌گسیختگی روابط فردی و اجتماعی و فساد و هرج و مرج منجر می‌گشت. آنچه مایه رنج و عذاب می‌گردد، تمایلات طغیان‌گر و ارضاء نشدنی اوست و یکی از اساسی‌ترین برنامه انبیاء تنظیم و کنترل این تمایلات و آرام ساختن این طغیان‌گریهاست. (سعدی، ۱۳۷۱، ۵۸).

همان‌طور که گفته شد اعتقاد به نبوت و امامت، اعتقاد به وجود راهنمایان الهی است که فرامین خداوند را برای بشر بیان می‌نمایند.^۱ چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «و [خداوند] پیامبر خویش را روزگاری میان شما زندگی داد و... و به زبان او به شما خبر داد که چه می‌پسندد و چه او را خوش نیاید، از چه باز می‌دارد و کردن چه کار را فرماید...» (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۶). هم‌چنین آن حضرت در جایی دیگر مقام خاندان نبوت و امامت را مقام هدایت و راهنمایی مردم معرفی می‌نماید: «مردم! به اهل بیت پیامبرتان بنگرید، از آن سو که گام برمی‌دارند بروید، قدم جای قدم‌شان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت نمی‌گردانند.»

بنابراین، از آموزه‌های نهج‌البلاغه در خصوص فلسفه و هدف راهنما محوری، این نتیجه حاصل می‌شود که انبیاء و ائمه (ع) مأموریت و رسالت نمایاندن راه رستگاری و سعادت دنیوی و اخروی و نقش بیدادگری و غفلت‌زدایی انسان‌ها از طریق وحی را بر عهده دارند.

همچنین انبیاء و ائمه (علیهم‌السلام) انسان‌هایی برگزیده و برجسته‌ای هستند که به دلیل دارا بودن صفات و خلیات فاضله به شکل کامل آن، می‌توانند برای بشریت و انسان‌ها در تمام مراحل زندگی الگو و اسوه رفتاری محسوب شوند. چه این که یکی از مهم‌ترین عوامل تربیت و رشد و تکامل انسان، وجود الگو و نمونه رفتاری است که اهمیت آن، در مباحث روان‌شناسی به ثبوت رسیده است. انبیاء الهی به عنوان انسان‌های کامل و تربیت شده الهی، این نقش را به بهترین وجهی ایفا می‌کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ۲۱۷) بنابراین الگوپذیری از پیامبران و ائمه (علیهم‌السلام) انسان را به انجام رفتارهای نیک و رعایت اخلاق حسنه وامی‌دارد و بالتبع انسان را از بزه‌کاری و کجروی دور می‌سازد. نکته پایانی این که در صورت فراهم بودن شرایط

۱. جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید، خطبه‌های ۲۱، ۹۱، ۱۴۴، ۱۴۷ نهج‌البلاغه.

لازم، برای رهبری اجتماعی، سیاسی و قضایی مردم توسط انبیاء و ائمه معصومین (ع)، جامعه از اختلاف و پراکندگی و کجروی نجات می‌یابد و جلوی بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی گرفته می‌شود.

۲-۴- توصیه‌های اخلاقی پیش گیرانه (ترویج فضایل اخلاقی و رفع رذایل اخلاقی)

اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است و به گفته برخی از دانشمندان، گاه به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلقیات درونی انسان ناشی می‌شود، نیز اخلاق گفته می‌شود. اولی، اخلاق صفاتی و دومی، اخلاق رفتاری است. به طور کلی، اخلاق را به دو بخش تقسیم می‌کنند: ملکاتی که سرچشمه پدید آمدن کارهای نیکو است اخلاق خوب و ملکات فضیله نامیده می‌شود و آنها که منشاء اعمال بد است و به آن اخلاق بد و ملکات رذیله می‌گویند. (فراهانی، ۱۳۹۰، ۱۴۴)

تربیت اخلاقی و بهینه‌سازی رفتار و منش انسانی، از جمله اموری است که پیشینه‌ای به درازای تاریخ داشته است. تربیت اخلاقی در واقع فرآیند زمینه سازی و بکارگیری شیوه هایی جهت شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب ضداخلاقی در خود یا دیگری است. تربیت اخلاقی دو رکن دارد، یکی شناخت فضایل و رذایل و رفتارهای اخلاقی و ضداخلاقی و دیگری بکارگیری شیوه‌هایی جهت تقویت یا تضعیف آنها (بناری، ۱۳۷۹، ۵۴۱) مباحث مربوط به اخلاق و تربیت اخلاقی، بخش اساسی و عمده معارف اسلامی را تشکیل می‌دهد.

تأثیر این مباحث در زندگی فردی و اجتماعی انسان، چنان مهم و حیاتی است که خداوند برای هدایت بشر آن را اصلی‌ترین هدف بعثت انبیاء قرار داده است.^۱ هم‌چنین رسول خاتم اسلام صلی‌الله در حدیثی کوتاه و عمیق فلسفه رسالت خود را تفهیم و تکمیل مکارم اخلاقی برشمرده است.^۲

بنابراین ترویج اخلاق فاضله و دفع اخلاق رذیله نقش مهمی در نظام اجتماعی و سعادت

۱. «اوست خدایی که در میان انسان‌های درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند.» (سوره جمعه آیه ۲)

۲. «به درستی من برای تکمیل و تقسیم مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۸۲).

فردی و اجتماعی انسان دارد.

در آموزه‌های نهج‌البلاغه مطالب فراوانی در خصوص توسعه و ترویج فضایل اخلاقی و مقابله و دوری از رذایل اخلاقی در سطوح فردی و اجتماعی آمده است. امام علی (ع) بسیاری از انحرافات، شرور و بدیها را ناشی از رذایل اخلاقی هم‌چون، حسادت، بخل، عیب‌جویی، کینه‌توزی، خشم و غضب و... می‌داند و برای پیش‌گیری از وقوع این انحرافات و کجروی‌ها رعایت فضایل اخلاقی را توصیه می‌فرماید.

آنچه در اسناد و تحقیقات بین‌المللی مکتوب است و جرم‌شناسی نیز بیان داشته‌اند، تصریح روشن به این نکته است که بین جرم و عدم‌وجود ناهنجاریهای اخلاقی در سطح فردی یا اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ۳۱۶) مکتب‌پویای اسلام با توجه به نگرش خاصی که به انسان دارد، از یک سو او را مسؤول رفتار خود می‌داند و از سوی دیگر همه انسان‌ها را مسؤول وقایع اجتماعی می‌داند.^۱ از این رو به اخلاق در سطوح فردی و اجتماعی توجه دارد و همواره به رعایت اخلاق فردی به عنوان یک عامل بازدارنده و نظارتی درونی در مقابل قوای نظارتی دولتی و پلیس به عنوان ناظر نیز بیرونی و اخلاق اجتماعی را به عنوان یک عامل نظارتی غیررسمی در کنار قانون و مقررات دولتی توصیه می‌نماید. چرا که عدم‌رعایت اخلاق اجتماعی در یک جامعه منجر به معضلات و ناهنجاریهای فراوانی برای افراد آن جامعه خواهد شد.

هم‌چنین در شریعت اسلامی اخلاق یکی از اساسی‌ترین ارکان جامعه تلقی می‌شود و در حمایت از آن کوشش می‌شود و حتی با انحراف از این مسیر به شدت برخورد می‌کند. به گونه‌ای که برای بسیاری از رفتارهای ضداخلاقی مجازات در نظر گرفته است. (عوده، ۱۳۷۲، ۸۰) لذا دیدگاه امام علی (ع) در کتاب شریف نهج‌البلاغه، دلالت بر این موضوع دارد که رعایت اخلاق حسنه و دوری از رذایل و صفات زشت اخلاقی در بعد فردی و اجتماعی نقش اساسی و مهمی در امر مقابله با بزه‌کاری دارد که در ادامه مباحث برخی از این آموزه‌ها را که ارتباط بیشتری با موضوع پیش‌گیری از جرم دارد را مدون و مکتوب می‌نماییم.

۱. «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت».

۲-۵- توصیه به پرهیز از معاشرت و هم‌نشینی با بدکاران

اندیشمندان علوم اجتماعی هم‌نشینی را از دو منظر معنا نموده‌اند. از منظر نخست، آن را مناسبات و روابط مستمر و شخصی میان افراد می‌دانند که محصول مشابهت آنان در علایق، منافع، دیدگاه‌ها و مانند آن است. از چشم‌انداز دوم، این واژه در مورد جمع‌ها یا گروه‌هایی به کار می‌رود که بر اثر این شباهت‌ها به هم پیوند خورده‌اند و با هم رابطه و نشست و برخاست دارند. رابطه هم‌نشینی تنها، نشست و برخاست مادی و تماس چهره به چهره میان افراد نیست، بلکه در مورد هر رابطه به کار می‌رود که بر اساس شباهت‌ها، نزدیکی‌ها و پیوندهای درونی افراد، بین آنها شکل می‌گیرد. (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸، ۳)

یکی از اثرگذارترین عوامل بیرونی بر انسان و حالات و رفتار او، مصاحبان و معاشرین او هستند. هم‌نشین و دوست در جهت مثبت و منفی تأثیری شگفت‌انگیز بر آدمی دارد. نفس انسان‌ها در پی رفاقت و معاشرت با یکدیگر تأثیر می‌پذیرد. دوستی و رفاقت با صالحان، انسان را به کمال سوق می‌دهد و هم‌نشینی و دوستی با تبه‌کاران، انسان را به تباهی می‌کشاند. بنابراین انسان باید از هم‌نشینی و مصاحبت با دوستان و افرادی که به نوعی دشمنان دوست نما و در پی بدی او هستند دوری کند. هم‌نشینان فاسد و ناباب، جدا از آن که می‌توانند عرضه‌کننده الگوهای رفتاری ناصواب و منحرفانه باشند، از طریق همراهی، تأیید و تقویت رفتارهای نابخردانه آدمی، به گمراهی بیش‌تر او کمک می‌کنند. هم‌چنین این‌گونه معاشرت‌ها می‌تواند فرصت‌های لازم برای ارتکاب بزه و جرم را فراهم آورد، زیرا با این‌گونه معاشرت‌ها، شریکان، معاونان و مشاوران جرم به خوبی یافت می‌شود. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ۳۳۲)

به همین دلیل امام علی (ع) مردم را از هم‌نشینی با بدان برحذر داشته و در این مورد به حارث همدانی می‌فرماید: «از دوستی با بی‌خردان و خلاف‌کاران پرهیز، زیرا هر کس را با دوستش می‌شناسند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۹). از هم‌نشینی و همراهی با پست‌صف‌تان پرهیز، زیرا شر به شر پیوندد (همان، نامه ۶۹) هم‌چنین آنحضرت در جایی دیگر با اشاره صفات رذیله بخل، دروغ‌گویی و فساد اخلاقی در برخی افراد مردم را از دوستی آنها پرهیز داشته است. (همان، حکمت ۳۸).

نتیجه گیری

در آموزه‌های نهج‌البلاغه راهکارهای جامع، فراگیر، عمیق و مرتبط با هم‌دیگر با توجه به همه‌ی عوامل بزهکاری، اعم از عوامل درونی و بیرونی، فردی و اجتماعی، مادی و معنوی ارایه شده است. در حالی که در جرم‌شناسی پیش‌گیری بر یک یا چند عامل خاص تمرکز شده است و در واقع آنها را بزرگ‌نمایی و برجسته کرده‌اند و از بخشی دیگر از عوامل غفلت نموده‌اند. از این‌رو دیدگاه‌ها و نظریه‌های پیش‌گیری با تأکید بر بخشی از عوامل ارایه شده است. اما آموزه‌های اسلامی با نگاهی فرابخشی و ارایه ترکیبی منطقی و پذیرفتنی از آنها، همه عوامل مؤثر را در تحلیل خود به کار گرفته است. مبنای آموزه‌های اسلامی براساس وجود اختیار و قدرت‌گزینش در انسان و نقش فعال و انتخاب‌گری است که او در همه رفتارها و موقعیت‌ها دارد. در حالی که در سایر دیدگاه‌های غیراسلامی به نوعی ایده جبرگرایی حکمفرماست بدین‌معنا که انسان مانند سایر پدیده‌های طبیعی موجودی منفعل و مقهور علت‌ها به شمار می‌آید و عوامل بیرونی تعیین‌کننده‌ی رفتار او محسوب می‌شود.

از جمله وجوه تمایز راهکارهای استخراج شده از آموزه‌های نهج‌البلاغه با دیگر الگوها، در موضوع اساسی به نام دین‌محوری و خداباوری توحیدی و همچنین توجه به علل و عوامل غیرمادی و معنوی است که تقریباً در سایر الگوهای ارائه شده به آن توجه و تأکید نشده است که پرداختن صحیح به این موضوع موجب می‌شود که راهبردها و راهکارهای اسلامی به عنوان الگویی کارساز و نتیجه‌بخش بر مبنای اندیشه اسلام ناب محمدی به جهانیان معرفی شود. از دیگر وجوه افتراق راه‌حل‌های ارایه شده در نهج‌البلاغه با دیگر الگوهای رایج پیش‌گیری، توجه به جهان ماورای طبیعت و عوامل اثرگذار آن جهان (آخرت‌گرایی و معادباوری) است به نحوی که وجود نظام عادلانه حسابرسی و سزادهی در آن عالم به عنوان یک سازوکار مؤثر در کنترل رفتار انسان در جامعه تلقی شود. الگوهای پیش‌گیری رایج بر مبنای نگرش مادی و محدود به انسان و خلقت تک‌بعدی و تک‌ساحتی دیدن او ارایه شده است. از این‌رو این نگرش مضیق و تنگ‌نظرانه موجب ارایه راهکارهای ناقص و محدود خواهد شد که قطعاً پاسخ‌گوی بسیاری از واقعیت‌ها در ارتباط با جنبه‌های متعالی انسانی نخواهد بود. چرا که جهان‌بینی مکاتب غیراسلامی صرفاً مادی و محسوس است و بالاترین هدف برای انسان را رسیدن به لذت در همین زندگی محدود دنیوی می‌داند. از جمله دلایل کاستی‌ها و محدودیت‌های موجود در دیدگاه‌های غیراسلامی، این واقعیت تاریخی می‌باشد که از آغاز شکل‌گیری نظریه‌های

جرم‌شناسی، این کمبودها و نواقص با آنها قرین و عجین بوده است و به تدریج و استمرار تحقیقات در گذر زمان تا حدودی نسبت به قبل تکمیل شده است. در حالی که در آموزه‌های اسلامی با فاصله زمانی بیش از هزار سال، بخش عمده‌ای از ابعاد یاد شده به طور هم‌زمان و با دقت لازم مورد ملاحظه قرار گرفته است.

فهرست منابع :

۱. سلیمی، علی و همکاران (۱۳۸۸)، هم‌نشینی و کج‌روی، نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ زیتون.
۲. جواد آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، تفسیر قرآن کریم، ج ۲، قم: مرکز نشر اسراء. ۳۷.
۳. حاجی‌ده‌آبادی، محمد علی (۱۳۸۰) ارتباط اخلاق و سیاست جنایی، قم: دانشگاه مفید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی
۴. خسروشاهی، قدرت‌اله (۱۳۸۶)، پیشگیری از جرم درآموزه های قرآن، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی
۵. راغب اصفهانی، (۱۳۶۲)، مفردات الفاظ القرآن، کتابفروشی مرتضوی، تهران
۶. رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۸)، جرم‌شناسی، تبریز: انتشارات فروزش.
۷. سعیدی، علی (۱۳۷۰)، اصول اعتقادات، قم: انتشارات الهادی.
۸. فرشادفر، عزت‌اله (۱۳۸۶)، توحید در نهج‌البلاغه، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه
۹. فرمی‌هنی فراهانی، محسن (۱۳۹۰)، تربیت در نهج‌البلاغه، تهران: نشر آییز
۱۰. فیاض لایه‌جی، ملا عبدالرزاق (۱۳۷۲)، گوهر مراد، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی اسلامی
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵)، آموزش عقاید، تهران: چاپ و نشر سازمان تبلیغات
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، سیری در نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات صدرا.

نقش فناوری نوین در کشف جرایم و چالش های حاکم بر آن

محمود مالمیر*

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۰/۴/۲۲	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۳/۵/۳۰	شماره صفحه : ۴۳-۲۷
--------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------

ادله اثبات در امور کیفری در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ احصا گردید که شامل اقرار، شهادت، قسامه، سوگند و علم قاضی می باشد. علم قاضی از طریق مستندات و قرائن و امارات بین و در مفهوم خاص کلمه به کمک دلیل حاصل می شود و دلیل در اثبات جرایم و تحقق محکومیت کیفری در همه نظام های حقوقی یک شاه کلید محسوب می گردد. امروزه با توجه به پیشرفت هایی که در زمینه علوم جدید و نیز رشته های آزمایشگاهی نسبت به دهه های گذشته حاصل شده ادله اثباتی دیگر را تحت شعاع قرار داده است و دلایل علمی جایگاهی ویژه و ممتاز در فرآیند کشف و اثبات جرایم دارند. بدون شک علمی نظیر بیولوژی جنایی، شیمی جنایی، فیزیک جنایی و بیومتریک یا علوم زیست سنجی این امکان را فراهم می نمایند که همزمان با شیوه و شگرد های پیچیده مجرمان در روند ارتکاب جرم روش های علمی و سهل الوصول در خصوص کشف و اثبات جرایم و تحقق محکومیت کیفری به کار گرفته شود. سعی شده در فصول مختلف ادله علمی هم به صورت نظری و هم به صورت کاربردی بررسی و مطالعه گردد، در ابتدا مقدمه و بیان مسئله و سوالات و فرضیاتی مطرح گردیده و همچنین پیشینه تحقیق و مقالاتی که مبتنی بر واژگان کلیدی این پژوهش بررسی گردیده عنوان شده است و سپس اهداف تحقیق که شامل بررسی های نظری و کاربردی علوم زیستی و بیومتریک و نیز چالش ها و موانع موجود در مسیر استفاده از این ادله و لزوم انسجام و هماهنگی بین سازمان های متولی این امر مورد مطالعه قرار گرفته است. نوع تحقیق در این پژوهش کاربردی و رویکرد آن توصیفی-تحلیلی و

* دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

روش انجام آن مطالعه کتابخانه ای و استفاده از مقالات و فصلنامه های علمی و ابزار گردآوری اطلاعات آن فیش برداری می باشد.

واژگان کلیدی: علوم زیستی، علوم بیومتریک، بیولوژی جنایی، شیمی جنایی، ادله اثبات

مقدمه

ادله اثبات در امور کیفری در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ احصاء گردید که شامل اقرار، شهادت، قسامه، سوگند و علم قاضی می باشد. علم قاضی نیز یقین حاصل از مستندات و قرائن و امارات بین می باشد و در مفهوم خاص به کمک دلیل حاصل می گردد و با توجه به اینکه اثبات جرم و تحقق محکومیت کیفری در همه ی نظام های حقوقی با وجود دلیل امکان پذیر می گردد، لذا دلایل در حقوق کیفری و به ویژه اثبات جرایم نقش اساسی دارند. البته در ماده ۱۶۲ قانون مجازات اسلامی داریم که اگر ادله ای که موضوعیت دارند مانند اقرار و شهادت، شرایط شرعی و قانونی لازم را نداشته باشند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار می گیرند و مشروط به این که با قرائن دیگر موجب علم قاضی شوند. همچنین در قانون آیین دادرسی کیفری نیز در موارد مختلف آن به صحنه جرم و ارتباط آن در روند کشف و اثبات جرایم اشاره شده است، از ماده ۱۲۳ قانون مذکور تا ماده ۱۳۶ در خصوص معاینه محل و حفظ و بررسی صحنه های جرم و جمع آوری و نمونه برداری از آثار باقی مانده در صحنه ها که به نحوی در کشف جرم مؤثر می باشد اشاره شده است و در واقع جزء وظایف بازپرس و ضابطان دادگستری در مراحل تحقیقات مقدماتی می باشد. همچنین در بحث رسیدگی و صدور رأی در دادگاه ها در ماده ۳۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری آمده : ((هر گاه متهم به طور صریح اقرار به ارتکاب جرم کند، به طوری که هیچ گونه شک و شبهه ای در اقرار و نیز تردیدی در صحت و اختیاری بودن آن نباشد دادگاه به استناد اقرار رأی صادر می کند.)) مفاد این ماده حاکی از این موضوع می باشد که اقرار در هر شرایطی اثبات کننده جرم نمی باشد و باید با اوضاع و احوال و قرائن و امارات موجود همخوانی داشته باشد و در واقع بخش مهم قرائن و امارات دلایل علمی می باشند. (جلیلی، ۱۳۹۳: ۲۵)

وقتی دعوایی مطرح می شود قاضی درباره موضوع، معرفت و شناخت حاصل می نماید و به اقتناع وجدانی می رسد و منظور از علم و شناخت علم شخصی قاضی است که مستند به امارت قضایی می باشد. فلسفه پذیرش علم قاضی در اصدار حکم کتاب و سنت و دلایل عقلی

می باشد. در زمان صدر اسلام پیامبر(ص) و امام علی (ع) در موارد متعددی به گواهی تاریخ بر اساس علم خود قضاوت می کردند و از لحاظ عقلی نیز علم قاضی از مهم ترین ادله اثبات بوده که در بیانات فقهای بزرگی همانند شهید ثانی و شیخ طوسی و... به ارزش علم قاضی اشاره شده است. به عنوان مثال در بحث اثبات نسب وقتی ما به آزمایشات DNA استناد می نماییم صحت آزمایشات بالای ۹۹٪ ارزش دارد و لذا عقل حکم می کند که مورد پذیرش همگان قرار گیرد. (نیکو اخلاق، ۱۳۸۶: ۲۵)

در سنجش ارزش ادله اثبات علم قاضی نسبت به اقرار و شهادت ارزش بیشتری دارد. در ماده ۱۲۷۶ قانون مدنی آمده است که: اقرار در صورتی صحیح است که کذبش نزد قاضی مشخص نگردد. البته با مذاقه در ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی که اشعار می دارد: علم قاضی در دعاوی قابل پذیرش است که با شهادت قابل اثبات باشد با ادله دیگر را تکمیل نماید، می توان چنین استنباط نمود که چنانچه در دعاوی مطروحه سند رسمی به عنوان دلیل وجود داشته باشد علم قاضی نمی تواند به تنهایی ملاک صدور حکم قرار گیرد. البته در برخی دعاوی کیفری نظیر جرم زنا نمی توان از علم قاضی جهت اثبات استفاده نمود. از نظر فقهای امامیه علم قاضی مطلقاً حجت است و از نظر اکثر فقهای عامه علم قاضی مطلقاً حجت نیست، در بررسی نظریات فقهای اهل سنت علم قاضی مطلقاً حجت ندارد و دلیل آن بیم سوء استفاده قضات و یا احتمال متهم شدن آن ها توسط مردم است. (ساعی، ۱۳۹۲: ۵۴) البته از نظر برخی فقهای شیعه اثبات دعاوی با علم قاضی ممکن نیست و استناد آن ها به حدیث نبوی «انما اقضی بینکم بالبینات والایمان» می باشد، از نظر برخی فقها مانند ابن ادریس علم قاضی در حقوق الناس حجت است ولی در حقوق الله حجت نیست. هدف در دادرسی های کیفری کشف حقیقت و شناسایی مجرم واقعی است و دلیل ابزاری برای دستیابی به این حقیقت و اثبات آن است. از مهم ترین دلایل، اثبات جرم با استفاد از ادله علمی می باشد که نقطه آغاز بهره گیری از این دلایل صحنه جرم است و دقت در حفظ و بررسی صحنه جرم و کشف دلایل مادی منقول و اثربرداری، عکس برداری و سایر اقدامات به منظور تشخیص هویت مرتکب جرم است. علوم نظیر مهندسی قانونی، پزشکی قانونی، علوم زیستی و بیومتریک می تواند ابزارهایی جهت حصول علم قاضی باشد. در زمان های گذشته ابزار ابتدایی در تحقیقات جنایی صرفاً مشاهده و تفسیر مدارک فیزیکی بوده است، چینی ها ۷۰۰ سال قبل از میلاد از آثار انگشت برای شناسایی اسناد و مجسمه های گلی استفاده می کردند، در سال ۱۸۱۰ م نخستین آنالیز شیمیایی برای شناسایی اسناد در آلمان انجام گرفت. در سال ۱۸۱۳

م ماتیوار فیلا پروفیسور دانشگاه پاریس، اولین کتاب سم شناسی جنایی را چاپ کرد. ارفیلا پدر سم شناسی مدرن شناخته می شود و برای اولین بار برای ارزیابی لکه های خون و منی اقدام نمود. در سال ۱۸۳۶ م جیمز مارش شیمی دان اسکاتلندی با شناسایی آرسنیک برای اولین بار از سم شناسی برای اثبات جرم استفاده نمود و همچنین در سال ۱۸۳۹ اچ بایارد اولن روش های معتبر میکروسکپی را برای شناسایی اسپرم مورد بررسی قرار داد. (فرخی، ۱۳۹۲: ۵۶)

چالش های متعددی پیش روی این نوع ادله در حقوق کیفری وجود دارد که با مراجعه به متون موجود از طریق روش توصیفی-تحلیلی و بررسی آرای قضایی چالش های تقنینی و قضایی را می توان از جمله مهم ترین آن ها دانست.

موضوعیت دلایل علمی در فقه اسلامی از دیرباز محل اختلاف بوده است. بعضی از صاحب نظران علم حقوق با استناد به آیات و روایات از جمله قاعده (تدرء الحدود بالشبهات) روش های اثبات جرایم را محدود به موارد منصوص در شرع دانستند و در مقابل گروه دیگری از حقوق دانان معتقدند که در منابع شرع دلیلی برای محدودیت دلایل اثبات وجود ندارد؛ چون رسالت شرع مقدس اسلام تأمین مصالح مشروع می باشد و دستیابی به این اهداف با تکیه بر چند دلیل سنتی امکان پذیر نمی باشد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص موضوعیت برخی ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت و... سخن به میان آمده و ممکن است این گونه برداشت گردد که قانون گذار می خواهد برای این گونه ادله شرعی ارزش موضوعی ویژه قائل شود لیکن با مذاقه در قانون مجازات اسلامی، قانون گذار مواردی را مطرح نموده است که قاضی باید به طور جدی به کشف حقیقت و طریقت دلایل توجه نماید و چنانچه قرائم و امارات (ادله علمی) بر خلاف مفاد ادله شرعی باشند مجاز نیست به مفاد اقرار و شهادت با توجه به موضوعیت آن ها استناد نموده و ترتیب اثر بدهد، لذا در مجموع رویکرد کلی قانون طریقت دلایل در کشف جرایم می باشد. (حق وردیان، پور قهرمانی، ۱۳۹۴، ۴۵)

همچنین متغیرهایی نظیر چالش های تأمین منابع مالی، تأمین نیروی انسانی متخصص، آموزش نیروی انسانی، تعدد متولیان و مقررات حوزه کارشناسی، فقدان مقررات ناظر بر حریم خصوصی افراد موجود بوده که در این پژوهش به شرح موارد و نیز بررسی راهکارهای موجود و مؤثر بر رفع این مشکلات و نقائص می پردازیم.

۱- چالش های مرتبط با گیاه شناسی جنایی

در بحث های مرتبط با گیاه شناسی جنایی با توجه به این که هنوز مطالعات جامعی در این خصوص صورت نگرفته بالطبع چالش ها و نواقصی موجود می باشد از جمله این که :

۱. علیرغم این که گیاه شناسی علم جدیدی نیست لیکن در بحث موارد مرتبط با مسائل جنایی تحقیقات کافی صورت نگرفته است.

۲. پایگاه اطلاعاتی جامع و بانک اطلاعاتی مربوط به گیاه شناسی جنایی پیش بینی نگردیده است.

۳. نیروی متخصص و ابزار و بودجه کافی در این خصوص تخصیص نیافته است

۴. متولی سازمانی مشخصی جهت این رشته از علوم وجود ندارد.

پیشنهاد می گردد ضمن تخصیص نیروی مجری و متخصص در دانش گیاه شناسی جنایی و اکولوژی جنایی این علم زیر مجموعه پلیس جنایی کشور و یا سازمان پزشکی قانونی به عنوان یک واحد تخصصی مستقل قرار گیرد.

۲- چالش های مرتبط با تشخیص گفتار و اصوات

۱. معمولاً در خیلی از موارد نمونه های صوتی ضعیف و دارای کیفیت پایین می باشد و ممکن است ضبط صداها از فاصله دور انجام گرفته باشد و یا مزنونین با صدای ضعیف صحبت نموده باشند.

۲. بسیاری از بیماری های تنفسی و یا تغییرات مرتبط با خلق و خوی افراد می تواند در صدای مزنونین تنوع ایجاد نماید.

امکان تقلید صدا و ایجاد تغییرات عمدی در اصوات توسط مجرمین حرفه ای وجود دارد

۳- چالش ها و موانع استفاده از اثر انگشت

در بعضی از صحنه ها که افراد غیرمسئول به صحنه ورود پیدا می کنند و صحنه به خوبی حفظ نگردیده امکان زدن افراد به لحاظ عدم آگاهی به مدارک و سطوح مرتبط با صحنه وجود داشته و مانع استخراج اثر انگشت مربوط به مجرمین می گردد. ممکن است آثار انگشت

به دست آمده از صحنه جرم مربوط به مجرمینی باشد که سابقه انگشت نگاری قبلی ندارند و اطلاعاتی از کلاسه آثار انگشت آنها در بانک اطلاعاتی تشخیص هویت وجود نداشته باشد. لذا تطبیق آثار امکان پذیر نمی باشد.

با توجه به حفظ حقوق شهروندی و رعایت کرامت انسانی و به لحاظ موانع تقنینی و قضایی متاسفانه بانک اطلاعاتی کلاسه اثر انگشت همه افراد جامعه تهیه و ذخیره نگردیده است که همین موضوع چالش های فراوانی در خصوص بررسی خیل عظیمی از پرونده های موجود از جمله سرقت های سریالی از اماکن و سایر قسمت ها و همچنین پرونده های مربوط به کشف اجساد ناشناس را رقم می زدند، شد.

۴- چالش های مرتبط با فناوری بیومتریک تشخیص چهره

۱. شرایط خاص محیطی مانند کم و زیاد بودن نور و یا سایه تطبیق دقیق را مشکل می سازد.

۲. بالا رفتن سن، عینک، موهای صورت و سایر پارامترهایی که تغییر دهنده حالت صورت می باشند مثلاً جراحی های پلاستیک و برخی دستکاری ها در پوست صورت می تواند در عدم تطبیق موثر باشد.

۳. سواستفاده برخی افراد کلاه بردار از تصاویر چهره های بسیار زیادی که در رسانه ها و فضای مجازی موجود می باشد و ایجاد حساب کاربری برای خود و ثبت عکسی غیر از عکس چهره خود و یا تحریف چهره خود با کلاه یا عینک آفتابی بعضاً باعث عدم تطبیق در استفاده از این فناوری می گردد.

۵- چالش های مرتبط با پزشکی قانونی

پزشکی قانونی یکی از اصلی ترین و مهم ترین سازمان های پاسخگو در زمینه استعلامات قضایی و انتظامی و موارد مرتبط با حقوق اعم از کیفری و مدنی می باشد و از آن جا که نظریات پزشکی قانونی مانند چراغ راهی فراروی قضات محاکم در خصوص صدور آراء قضایی می باشد لذا پاسخ های کارشناسی پزشکی قانونی باید دقیق و تضمین شده باشد تا حقوق افراد متأثر از جرم و یا سایر افراد ذی نفع به نحو شایسته تامین گردد. در حال حاضر چالش ها و نواقصی در این

حوزه موجود بوده که ذیلا به آن اشاره می گردد.

۱. امکانات و تجهیزات تخصصی و آزمایشگاهی مورد نیاز در پزشکی قانونی ناقص و دارای کمبود می باشد و با این که غالبا آزمایشگاه های پزشکی قانونی در مرکز استان ها وجود دارد هنوز از لحاظ امکانات و تجهیزات به سطح مناسب نرسیده است.
۲. کمبود نیروی متخصص فعال و آموزش دیده در بخش های مختلف از جمله آزمایشگاه های سرولوژی، سم شناسی، آسیب شناسی و...
۳. عدم توانایی در تعیین علت فوت در برخی از اجساد که طی آمار های موجود در حدود ۵٪ اجساد پزشکی قانونی قادر به تعیین علت فوت نبوده و در این خصوص درخواست پرونده کیفری را می نماید و یا بررسی علت فوت را منوط به تحقیقات قضایی و پلیسی می داند.
۴. تعیین و اعلام علت فوت توسط پزشکی قانونی به طور متوسط بین ۳۰ تا ۴۵ روز به طول می انجامد و در پاره ای از موارد از جمله آزمایشات مربوط به تطبیق DNA در اجساد مجهول الهویه با افراد معرفی شده پاسخگویی مستلزم گذشت زمان بیشتری می باشد. که از یک طرف موجب از بین رفتن برخی از دلایل و مدارک موجود در پرونده های جنایی شده و از طرفی موجب اطاله دادرسی می گردد و حتی فرصت تبانی و فرار مجرمین مرتبط با موارد جنایی فراهم می گردد، به عبارت دیگر تحقیقات پرونده که مطابق با آیین دادرسی کیفری باید در اسرع وقت انجام گیرد در بسیاری از موارد تا حصول نتیجه استعلام از پزشکی قانونی معطل خواهد ماند.
۵. عدم دقت در تفکیک نمونه های مرتبط با هر مورد و یا اشتباه سهوی در یادداشت برداری از اقدامات پزشکان در سالن تشریح و تاثیر آن بر اعلام شرح معاینه اجساد و علت فوت افراد متوفی
۶. هزینه بالای تامین مواد آزمایشگاهی که در داخل کشور فاقد مشابه می باشند و صرفا باید وارد شوند.
۷. پاسخگویی به برخی استعلامات و همچنین انجام بعضی از آزمایش های تخصصی صرفا در تهران انجام می گیرد و در حال حاضر امکان انجام این موارد در استان ها

میسر نمی باشد.

۸. پزشکی قانونی می بایست زیرمجموعه پلیس جنایی کشور باشد که در حال حاضر این سازمان تحت نظارت قوه قضائیه مشغول کار می باشد.

۶- چالش های اخلاقی با پزشکی قانونی ژنتیک

انگشت نگاری DNA برای اولین بار توسط الک جفری دانشمند انگلیسی با استفاده از DNA انسان انجام گرفت. از این روش اولین بار در سال ۱۹۸۶ در انگلستان پس از کشف تجاوز به عنف و قتل دو نفر مونث توسط پلیس استفاده شد و توانستند مجرمین را شناسایی نمایند. برای انجام این کار از حدود ۴ هزار نفر از ساکنان منطقه نمونه گیری شد. پس از آن در اکثر کشورها بانک اطلاعاتی ژنوم انسانی راه اندازی گردید. آمارهای نه چندان دقیق از کشورهای مختلف در خصوص تعداد نمونه های جمع آوری شده ارائه گردیده است از جمله آمریکا (از سال ۱۹۹۹ تا ۲۳۰۰)

انگلستان در سال ۲۰۰۴ اعلام نمود که ۲.۱ میلیون واحد ژنتیکی فرد و ۲۱۵ هزار اثر کشف شده از صحنه جرم همچنین برابر گزارش کشور انگلستان با کمک منابع ژنتیکی متهمان ۳۰ فقره ۴۵ فقره تجاوز به عنف و ۳۲۰۰ جرایم خرد شناسایی شده اند.

در انجام پژوهش های پزشکی و ژنتیکی رضایت مستقیم آگاهانه افراد ضروری و لازم می باشد و هیچ اجباری مبنی بر اینکه شخص داده هایش را در اختیار افراد دیگر قرار دهد، وجود ندارد.

راهکار دیگر جهت افزایش اطلاعات در بعضی کشورها در خصوص متهمینی است که جهت اثبات بی گناهی خود رضایت به اخذ نمونه انجام آزمایش داده اند، که در موارد دیگر از اطلاعات و داده های شخص استفاده می شود حتی پس از مرگ وی که این روش می تواند موجب سهولت در روند رسیدگی به امور کیفری باشد.

روش دیگر نمونه گیری اجباری از افراد بوده که شامل نمونه های متهمان و مجرمان و نیز خویشاوندان و بستگان مجرمان می باشد. البته ایرادی که بر این نظریه وجود دارد این است که برابر اصل (قانونی بودن جرم و مجازات) دستگاه عدالت کیفری صرفاً مجاز به تعیین مجازات و مجرم صرفاً مستحق مجازات قانونی می باشد و نباید استقلال و خودمختاری افراد تحت سیطره

قرار گیرد.

البته به نظر می رسد به منظور افزایش داده های ژنتیکی و علمی هرچه بیشتر روند رسیدگی به جرایم نیاز به ارتقا فرهنگ مردم و بالابردن سطح دانش و اطلاعات آنها و جلب همکاری جامعه می باشد.

۷- چالش های مربوط به کارشناسی تصادفات

سالانه تعداد زیادی از افراد برابر آمارهای اعلامی از مراجع رسمی بر اثر تصادف از بین می روند و پرونده های متعددی در این خصوص در مراجع قضایی اعم از کیفری و حقوقی مطرح و رسیدگی می گردد.

از آنجا که یکی از فاکتورهای مهم در روند رسیدگی به این دعاوی تعیین علت حادثه و درصد تقصیر هرکدام از طرفین می باشد لذا نظریات تخصصی کارشناسان مجرب تصادفات فاکتور بسیار مهمی در تصمیم گیری قضات محاکم به شمار می رود.

وقتی صحنه تصادفی اعلام می گردد بالطبع مامورین انتظامی و پس از آن کارشناسان تصادفات جهت بررسی در محل حاضر می گردند و آنچه حائز اهمیت است این که باید به چند سوال اساسی پاسخ داده شود:

(۱) آیا موضوع تصادف است یا صحنه سازی؟

(۲) آیا آثار صدمات و ضربات وارده بر متوفی مربوط به صحنه تصادف است یا مواردی خارج از صحنه؟

(۳) آیا مدت سپری شده از فوت متوفی (بر حسب ظاهر جسد) با زمان اعلام تصادف هم خوانی و هماهنگی دارد یا خیر؟

(۴) آیا وضعیت قرارگیری جسد و وسایط نقلیه و زوایای مختلف برخورد وسایط نقلیه با هم هماهنگی دارد یا خیر؟

و چندین سوال دیگر

در موارد متعددی در پرونده های موجود متأسفانه کارشناسان تصادفات بدون انجام بررسی های لازم با تنظیم کروکی و اظهارنظر در خصوص درصد تقصیر طرفین صحنه را جمع می

نمایند که در پاره ای از موارد بعد ها در فرایند پیگیری مشخص می گردد. اصلا موضوع تصادف نبوده و چه بسا قتل در محل دیگری رخ داده و سپس جسد را با انجام یک تصادف ساختگی در محل رها نموده اند و بالعکس در بعضی موارد که پرونده های ان موجود می باشد کارشناسان تصادفات بدون بررسی لازم و بدون استفاده از نظریات تخصصی سایر کارشناسان، موضوع تصادف را منتفی اعلام نموده و بحث جنایی بودن را مطرح می نمایند که ممکن است مدت ها پرونده در پیچ و خم های دادسرا و دادگاه طی مسیر نموده و به هیچ نتیجه ای هم نرسد. لذا در این خصوص رعایت چند نکته حائز اهمیت می باشد:

۱. صحنه های مرتبط با تصادف باید توسط مامورین اولیه حاضر در صحنه دقیقا حفظ گردد و هیچ گونه جابه جایی و تغییر تا حد امکان صورت نگیرد. البته متذکر می گردد در هر صحنه ای چنانچه فرد یا افراد مجروح یا مصدوم شده اند اولویت حفظ جان این افراد می باشد حتی اگر به قیمت بر هم زدن صحنه باشد.
۲. از کارشناسان مجرب و تحصیل کرده و خبره جهت بررسی صحنه استفاده شود.
۳. همزمان با حضور کارشناسان تصادفات از سایر کارشناسان تخصصی دیگر از جمله اکیپ بررسی صحنه تشخیص هویت و عنداللزوم از پزشکی قانونی جهت حضور در صحنه بررسی همه جانبه دعوت به عمل آید.
۴. از اظهار نظر های غیر کارشناسانه خودداری به عمل آید چرا که رسالت، احقاق حقوق به صورت عادلانه می باشد و سهل انگاری و تخطی از این مهم منجر به تضییع حقوق جامعه می گردد.

۸- چالش های مربوط به ادله علمی

یکی از چالش های حوزه علم ژنتیک در کشف و اثبات جرایم علیرغم اینکه علوم ژنتیک به دلیل دقت بسیار بالا و ضریب علمی زیاد اصولا قابل پذیرش در محاکم می باشند ایجاد تقلب و به کار بردن ترفندهایی در جهت عدم حصول نتیجه مطلوب توسط تبهکاران و باند های حرفه ای مجرمانه می باشند که از جمله می توان به پیوند سلول های بنیادین یا مغز استخوان اشاره نمود که موجب تغییر کد ژنتیکی شده و شناسایی افراد را غیر ممکن می سازد، موضوع دیگر این که مجرمین تکه ای از البسه و یا مقداری از خون، اسپرم یا موی دیگری را در صحنه جرم قرار می

دهند و موجب مظنونیت به اشخاص دیگر می گردند. (موذن زادگان -

چالش دیگر تعدد متولیان امور کارشناسی و نظریات متناقض ایشان در پاره ای از موارد می باشد که در این رابطه ذکر یک مثال خالی از لطف نمی باشد.

یک مورد فوت مشکوک فرد مونث ۶۲ ساله در شهر اصفهان داخل منزل اعلام گردید که در بدو امر اکیپ بررسی صحنه جرم اداره تشخیص هویت در محل حاضر و در گزارشات بررسی خود به شکستگی جمجمه متوفیه اشاره نمود و عکس و فیلم های گرفته شده از صحنه نیز نشان دهنده تشکیل حوضچه خون زیر سر متوفیه می باشد، در ادامه جسد به پزشکی قانونی تحویل و پس از بررسی و کالبد شکافی در گزارش پزشکی قانونی هیچ گونه اشاره ای به خونریزی یا شکستگی جمجمه در شرح معاینه جسد نگردید و پس از گذشت دو ماه پزشکی قانونی علت فوت را مسمومیت با قرص برنج اعلام نمود. با توجه به این که جسد بعد از کالبد شکافی به خاک سپرده شده بود و اولیا دم و وکیل ایشان با یک دوگانگی مواجه بودند مقام قضایی مجبور به صدور دستور نبش قبر و معاینه مجدد متوفیه پس از گذشت حدود دوماه گردید. لذا به نظر می رسد بهتر است بررسی صحنه ها به لحاظ اهمیت موضوع توسط کارشناسان مختلف به صورت یک تیم واحد و منسجم صورت پذیرد تا از تشتت نظریات کارشناسی جلوگیری گردد.

همچنین در خصوص بررسی صحنه های جرم و موارد مرتبط با تشخیص هویت و پزشکی قانونی استفاده از ظرفیت متخصصین خارج از حوزه های سازمان های اعلامی با لحاظ شرایط امنیتی و حفاظتی از جمله بخش خصوصی با همکاری وزارت بهداشت می توان استفاده نمود به لحاظ این که بخش خصوصی در بسیاری از موارد توانایی و تخصص و ظرفیت و امکانات بیشتری در خصوص پاسخگویی به استعلامات را دارد.

۹- چالش های استفاده از ادله بیومتریک در تشخیص هویت

در تحقیقاتی که از طریق روش پیمایشی و جمع اوری داده ها در چند سازمان انتظامی در سطح کشور به عمل آمده موانع و چالش هایی به شرح ذیل احصا گردیده است:

۱. آموزش منابع انسانی
۲. تخصیص بودجه و منابع مالی
۳. کمبود منابع متخصص انسانی

در این پژوهش که جامعه هدف کارآگاهان و افسران پلیس آگاهی و کشف جرایم یکی از استان های شمالی کشور می باشد، بررسی اماری انجام گرفت که برابر تحقیقات انجام شده: متغیر آموزش منابع انسانی با میانگین رتبه ای ۱,۳۵، تخصیص منابع متخصص انسانی با میانگین رتبه ای ۲,۴۶ و کمبود منابع انسانی با میانگین رتبه ای ۲,۱۹ در بکارگیری ادله بیومتریک موثر بودند. (بابایی، شیرزاد و سایر همکاران، ۱۴۰۰)

۱۰- چالش های مرتبط با کارشناسان دادگستری در روند رسیدگی به دعاوی کیفری

به طور کلی تصمیم گیری دقیق و احراز واقعیت و تشخیص موضوع در محاکم و سیستم عدالت کیفری رابطه و پیوند ناگسستنی با اعلام نظریات کارشناسان خبره و تخصص و دانش اشخاص دخیل در کشف جرم دارد.

لازمه قضاوت صحیح بهره برداری هرچه بیشتر از داده های علمی و مدیریت هدفمند و نظام مند در روند کشف جرایم به طرق علمی می باشد. چالش هایی که در بحث کارشناسی وجود دارد، شامل مواردی به شرح ذیل می باشد:

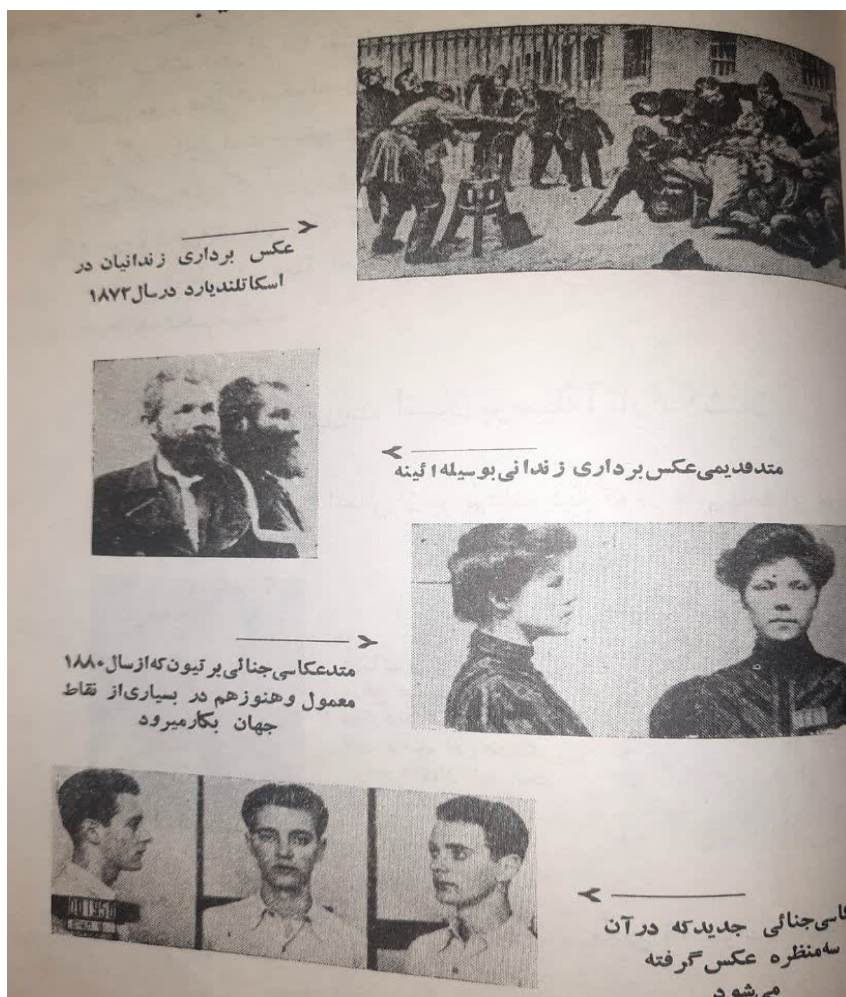
۱. موضوعات ارجاعی به کارشناسان گاهی مرتبط با صلاحیت و توان علمی و فنی کارشناسان نمی باشد. بدین مفهوم که تناسب بین تخصص کارشناس با موضوعی که به وی ارجاع شده ندارد و در واقع کارشناسان تجربه لازم و صلاحیت علمی در این خصوص ندارند که موجب آسیب به تصمیم دادگاه و تضییع حقوق طرفین دعوا خواهد شد.

۲. ایجاد انحصار در ارجاع موضوعات به کارشناسان یکی دیگر از چالش های این حوزه می باشد به این صورت که بعضا در انتخاب کارشناسان ممکن است به افراد خاصی رجوع گردد.

۱۱- موانع و چالش های مرتبط با شناسایی اشخاص و کشف جرایم از طریق عکس و تصاویر

با بالا رفتن سن و گذشت زمان تغییرات اساسی در ظاهر افراد به وجود می آید از جمله چین و چروک های ایجاد شده در پوست صورت و یا تغییر رنگ موها ریزش و کم پشت شدن

موها تغییراتی که بر اثر دستکاری های پزشکی از جمله جراحی پلاستیک بر روی اندام ها و صورت انجام می گیرد افت کیفیت عکس های تهیه شده از قبل به مرور زمان بعضی بیماری های پوستی نظیر سالک و یا جوزان باعث تغییر چهره و عدم شناسایی افراد می گردد سوختگی ها و حوادث و سوانح موجب تغییر چهره و اندام ها می گردد گریم کردن پیش از تهیه عکس و یا بعد از آن کاشت مو توسط افراد کم مو و طاس شباهت دوقلوهای همسان با یکدیگر روتوش عکس ها و امکان حذف آثار نظیر خال.



مراحل عکاسی جنایی

نتیجه گیری

انسان موجودی است که از بدو خلقت تمایل به زندگی اجتماعی داشته و در ادوار مختلف تاریخ از زمان غارنشینی و شکار حیوانات جهت امرار معاش خود تا جوامع پیشرفته و مدنی امروزی تمامی امیال و خواسته‌ها و نیازهای انسان در سایه زندگی اجتماعی حاصل شده است و بدون شک فاصله‌گیری از اجتماع و زندگی اجتماعی مساوی با نابودی و هلاکت انسان می‌باشد. از زمان‌های قدیم انسان احساس نیاز به نظم اجتماعی و تدوین مناسباتی حاکم بر رفتار و زندگی اجتماعی خود به منظور جلوگیری از هرج و مرج و کنترل رفتارهای ضد اجتماعی پیدا نمود و در سایه همین نیازها یک سری قوانین ابتدایی وضع نموده و کلیه افراد ملزم به رعایت این قوانین گردیدند. به طور مثال یکی از قدیمی‌ترین این قوانین مربوط به زمان حمورابی پادشاه بابل بوده که قوانین را بر روی سنگ حک و در میدان شهر نصب نموده بودند.

با رشد جمعیت و پیشرفت‌های علمی فرهنگی و مدنی شدن انسان‌ها بالطبع بشر نیازمند نظم اجتماعی بیشتر و کنترل اوضاع و احوال حاکم بر روابط افراد بشری گردید و استفاده عادلانه از امکانات اجتماعی و رسیدن به اهداف موجود در گرو رقابت سالم و استفاده بهینه از شرایط موجود در جامعه و جلوگیری از بی نظمی بوده است. نتیجه برآورد نمودن این نیازها و حل مشکلات تاسیس نهادهای قانونگذاری و همچنین مراجع رسیدگی به جرایم و تخلفات و به کیفر رساندن افراد خاطی و سو استفاده گر در جامعه بوده است. به موازات پیشرفت جوامع بشری و علم و صنعت، قوانین کشورهای مختلف نیز به صورت متریقی تر و پاسخگو به شرایط حاکم بر جامعه وضع گردید و از حالت سنتی و اولیه به صورت پیشرفته مناسب با وضعیت روز جامعه درآمد.

و تحت عنوان یک علم یعنی علم حقوق مورد مطالعه قرار گرفت. علم حقوق ناظر بر کلیه موارد مرتبط با حقوق عامه اعم از کیفری، مدنی و... همچنین نهادها و سازمان‌های مرتبط با قانونگذاری و اجرای قوانین و کلیه قواعد و مقررات حاکم بر آنها می‌باشد. در این پژوهش که موضوع آن نقش کاربردی علوم زیستی و بیومتریکی در اثبات جرایم و چالش‌های مرتبط با آن می‌باشد، به ادله اثبات در امور کیفری که در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی آمده است و شامل اقرار، شهادت، سوگند، قسامه و علم قاضی می‌باشد، اشاره شده و بیان گردیده است که اگرچه هنوز هم اقرار و شهادت جز ادله اثبات اصلی در محاکم محسوب می‌شوند، اما بنا به دلایلی از جمله شهادت دروغ و یا اقرار بر خلاف واقعیت مورد خدشه قرار می‌گیرند و امروزه دیگر اقرار و

شهادت شاه کلید اثبات جرایم به شمار نمی‌روند. هرچند در قوانین کشور ما طریقت دارند و هنوز محاکم ما اهتمام ویژه‌ای در اثبات جرایم از طریق اقرار و شهادت شهود دارند.

امروز ادله علمی از جایگاه ویژه‌ای در کشف و اثبات جرایم برخوردار می‌باشد و با پیشرفت‌هایی که مجرمین در استفاده از شیوه و شگردهای جدید حاصل نمودند دیگر از روش‌های سنتی و قدیمی در کشف و اثبات جرایم به نحو موثر نمی‌توان استفاده لذا ناگزیر از روی آوردن به علوم جرم یابی از جمله علوم زیستی و بیومتریک و علوم مرتبط با پزشکی قانونی و بررسی علمی و فنی صحنه‌های جرم هستیم ادله علمیه را باید از دل صحنه‌های جرم استخراج نماییم و با ظرافت خاص به مظنونین و متهمین منتسب کنیم حقوق کیفری معمولاً ادله بعد از وقوع یا ارتکاب جرم به وجود می‌آیند و غالباً پنهان می‌باشند لذا تیزبینی و دقت متولیان و کارشناسان مرتبط با کشف جرایم و مجهز بودن آنها به علوم مختلف می‌تواند ادله را شناسایی و استخراج و به نحو منطبق با قانون به مجرمین منتسب نماید علوم بیولوژی جنایی بر پایه آثار و نمونه‌های زیستی موجود در صحنه جرم می‌باشد که شامل بقایای زیستی انسان یا موجودات دیگر از جمله خون مو اسپرم اعضا یا بافت‌های بدن و... می‌باشد

علوم شیمی جنایی در خصوص آثار یا مواد شیمیایی موجود در صحنه‌ها بوده و فیزیک جنایی در خصوص آثار فیزیکی موجود در صحنه که شامل ابزار و وسایل و یا اسلحه پوکه فشنگ و آلات قتاله می‌باشد علوم بیومتریک یا زیست سنجی بر پایه داده‌های زیستی و اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل داده‌ها استوار می‌باشد و علوم پزشکی قانونی که مرتبط با بررسی اجساد تعیین هویت آزمایشات مختلف سم شناسی آسیب شناسی تعیین علت فوت و صدمات وارده به اجساد و یا بزه دیدگانی که مورد ضرب و جرح واقع شده اند و همچنین سایر بخش های تخصصی پاسخگو به استعلامات حقوقی از جمله حقوق کیفری یا مدنی می باشد. در کلیه حوزه های علمی بحث شده نحوه ی جمع آوری آثار و نمونه ها و بسته بندی و ارسال به آزمایشگاه و بررسی و تجزیه و تحلیل در آزمایشگاه و انطباق آن با داده های مربوط به صحنه و مجرمین حائز اهمیت می باشد و بی حوصلگی و بی دقتی و عدم به کارگیری موازین علمی و تخصصی موجب انحراف در روند بررسی جرایم و اثبات ان ها می گردد. ادله علمی زمانی می تواند به صورت موثر در روند دادرسی کیفری و اثبات جرایم نقش داشته باشند که در کنار سایر ادله و مستندات به کارگیری شوند و در واقع فرآیند اثبات جرایم مانند پازلی است که هر کدام از مستندات و ادله بخشی از آن را تکمیل می نماید و به عبارت دیگر ادله مرتبط با اثبات جرایم لازم و ملزوم یکدیگر هستند. موانع و چالش

هایی در استفاده علمی در مسیر کشف و اویات جرایم وجود دارند که از جمله چالش های تقنینی و قضایی، چالش های مربوط به منابع انسانی و مالی، چالش های مرتبط ابزار و وسایل و بزهکاران حرفه ای که به نوعی اقدامات خود را در صحنه های جرم در پیچیده ترین حالت ممکن انجام می دهند و ممکن است با روش های موجود قادر به کشف و اثبات جرایم نباشیم. من حیث المجموع با مطالعه و بررسی در علوم مختلف و به روز و ارتقا ابزار ها و وسایل آزمایشگاهی و استفاده از ظرفیت همه متخصصین علوم مختلف چه در بخش دولتی یا خصوصی می توان با جرایم پیچیده امروزی مبارزه نمود.

فهرست منابع

۱. خلعتبری، عبدالحسین - ۱۳۸۶ مبانی فرضیه یابی از صحنه های جنایت-ماهنامه کارآگاه- چاپ اول
۲. روشن قلب دیلمی، عیسی - ۱۴۰۰ جمع آوری ادله جرم مبتنی بر بیومتریک - انتشارات کارآگاه- چاپ اول
۳. رضایی، سید عیسی و همکاران - ۱۳۸۹ نقش عوامل بیومتریک در تشخیص هویت- پلیس آگاهی ناجا- چاپ اول
۴. فرخی، منصور- ۱۳۹۲ نقش علوم جرم یابی در اثبات جرایم بین المللی، فصلنامه علمی دانشگاه هرمزگان- چاپ اول
۵. ساعی، سید محمد- ثقفی، مریم- ۱۳۹۲ بررسی اعتبار نظریه کارشناس از منظر فقه و حقوق، دانشگاه امام خمینی- چاپ اول
۶. بابایی، محسن- شیرزاد، جلال و سایر همکاران- ۱۴۰۰ نشریه طب انتظامی،
۷. جلیلی، شیرین - محمودی، مریم- ۱۳۹۳ کاربرد گیاه شناسی جنایی در کشف علمی جرایم -نشریه کارگاه-پلیس آگاهی
۸. نیکواخلاق راد، منصوره-خدائیان، سید مرتضی- ۱۳۸۶ شیمی جنایی-معاونت آموزشی فراجا- چاپ اول

نقش فضای مجازی در جرم و جنایات جوانان در ایران و انگلستان

مهشید یراقی اصفهانی*

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۳/۵/۴	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۳/۵/۱۶	شماره صفحه : ۴۴-۵۹
--------------------	-------------------------	-------------------------	--------------------

در دهه‌های اخیر، نقش اساسی رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی و تاثیرگذاری بر افکار جامعه‌ها به ویژه جوانان، به طور چشمگیری افزایش یافته است. این پدیده‌ای پیچیده و چندافزاره، قابلیت ایجاد تغییرات نه تنها در میانه‌های اجتماعی بلکه در شخصیت‌ها و تصاویر فردی را نیز دارد. از جنبه‌هایی، توانایی تطابق سلايق جوانان با محتوا و ارزش‌هایی که رسانه‌ها ارائه می‌دهند، می‌تواند به همبستگی اجتماعی و اندیشه‌های مشترک کمک کند. از طرف دیگر، افزایش تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های محتمل ناشی از محتوای مخرب و مضر فضای مجازی، به تهدید و فرصت‌هایی برای امنیت اجتماعی و جرم و جنایات ایجاد می‌کند. این پژوهش با هدف بررسی تأثیرات فضای مجازی بر جرم و جنایات جوانان در ایران و انگلستان با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. تحقیق نشان می‌دهد که فضای مجازی با ارائه تصاویر تخیلی و افزایش محتوای جرم‌آمیز، به‌طور غیرمستقیم تأثیرات منفی بر افکار جوانان و نوجوانان ترتیب می‌دهد. مواجهه با تصاویر غیر واقعی از جرم و جنایت می‌تواند خشونت را تشویق کرده و فهم اشتباهی از میزان جرم‌آمیزی را به وجود آورد. برای کاهش اثرات منفی این پدیده، ضرورت توجه به فرآیند انتخاب و انتقال محتوا توسط رسانه‌ها ضروری است. تلاش برای شناسایی و تغییر الگوهای منفی ارائه مطالب و تصاویر مخرب با هدف افزایش آگاهی‌بخشی و ایجاد تصاویر واقعی‌تر از جرم و جنایت در فضای مجازی می‌تواند به کاهش آثار منفی این پدیده کمک کند. همچنین، توجه به نیازها و تفریحات جوانان و نوجوانان در تعیین سیاق‌ها و محتواهای مشخص با در نظر گرفتن مراحل توسعه‌شان نقش مهمی

* استادیار، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

در مدیریت اثرات فضای مجازی دارد.»

کلید واژه: جرم جوانان، جنایت، رسانه انگلستان، رسانه ایران، پیشگیری از جرم

مقدمه

رسانه ها به طور قابل توجهی بر زندگی روزمره مردم تأثیر گذاشته اند. کاربران اغلب تمایل دارند زندگی اجتماعی خود را بر روی یک پلت فرم رسانه توسعه دهند. بر اساس آخرین آمار، حدود ۳,۶ میلیارد نفر در سراسر جهان در سال ۲۰۲۰ از رسانه ها استفاده می کردند، که پیش بینی می شود این رقم در سال ۲۰۲۵ به تقریباً ۴,۴۱ میلیارد نفر افزایش یابد (استاتیستا، ۲۰۲۰: ۴۵). میانگین زمان صرف شده در رسانه ها توسط کاربران اینترنت در سراسر جهان در سال ۲۰۱۹، ۱۴۴ دقیقه در روز در مقایسه با ۱۴۲ دقیقه در سال قبل برآورد شد (استاتیستا، ۲۰۱۹: ۲۴). داده های اخیر فایننشال تربیون تقریباً ۴۷ میلیون نفر (۵۷ درصد از جمعیت) را منعکس می کند که می توانند به عنوان کاربران فعال رسانه ها در ایران علامت گذاری شوند که نشان دهنده افزایش ۱۸ درصدی در سال قبل است. متأسفانه، استفاده بیش از حد از رسانه ها یک مشکل رایج است که اکثریت کل جمعیت کاربران را تحت تأثیر قرار می دهد. آنها هنگام کار، غذا خوردن با اعضای خانواده و حتی راه رفتن در خیابان به استفاده از رسانه علاقه پیدا کرده اند (وون^۳ و همکاران، ۲۰۱۶: ۹۲۱). علاوه بر این، فن آوری های ارتباطی و رسانه به شدت بر فرآیند تصمیم گیری کاربران، در رابطه با ارتباطات سلامت روانی، جسمی و اخلاقی، به ویژه در مورد مسائل بهداشتی خاصی که در حال حاضر بسیار مورد بحث قرار گرفته اند، تأثیر می گذارد (ارقیتو^۴ و همکاران، ۲۰۲۱: ۵۲۶). کاربران رسانه ها زمان قابل توجهی را صرف ارتباط با دوستان و خواندن مطالب ارسال شده توسط سایر اعضا می کنند در حالی که از اثرات نامطلوب استفاده مشکل ساز بی اطلاع هستند (دهیر^۵ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۴۳). علاوه بر این، استفاده بیش از حد از رسانه ها می تواند باعث مشکلات روانی، جسمی و عاطفی، اختلال عملکرد، مشکلات اجتماعی

1. Statista

2. Statista

3. Kwon

4. Arghittu

5. Dhir

و کاری و القای فردی و خانوادگی شود. درگیری برای کاربران (کلس^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۸۴). استفاده بیش از حد و تکانشی از رسانه‌ها را می‌توان اعتیاد به رسانه‌ها در نظر گرفت (گریفیس^۲ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۲۵).

تاکنون پژوهش‌های زیادی در خصوص تاثیر رسانه در پیشگیری از جرم و جنایت‌ها انجام شده است که شامل: مبارکی طلب و همکاران (۱۳۹۹) جایگاه و نقش رسانه در پیشگیری از وقوع جرم، پناهی و همکاران (۱۳۹۹) نقش رسانه‌ها در پیشگیری از جرم و تأمین امنیت و مودن زادگان و افشاری (۱۳۹۲) و پژوهش‌های دیگر. در همه‌ی این پژوهش‌ها به اهمیت و تاثیر رسانه بر جرم و پیشگیری از آن پرداخته شده است. پیشگیری از جرم شامل هر گونه فعالیت یک فرد یا گروه، عمومی یا خصوصی است که سعی در حذف جرم قبل از وقوع یا قبل از انجام هر گونه فعالیت اضافی دارد. به عبارتی در پژوهش‌های فوق بر اهمیت رسانه و نقش آن در پیشگیری از جرم پرداخته شده است. لذا با توجه به مطالب گفته شده از آنجایی که این مبحث اهمیت بسیار زیادی دارد، پژوهش حاضر در یک پژوهش گسترده‌تر به بررسی و مقایسه نقش رسانه‌ها در جرم و جنایات جوانان در ایران و انگلستان پرداخته است.

تعریف رسانه و جایگاه آن

به طور کلی هدف رسانه‌های گروهی یا به عبارت دیگر ابزارهای رسانه‌های جمعی، ابزار ارتباطی است که در تمدن‌های جدید ایجاد و مورد استفاده قرار گرفته و ویژگی اصلی آن‌ها قدرت و توانایی و دامنه وسیعی از کنش و ارتباط است. بنابراین شکی نیست که شبکه‌های رادیو و تلویزیون و سینما و ... در ردیف آن‌ها قرار گیرند. اگر تعریف جامع‌تری از یک گروه رسانه‌های جمعی داشته باشیم، می‌توان آن را به صورت مجموعه‌ای از مطبوعات، آژانس‌های خبری، عکس‌های و آژانس‌های عکاسی، و هر آژانس یا سازمانی که به انتشار یا انعکاس اخبار در خارج و محل سکونت اختصاص داده می‌شود، تعریف کرد. حساسیت بحث از یک سو و ماهیت فعالیت رسانه‌ای از سوی دیگر، ساختار ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران، چالش بحث در مورد ارتباط رسانه‌های جمعی و رسانه‌ای در ایران را به چالش کشیده است. رسانه‌های ارتباط جمعی پایگاه‌های اطلاعاتی هستند که به یک نیروی انسانی ماهر برای فعالیت موثر نیاز دارند

1. Keles

2. Griffiths

که در آن هر دو می‌توانند زمینه را برای نقش صحیح آن فراهم کنند. قبل از هر چیزی، رسانه‌ها مدیریتی قدرتمند و آشنا در زمینه فعالیت‌های خود برای پرداختن به تولید پیام‌ها و اطلاعاتی که مسئولیت هدایت می‌باشند، نیاز دارند. چیز دیگری که در مورد رسانه‌ها اهمیت دارد اهداف اصلی آن‌ها است. برخی سرمایه‌گذاران تنها برای سود، وارد این حوزه خواهند شد. بدیهی است که با در نظر گرفتن عملکرد کسب‌وکار صرف، به مصالح عمومی کاملاً وفادار نیستند. برخی رسانه‌ها برای انتشار پیام‌های خاصی به جامعه تاسیس شده‌اند و برخی رسانه‌ها نیز فعالیت‌های انتفاعی در این زمینه دارند. (کی نیا، ۱۳۸۶: ۸۹).

یکی از ابعاد تأثیر گذار، رسانه‌ها تأثیر آنها بر احساس امنیت یا ناامنی است. اندیشمندان حوزه ارتباطات به نقش رسانه‌ها در احساس امنیت توجه نموده‌اند. روژه کلوس استاد بلژیکی، ارتباطات و وظایف اجتماعی رسانه‌های جمعی را به وظایف ارتباط فکری و وظایف روانی-اجتماعی تقسیم می‌نماید که اطلاع و آگاهی از وقایع و حوادث جاری روز را در دسته اول و حفظ سلامت، فکری توجه به آرامش افراد و رهایی از دلهره‌ها را در دسته دوم این وظایف قرار داده است.

نقش رسانه‌های جمعی در افزایش جرم

نقش رسانه‌های جمعی در افزایش جرم در جامعه یکی از مسائلی است که جرم‌شناسان از منظر افزایش جرم در جامعه و انعکاس مستقیم خشونت در برنامه‌ها و محتوای رسانه‌ای مورد توجه قرار گرفته‌اند. اگر خشونت را در هر گونه هنجارهای اجتماعی، از جمله قانونی، همه فیلم‌ها، نمایش و نمایش اعمال مجرمانه، قتل، دزدی و نقض قوانین، و همچنین فیلم‌ها و برنامه‌هایی که برای زندگی جوانان الهام‌بخش است، تعریف کنیم. از آن خواسته می‌شود تا تصاویر و موضوعات مربوط به جنسیت و هرزگی و یا ترویج رفتارهای ناهنجاری مانند اعتیاد به سیگار و سایر داروها را در زمینه خشونت رسانه‌ای ارائه دهد. مطبوعات، به ویژه سینما و تلویزیون، مورد انتقاد جرم‌شناسان قرار گرفته‌اند. به نوشته گیدنز: رواج خشونت در برنامه‌های تلویزیونی کاملاً مستند است. مطالعات بسیار گسترده‌ای انجام شده که برنامه‌های تلویزیون در پربیننده‌ترین اوقات و روزهای آخر هفته را در همه شبکه‌های عمده تلویزیون آمریکا از سال ۱۹۶۷ تاکنون تحلیل کرده‌اند به طور متوسط ۸۰ درصد اینگونه برنامه‌ها در بردارنده خشونت است و ماجرای خشن در هر ساعت تصویر شده است. در برنامه‌های کودکان، سطح خشونت حتی بالاتر است، اگرچه قتل معمولاً تهاجمی است، اما بیشتر از هر نوع نمایش تلویزیونی شامل اقدامات خشن و ماجراجویی است. به

گفته محققان مسائل اجتماعی، عدم آگاهی از نقش رسانه‌ها، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در سطح کلان با مشکل و علت عمیق کردن نهادهای مسئول ایجاد نظم و افزایش دامنه آسیب‌های اجتماعی و جرم در جامعه (گسن، ۱۳۸۵: ۷۷).

آیا خشونت رسانه‌ای واقعاً باعث جرم در جامعه شده است؟ دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خشونت رسانه‌ای و پرخاشگری اجتماعی در ابتدا بر دو فرضیه رقیب رقابت هیجان و هیجان تمرکز داشت. تحت نظریه تخلیه عاطفی، مشاهده اقدامات خشن درمان، درمان صحیح بخش است و باعث می‌شود خشم و نفرت افرادی که فرصت یا امکان رفتار خشونت‌آمیز ندارند را از بین ببرد. اما در فرضیه تحریک، پیشنهاد می‌شود که تماشای رفتار خشونت‌آمیز تاثیر مخربی بر شخصیت و نگرش انسان دارد.

نظریات در مورد جرم و رسانه در مورد افراد مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، اما نمی‌توان گفت که هیچکدام پذیرفته و یا رد شده است. فروید بیان کرده است که سینما خود سبب آموزش یک سری رفتارهای پرخاشگرانه و فشارهای روانی بر کودک است. بنابراین رسانه بسیار در این زمینه تاثیر گذار است. دکتر کی نیا در ارزیابی این نظریه می‌گوید که بدون انکار تمام ارزش این نظریه، روانکاوی باید بخشی از این نظریه در نظر گرفته شود. اگر فیلم‌ها پر از خشونت و صحنه‌های خشن باشند، روح پرخاشگری می‌تواند کودک یا نوجوان را آرام کند و آن‌ها را وادار به سبکبار کند، فیلم پورن به هیجان آن‌ها اضافه خواهد کرد و راه انحراف و انحراف را افزایش خواهد داد. البته، فیلم‌هایی که با دقت مطالعه می‌کنند و مفاهیم مفید و آموزنده دارند، می‌توانند به عنوان یک تصویر ذهنی برای بیننده شفا دهنده در نظر گرفته شوند.

چگونگی تاثیر رسانه‌ها بر افزایش جرم

از سوی دیگر، در مورد چگونگی تاثیر رسانه‌ها بر افزایش جرم در جامعه اتفاق نظر وجود ندارد. هر چند در این زمینه، جرم‌شناسان فرضیه‌ی برانگیزاننده را که بسیار قبول دارند، هنوز هم مناقشات زیادی وجود دارد. آنتونی گیدنز با اشاره به نتایج برخی مطالعات در مورد تاثیر رسانه‌ها بر افزایش جرم در جامعه می‌نویسد: بیشتر این مطالعات قطعی نیستند. برای مثال، هنوز توافق نشده است که خشونت تا چه حد رفتار پرخاشگرانه در میان کودکان را نشان می‌دهد، اما نمی‌توان شک داشت که رسانه‌ها بر نگرش و نگرش مردم تاثیر عمیقی بگذارد. او همچنین به نتایج تحقیق اشاره کرد که مسائل عدالت و مجازات در دادرسی کیفری را برجسته می‌کند، اما لزوماً ممکن نیست که

نتیجه‌گیری شود که میزان بالای خشونت مستقیماً در میان تماشاچیان نشان می‌دهد که آن‌ها ممکن است بیشتر تحت‌تاثیر تاثیر اخلاقی قرار گیرند.

یکی از عواملی که جرم‌شناسان را به بررسی نقش رسانه‌ها در ارتکاب جرم واداشته است، تفکیک شخصیت و عوامل محیطی است که بر بزهکاری تاثیر می‌گذارد و نقش رسانه‌ها را به عنوان یک عامل محیطی تحلیل می‌کند. ژان سزال، جرم‌شناس فرانسوی می‌نویسد: «ما به ندرت به عمل سینما دست یافته‌ایم»، اما همیشه مشاهده شده‌است که این تاثیرات نامطلوب در افرادی مشاهده شده است که نقص در شخصیت یا ادراک آن‌ها باعث آماده‌سازی یا تحریک تصویر شده‌است. با توجه به این گروه از کارشناسان، با توجه به زمینه شخصیت و آموزش، رسانه‌های گروهی انتخاب شدند. بنابراین، توضیح اینکه آیا رسانه‌ها دارای نرخ جرم هستند یا تنها در افراد مستعد جرم، دشوار است. در مطالعه‌ای که رفتار ۵۰۰ نوجوان بزهکار و غیر بزهکار را مورد بررسی و مقایسه قرار داد، مشخص شد که حدود نیمی از مجرمین (۹ / ۴۴ درصد) در هفته سه بار و گاهی بیشتر به سینما رفته‌اند. اما از آنجا که هیچ توافقی در مورد توجیه و دلیل این پدیده وجود ندارد، محققان آن را نتیجه اجباری عطش خاص برای جستجوی ماجراجویی می‌دانند (کی‌نیا، ۱۳۸۶: ۹۳).

مطالعه دیگری که در دانشگاه لی ستر انگلستان انجام شد نیز نشان داد که تلویزیون در زندگی مجرمان جایی بیش از جرم ندارد، هر چه مجرمان به تماشای برنامه‌های تحریک عاطفی و هیجانی و استفاده مردم از تلویزیون به عنوان وسیله‌ای برای استفاده از آن علاقه دارند. محققان بر این باورند که افراد تحت‌تاثیر عوامل فردی (فیزیکی یا روانی)، عوامل مستعد کننده (وراثت)، عوامل مستعد کننده (اعتیاد به الکل) و عواملی که نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتکاب جرم دارند (احمدی و عربی، ۱۳۹۲: ۱۶).

نقش رسانه‌ها در معرفی الگوهای مناسب برای جوانان ایرانی

به دلیل ماهیت طبیعی در انسان‌ها، افراد به دنبال قهرمان هستند تا آن‌ها را به عنوان الگو و مدل خود قرار دهند. نوجوانان و جوانان احساسات قوی دارند چون از نظر روانی در حال توسعه هستند، بنابراین طبیعتاً به دنبال یک قهرمان هستند تا او را مدل کنند. امروزه رسانه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای مهم ارتباطی نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت نوجوانان و جوانان در جوامع مختلف ایفا می‌کنند. انسان هویت‌های متفاوتی دارد، هویت به مجموعه‌ای از نگرش‌ها

و ویژگی‌های فرد گفته می‌شود و مجموعه‌ای از ویژگی‌های اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، بیولوژیکی و تاریخی است که شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد. نوجوانان و جوانان گاهی اوقات چارچوب‌های موجود اجتماعی را می‌پذیرند و سعی می‌کنند خود را با آن همسو کنند، گاهی اوقات سعی می‌کنند رتبه‌بندی را درهم بشکنند و گروه‌های جدیدی ایجاد کنند که در آن‌ها سرمایه‌های داخلی و خارجی، هویت همزمان اجتماعی و فردی را شکل می‌دهند. امروزه فرض بر این است که معنا و هویت، ساختار و پایداری ثابت بوده، اما همواره در فرآیند ساخته شدن است. با توجه به آنچه گفته شد، رسانه‌ها دارای اثرات بصری، صوتی و تصویری مانند تلویزیون، اینستاگرام، تلگرام، توئیتر و ... هستند، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و شخصیت نوجوانان و جوانان دارند (حمیدی و رهبری، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

تمایل به داشتن قهرمانان و آرمانها یک میانجی خوب است. با توجه به حس کمال طلبی که در ذات و طبیعت او نهفته است، انسان به پیروی از رسانه که درجه‌های را پوشش داده و وجود آن‌ها را به صفات خوب مزین کرده است، علاقه‌مند است. اما امروزه بیشتر جوانان و جوانان در سبک لباس و لباس پوشیدن بیشتر هستند. مساله‌ای که باید در نظر گرفته شود این است که انتخاب الگو در هماهنگی با نیازهای هر فرد است و اساس و اساس نظام الگوی رفتاری نوجوانان و جوانان تحت تاثیر آن‌ها قرار می‌گیرد. ایدئولوژی غالب جامعه با الگوهای رفتاری مردم ارتباط نزدیکی دارد. یکی از نهادهایی که هنجارها جامعه و جوانان را تعیین می‌کند، و در بخش‌های مختلف علوم اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و ... می‌باشد، رسانه است. ما قهرمانان ملی کمی نداریم که توسط رسانه‌ها و سیاست آن‌ها به آن‌ها معرفی شوند. تلویزیون به دلیل گستره وسیع خود، یکی از مناسب‌ترین ابزارهای آموزشی و فرهنگی است که امروزه در دسترس کشورها و جوامع مختلف قرار دارد. تلویزیون به دلیل استفاده همزمان از صدا (موسیقی) و تصویر (رنگ و نور) بر مخاطبان خود تاثیر معناداری دارد و همچنین به دلیل منحصر به فرد بودن و منحصر به فرد بودن آن، تلویزیون تاثیر زیادی بر انتقال الگوهای رفتاری دارد (نجفی توانا، ۱۳۸۴: ۶۵).

مخاطبان تلویزیون از گروه‌های سنی مختلفی هستند، بنابراین رسانه‌ها در جامعه بسیار گسترده هستند. علاوه بر این، دسترسی آسان به تلویزیون و تنوع اجزای آن، آن را مهم‌تر می‌سازد. تلویزیون از نظر آثار دراماتیک و به روش ساخت بازیگران و آثار هنری، باورها و رفتار شخصی آن‌ها برای یک گروه بزرگ از مخاطبان، به ویژه نوجوانان و جوانان، بسیار مهم است. همه کانال‌های تلویزیونی شامل سریال‌های طنز، تولیدات سینمایی، تبلیغات و غیره هستند.

لویزیون می‌تواند با شناخت نوع ادراک مخاطبان، به توسعه و نمایش الگوهای مختلف به منظور نهادینه کردن هنجارها و ارزش‌های جوانان کمک می‌کند. در مقابل، با ارائه ظاهری و دروغین هنرمندان، او قادر خواهد بود تا مخاطبان خود را به یک مفهوم خاص تبدیل کند و در نهایت به سکویی برای توسعه آسیب‌های اجتماعی تبدیل شود. رسانه‌ها باید قهرمانان ملی، به ویژه شهدای برجسته دفاع مقدس برای نوجوانان و جوانان را معرفی کنند و درباره اعتقادات، ذهنیت و رفتار اخلاقی خود صحبت کنند. شهدایی مانند محمدابراهیم همت، شهید مصطفی چمران و مهدی باکری که به تیم امداد در زمان سیل ارومیه کمک کرده بودند و به تیم امداد مانند کارگر غرق در گل کمک کردند.

برای نوجوانان و نوجوانان امروز ما باید الگویی از مدل زنان مقدس و مردان معرفی کنیم، اگرچه تاکنون توجه کمی به این موضوع مبذول شده است، و جوانان و نوجوانان نسل امروزی از ظاهر خود پیروی می‌کنند و از آن‌ها تقلید می‌کنند. نخبگان علمی و فرهنگی مانند شیخ بهایی، پروفسور حسابی، پروین پروین، و غیره در عمل و تمرین الگوی خوبی برای جوانان و جوانان هستند که فراموش و نادیده گرفته شده‌اند.

انبیا و امامان بهترین و کامل‌ترین موجودات انسانی در تمام زمینه‌های علوم فرهنگ، باور، اجتماعی، سیاسی و ... هستند. بنابراین با ساختن طرح‌هایی که قهرمان داستان، مخاطب و امامان است، می‌تواند بهترین و کامل‌ترین انسان را ببیند. تاثیر رسانه‌های ملی در مدل‌سازی جوانان و نوجوانان تا حدی است که رهبر عالی یکی از مهم‌ترین مراکز جهان است؛ زیرا دستگاه تبلیغات و دستگاه‌های عمومی مانند صدا و سیما همیشه با مردم انجام می‌شود و باید گفت: در سال‌های اخیر گرایش به فرهنگ غرب در میان نوجوانان و جوانان ما دو برابر شده است و گروه‌های نوجوانان و جوانان از فرهنگ و فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی فرار کرده‌اند، به طوری که برخی از آن‌ها در مورد فرهنگ ایرانی - اسلامی صحبت می‌کنند.

البته این انکار دین ناشی از دین نیست، بلکه علل آن بیشتر از علل دین است. بخش عمده این مسئله به دین و گرایش آن‌ها به فرهنگ خارجی به دلیل تبلیغات گسترده و دروغین در مورد دین و عدم شک در میان نوجوانان و جوانان است. از آنجا که آن‌ها پاسخی قانع‌کننده به این پرسش‌ها و شبهات پیدا نمی‌کنند، تمایل به دین و فرهنگ غربی دارند. با وجود همه این تردیدها و تبلیغات، نباید انکار کرد که هنوز هم در روح جوانان و جوانان پرتو دین وجود دارد. عملکرد و عملکرد رسانه‌ها در قالب برنامه‌های مناسب برای معرفی مدل‌های موفق، ضمن تقویت باورهای

صحیح و دیدگاه‌های صحیح، رفتار را به عنوان هدف نهایی آموزش و پرورش تغییر خواهد داد. با توجه به مسائل قضایی و انضباطی، محدودیت‌هایی در پیش‌گیری از جرم وجود دارند، استفاده از رویکردهای دیگر ضروری است. رسانه‌های گروهی این توانایی را به عنوان یک ابزار آموزشی قدرتمند برای پیش‌گیری موثر از جرم دارند. در این راستا پژوهش گسترده‌ای در مورد نقش مثبت و سازنده رسانه‌های گروهی صورت گرفته است (رنجبر و ایری، ۱۳۹۰: ۳۷). اهمیت ویژه رسانه‌ها به عنوان اولین عامل تولید دانش، انتشار، ترویج علم، فنون و به عنوان ناظر عمومی و کارگزار اطلاعات شناسایی شده است. جرایم معمولاً مخفی و پنهان هستند. همین راز جرم، تفکیک و عوامل رسانه‌های جمعی و بررسی و اندازه‌گیری نقش آن‌ها را ممکن می‌سازد. یک کمپین آگاه‌سازی برای سازماندهی توجه به جرم و پیامدهای آن سازماندهی شده است. از طریق آموزش، اطلاعات و استفاده از رسانه‌ها در حجم وسیع، این طرح‌ها عملی است. یک کمپین آگاهی ممکن است کوتاه‌مدت یا بلند مدت باشد. کمیته ملی جرم پیشگیری، با سایر بخش‌ها در یک برنامه بلندمدت، باید بر ضرورت ایجاد یک موقعیت مرکزی برای پیش‌گیری از جرم در پلیس و نیاز به مشارکت جامعه تاکید کند. آگاهی عمومی و کمپین‌های آگاهی خدمات بر تغییر جامعه تاکید دارند، این جرم نیز تغییر کرده است (آرینگون، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

نقش رسانه‌ها در معرفی الگوهای مناسب برای جوانان انگلیسی

در مطالعاتی که از نشست خبری متخصصان در استودیوی خبر شبکه دو تلویزیون لندن بدست آمده است، خطر بزرگی خانواده‌ها و کشور را تهدید می‌کند و آن خطر مصرف بی رویه مشروبات الکلی توسط جوانان و نوجوانان است. از آنجایی که این مسئله سالیان زیادی بصورت خاموش بوده و اهمیتی به آن داده نشده، لازم است که به صورت جدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. یکی از راهکارهای جدی در خصوص این مسئله، معرفی الگوهای مناسب توسط رسانه می‌باشد. اگر از الگوهای دعوت به عمل بیاید و از آنان خواسته شود که در مورد عواقب مصرف این نوشیدنی‌ها صحبت کنند، بی شک تاثیر بسیار زیادی بر افراد خواهد داشت. همینطور نشر فیلم‌ها و سریال‌هایی که اینگونه مسائل در آن رعایت شده باشد. بنابراین رسانه‌ها در بهبود این مسئله نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند.

پلیس در انگلیس بیان کرده است که از خانواده تا جامعه همه و همه درباره این مسئله مسئول بوده و هر کدام تک تک وظیفه‌ی بسیار سنگینی دارند و مسئله‌ای است که باید همگی

با هم سعی در حل آن نمایند. یک نویسنده انگلیسی (گیلبرت) در نوشته‌ای بیان کرده، به تازگی نوجوانان و جوانان رفتارهای تازه‌ای از خود بروز می‌دهند که بسیار ترسناک است و علاوه بر آن اینگونه رفتارها را در فضای مجازی نشر می‌دهند. این رفتارهای ترسناک با خشونت همراه است که هم می‌تواند بدآموزی داشته باشد و هم سبب آسیب به سایر افراد شود. این مسئله بسیار جای نگرانی است.

وی به لزوم نظم و ترتیب در کلاس‌های درس اشاره کرد و گفت: در برخی از کلاس‌های درس به اصطلاح نظم و مقرراتی وجود دارد که در مواردی دانش آموزان حتی می‌توانند با وارد آوردن اتهام‌هایی علیه معلمان، از زیر بار نظم و مقررات در سر کلاس به نوعی در بروند. این نویسنده اعتماد به نفس داشتن را برای والدین و معلمان امری لازم توصیف کرد و گفت: باید برای نوجوانان و جوانان سرمایه گذاری کرد و باید به مسئله پیشگیری توجه شود، یعنی قبل از اینکه نوجوانان و جوانان سر از دادگاه در بیاورند برای آموزش و تربیت آنها سرمایه گذاری شود تا در چنین مسیری قرار نگیرند.

«سیندی بارنت» از اعضای انجمن مسئولین دادگاه‌ها در این زمینه گفت: باید به این مسئله نیز توجه داشت که در این کشور میلیون‌ها نوجوان و جوان وجود دارند که رفتار درستی دارند مرتکب جرم نمی‌شوند و نگرانی مطرح شده در ارتباط با عده‌ای از نوجوانان و جوانان است. بارنت افزود: یکی از علل وجود مشکل مربوط به رفتارهای نادرست و ضد اجتماعی نوجوانان به مسئله، نبود ساختار در خانواده‌ها و نبود نظارت و رفتار مناسب از سوی والدین است. وی همچنین افزود: نوجوانان بسیاری در دادگاه‌ها حضور پیدا می‌کنند که والدین ندارند و این مسئله به تمامی خانواده مربوط می‌شود. «راب ویلیامز» مدیر اجرایی کمیسیون کودکان، از دیگر شرکت کنندگان در این بخش خبری اظهار داشت: اغلب جوانان این کشور رفتار پسندیده‌ای دارند و لازم است تا امکانات لازم برای نوجوانان و جوانان فراهم شود زیرا با برخی از آنها که صحبت می‌کنم، از مسائلی از قبیل نبود باشگاه‌های ویژه جوانان گلایه می‌کنند و می‌گویند که کار و فعالیتی نیست که بتوانند در آنها شرکت داشته باشند.

ویلیامز به موضوع مربوط به از هم پاشیدگی خانواده‌ها اشاره کرد و گفت: در کشورهای اسکندیناوی با این که رفتار نوجوانان و جوانان در آن مناطق بسیار خوب است از هم گسیختگی خانواده‌ها به چشم می‌خورد. وی سرمایه گذاری، حمایت والدین از فرزندان، رفتار آموزش دیده والدین با فرزندان و فراهم آوردن امکانات برای نوجوانان و جوانان را از عوامل مهم در

تربیت و آموزش نوجوانان و جوانان توصیف کرد. مدیر اجرایی کمیسیون کودکان در ادامه گفت: ما در تربیت کودکان مسئول هستیم و باید بر روی تربیت کار کنیم.

در گزارش این بخش خبری با یک صاحب فروشگاه مواد غذایی و مشروبات الکلی نیز مصاحبه شد و گفت: برخی اوقات نوجوانان زیر سن قانونی به این مغازه می آیند و درخواست مشروبات الکلی می کنند و وقتی از آنها در خواست می شود که کارت شناسایی ارائه کنند، ناراحت می شوند و برخی از آنها به شکستن شیشه های مغازه مبادرت می کنند و البته تا زمانی که پلیس به صحنه برسد، آنها فرار کرده اند. یک دختر نوجوان گفت برخی نوجوانان را می شناسد که برای بدست آوردن پول دست به کارهای خلافی مانند فروش مواد مخدر می زنند، همچنین در این گزارش خبری، مدیر یک باشگاه ورزشی با تاکید بر لزوم برپایی باشگاه های ورزشی و ایجاد زمینه های کاری و تفریحی برای نوجوانان و جوانان، تاکید کرد ایجاد چنین امکاناتی موجب می شود تا از کشیده شدن نوجوانان و جوانان به ارتکاب جرم و رفتارهای ضداجتماعی پیشگیری شود.

رسانه ها می توانند سلايق را تعيين کنند و اراده افراد را تحت تاثير قرار دهند به افراد الگوی رفتاری دهند و افراد نیز دقیقاً طبق این الگوها رفتار کنند. بسیاری نقش تفریحی و تفننی رسانه ها را بیش از سایر نقش ها مهم می دانند گسترش فناوری های اطلاعاتی و جهانی شدن رسانه ها از یک طرف نگاه خوشبینانه و انتظار مدینه ی فاضله دیرینه و از طرف دیگر نگاه بدبینانه و فرسایش هویت های فردی و اجتماعی را نمودار کرده است. تنها در صورت آگاهی از نقش و جایگاه رسانه هاست که می توان از تاثیرات منفی رسانه های مهاجم جلوگیری نموده از فناوری های جدید ارتباطی در جهت فرهنگ سازی مثبت و تسهیل فرایند هویت یابی بهره برداری کرد (پاک نهاد، ۱۵۹: ۶۵).

نتیجه گیری

رسانه ها منابع عمده آفرینش و پویایی فرهنگ به شمار می روند. قدرت و توان این ابزارهای فکری از پایه های آنچنان بلند برخوردار است که بدون حضور آن، دسترسی به جامعه ای با فرهنگ پویا، دست نیافتنی و محال است. رسانه ها سپهر اطلاعاتی هر جامعه به شمار می روند. رسانه ها می توانند جامعه را با نمایش رفتار درست حفظ کنند؛ و این امر به دلایل مختلف عملی است. داشتن دانش و اطلاعات درباره جرم و پیامدهای آن، نقش رسانه در جامعه، آن ها می خواهند

سیستم نظارت و کنترل را از طریق رسانه کنترل کنند. با این حال، استفاده از جرم اغلب نیازمند رویدادها است. شاید رفتارهای گذشته بهترین راه برای رفتار آینده باشد، نه پیش‌بینی کامل از آن. رسانه‌ها توانایی سیاست عمومی در مقیاس عمومی در مورد مساله پیش‌گیری از جرم در اجتماعات محلی و ملی را دارند. بنابراین معرفی و شناسایی مزایا و نتایج پیاده‌سازی موفق و تعیین چگونگی کاهش جرم یا حل اختلافات از جمله اقداماتی است که باید از طریق رسانه‌ها انجام شود. بر این اساس با افزایش نقش آموزش و فن‌آوری اطلاعات در این زمینه نقش بسزایی دارد. رسانه‌ها دارای کارکردهای مثبت و منفی هستند. از کارکردهای مثبت رسانه می‌توان به: اطلاع رسانی و هشدار، قانون‌شناسی و کیفرشناسی، کنترل اجتماعی و پیشگیری از جرم اشاره کرد. از کارکردهای منفی رسانه می‌توان به: تولید امواج جرمی، عادی‌سازی هنجار، گسترش خشونت و پرخاشگری و گسترش فحشا و بی بند و باری اشاره کرد. برخی از راهبردهای مقابله با جرم‌زایی و گروه رسانه‌های می‌توانند به مقابله با تحریک‌کنندگی و جرم‌خیزی احتمالی، بررسی محتوای برنامه‌ها و محتوای رسانه‌های قانونی، ویدئویی و نوشتاری، اجتناب از قهرمان‌سازی مجرمان، ناامن جامعه، جوسازی و زوم علل تصادف کمک کنند. رسانه‌ها با تاثیر در افکار عمومی در تولید جرم و فضای منبعث از آن و هم در پیشگیری از جرم نقش می‌آفرینند به گونه‌ای که نقش و کارکرد آن مورد توجه همگان قرار گرفته است. زیرا دانش عمومی از جرم و جنایت و عدالت تا حد زیادی از رسانه‌ها به‌دست می‌آید. بنابراین رسانه‌ها هم در ایجاد جرم و هم در پیشگیری از جرم بسیار نقش دارند. از کارکردهای منفی رسانه‌ها می‌توان به ایجاد امواج جرم، عادی‌سازی هنجار شکنی، گسترش خشونت و پرخاشگری و اشاعه فحشا و بی بند و باری می‌باشد. می‌توان گفت که نمایش فیلم‌ها و تصاویری از هرزگی و قتل‌ها و جنایت‌ها از سوی رسانه‌ها بیهوده بوده و تاثیر مثبتی از افزایش جرم و جنایت و ناامنی جامعه دارد. باید گفت که به جهت پیشگیری و کاهش جرم و ناامنی حاصل از رسانه‌های گروهی، نشر و پخش تصاویر باید باید توسط جرم‌شناسان، کارشناسان و ... از لحاظ محتوایی بازنگری شود. می‌توان از شاخص‌های بدآموزی اخلاقی و امنیتی در اطلاع رسانی، قهرمان‌سازی از مجرمان، ناامن جلوه دادن جامعه، جوسازی و بزرگنمایی حوادث، بی‌اعتنایی به آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی مسائل و ... بهره جست. این کار باید از مجاری قانونی و توسط متولیان رسمی انجام شود. در انگلستان نیز رسانه‌ها تاثیر زیادی در اعمال جوانان و نوجوانان دارند و در گفتگویی به مصرف بالای مشروبات الکلی توسط جوانان و نوجوانان و در اسکاندیناوی بر از هم گسیختگی خانواده‌ها اشاره شده است و یکی از

عوامل مصرف زیاد آن رسانه‌های گروهی است. لذا باید الگوهای مناسبی برای نوجوانان معرفی شود و رسانه‌ها در این زمینه نقش بسیار مهمی دارند.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر در ایران و انگلستان نشان داد که، رسانه اهمیت بسیار زیادی دارد. به خصوص در بخش پیشگیری از جرم. به عبارتی رسانه هم می‌تواند نقش مثبت و هم نقش منفی داشته باشد. در ایران برای پیشگیری از جرم چندین مرحله وجود دارد که شامل: شناسایی مسئله جرم و هدف‌گذاری، آسیب‌شناسی علل جرم، انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راه‌حل‌های عملیاتی و کاربردی و اجرای راهکارهای پیشگیرانه می‌باشد. برای اینکار وجود الگوهایی در ایران و انگلستان و اطلاع‌رسانی آن‌ها توسط رسانه اهمیت بسیار زیادی دارد. آنجایی که مخاطبان تمایل دارند، افراد قهرمان را به عنوان الگوی خود قرار دهند، وجود و الگو گرفتن از افراد قهرمان و تبلیغ و اطلاع‌رسانی آن‌ها توسط رسانه‌ها اهمیت بسیار زیادی دارد. در ایران بیان زندگی و سالم زیستن شهدا و ائمه و همچنین در انگلستان دعوت افراد معروف و قهرمان می‌تواند در پیشگیری از جرم و تاثیر داشته و در کل این عوامل سبب تاثیر در ذهنیت مخاطبان می‌شوند. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش‌های رزمان (۱۳۹۵)، مودن زادگان و افشاری (۱۳۹۲) و مبارکی طلب و همکاران (۱۳۹۹) همسو می‌باشد.

نقش رسانه‌ها را نمی‌توان در دنیای جدید کم اهمیت دانست رسانه‌ها جایگاه ویژه‌ای در تکوین و گسترش فرهنگ و اندیشه در میان جوامع دارند. در واقع این رسانه‌ها هستند که می‌توانند با همگن‌سازی سلیقه‌ها و خواست و انتظارات افرادی جامعه را شکل بخشند و به وفاق و همبستگی جامعه کمک کنند رسانه‌ها می‌توانند با آگاه‌سازی افراد راه را برای تکوین ساخت‌های شخصیتی افراد پدیدآورند. رسانه‌ها با توجه به توسعه کمی و کیفی خود می‌توانند فرصت و هم تهدیدی برای ماندگاری و قوام احساس امنیت باشند. همچنین رسانه‌ها می‌توانند مرز بین واقعیت و غیر واقعیت را محو کنند و اطلاعات را پنهان کنند و تصویری غیر واقعی از میزان جرم و جنایت ارائه دهند. با توجه به مطالب گفته شده، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش رسانه‌ها در جرم و جنایات جوانان در ایران و انگلستان انجام شده است. نتایج نشان داد که رسانه‌ها هم با نشان دادن تصاویر غیر واقعی و اغراق‌گونه و بزرگنمایی از جرم و جنایت، به صورت غیر مستقیم سبب ایجاد خشونت و آموزش جرم جنایت با تاثیر بر افکار عمومی به جوانان و نوجوانان می‌شود. متخصصان کشورها برای بهبود این وضعیت، باید برای نشر تصاویر و ... از سوی رسانه‌ها محتوای آن را بررسی نموده و همچنین الگوهای مناسب را جایگزین کنند که در

جایگزینی این الگوها نیز رسانه‌ها نقش پررنگی دارند. علاوه بر آن در هر کشوری باید به اوقات فراغت و چگونگی تخلیه انرژی در جوانان و نوجوانان با توجه به دوره‌ای که در آن بسر می‌برند توجه شود.

منابع

۱. احمدی، حبیب علی، عربی، بهزاد حکیمی نیا (۱۳۹۲)، بررسی رابطه مصرف رسانه ای و ترس از جرم (مورد مطالعه شهر کرج)، مطالعات جامعه شناختی شهر کرج، ۷: ۱-۲۴.
۲. آرینگتون، ریچارد (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم، ترجمه عفت ملک، تهران: انتشارات شرکت ناجی نشر.
۳. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۶)، مبانی نظری و عملی رسانه اثربخش و کارآمد، فصلنامه عملیات روانی، ۱۷(۱): ۱۷-۲۵.
۴. پاک نهاد، امیر (۱۳۹۲)، احساس ناامنی و ترس از «جرم»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ۵: ۱۸۰-۱۵۵.
۵. پناهی، حمید، فراستی، امیر، میرزایی، محمد، کرم زاده، اسماعیل (۱۳۹۹)، نقش رسانه ها در پیشگیری از جرم و تامین امنیت، انتظام اجتماعی، ۳، ۷۳-۹۶.
۶. پورکاظمی، شهلا (۱۳۹۰). مخاطب شناسی و تولید رادیو تلویزیونی فصلنامه پژوهش و سنجش، ۲۶: ۴۹-۷۳.
۷. حمیدی، ابن الدین، رهبری، محمدرضا (۱۳۹۰). افکار عمومی، ماهنامه جهان گستر، ۸۶: ۱۳۰-۱۰۵.
۸. رنجبر، علیاصغر، ایری، امان محمد (۱۳۹۰)، رسانه و پیشگیری از جرم، نشریه اصلاح و تربیت، سال دهم شماره ۱۱۴.
۹. کی نیا، مهد (۱۳۸۶). مبانی جرم شناسی، چاپ نهم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. گسن، ریمون (۱۳۸۵). جرم شناسی نظر، ترجمه مهدی کی نیا، مجد، چاپ دوم، تهران.
۱۱. مبارکی طلب، رقیه، دریمی، علی، ادیبان، فرزاد (۱۳۹۹)، جایگاه و نقش رسانه در پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه امنیت انتظامی دریایی، ۱۱(۴۳): ۱۵-۲۹.
۱۲. مؤذن زادگان، حسنعلی، افشاری، فاطمه (۱۳۹۲)، نقش رسانه در پیشگیری از جرم در سیاست جنایی ایران، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱(۶۴): ۱۳۱-۱۵۰.

۱۳. نجفی توانا، علی (۱۳۸۴). جرم شناسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات آموزش و سنجش.
۱۴. Arghittu, Antonella, Marco Dettori, Emma Dempsey, Giovanna Deiana, Claudio Angelini, Angela Bechini, Caterina Bertoni et al. "Health communication in COVID-19 era: Experiences from the Italian VaccinarSi network websites." *International Journal of Environmental Research and Public Health* 18, no. 11, 2021: 5642.
۱۵. Dhir, Amandeep, Yossiri Yossatorn, Puneet Kaur, and Sufen Chen. "Online social media fatigue and psychological wellbeing—A study of compulsive use, fear of missing out, fatigue, anxiety and depression." *International Journal of Information Management* 40, 2018: 141-152.
۱۶. Goode, Erich. "Drugs in American Society". 7th Ed. New York: McGraw-Hill, 2008.
۱۷. Griffiths, Mark D., Daria J. Kuss, and Zsolt Demetrovics. "Social networking addiction: An overview of preliminary findings." *Behavioral addictions* 2014: 119-141.
۱۸. Keles, Betul, Niall McCrae, and Annmarie Grealish. "A systematic review: the influence of social media on depression, anxiety and psychological distress in adolescents." *International Journal of Adolescence and Youth* 25, no. 1, 2020: 79-93.
۱۹. Kwon, Hyeokkoo Eric, Hyunji So, Sang Pil Han, and Wonseok Oh. "Excessive dependence on mobile social apps: A rational addiction perspective." *Information Systems Research* 27, no. 4, 2016: 919-939.
۲۰. Statista, Daily Time Spent on Social Networking by Internet Users Worldwide from 2012 to 2019, Statista Research Department, Hamburg, Germany, 2019.
۲۱. Statista, Number of Social Network Users Worldwide From 2017 to 2025, Statista Research Department, Hamburg, Germany, 2020.

تحلیل پولشویی در نظام کیفری ایران با چشم انداز روان شناختی

مژده رئیسی*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۸	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱	شماره صفحه: ۶۰-۹۰
-------------------	-------------------------	-----------------------	-------------------

امروزه فعالیت های اقتصادی و تجاری در استقرار و ثبات سیاسی کشورها نقش مهمی را بازی می کنند و معادلات سیاسی دنیا و روابط دو یا چند جانبه کشورها براساس قدرت اقتصادی و بازرگانی آنها رقم می خورد. پولشویی پدیده ای است که به عنوان جرمی سازمان یافته و فراملی در دهه های اخیر در اسناد و برنامه های بین المللی به دنیا معرفی شده است. قانونگذار ایران نیز، به تأسی از کنوانسیون های بین المللی در این زمینه، در سال ۱۳۸۶ با تصویب قانون مبارزه با پولشویی به اتخاذ سیاست جنایی منسجم در جهت رویارویی با آن دست زد. در یک تعریف ساده پولشویی عبارت است از عملیاتی که توسط مرتکبان جرائم، برای مشروع جلوه دادن درآمدهای نامشروع حاصل از ارتکاب جرم انجام میگیرد. اسناد بین المللی و منطقه ای متعددی در خصوص پولشویی به تصویب رسیده اند که برخی از مهمترین آنها عبارتند از کنوانسیون وین ۱۹۸۸، کنوانسیون شورای اروپا ۱۹۹۰، دستورالعمل اروپایی ۱۹۹۱، کنوانسیون پالرمو در سال ۲۰۰۰ و کنوانسیون مبارزه با فساد مالی سال ۲۰۰۳. هدف از وضع این اسناد این است که تا جایی که ممکن است عرصه بر پولشویان تنگ شود و هزینه عملیات پولشویی برای آنها بالا رود.

واژگان کلیدی: پولشویی، جرم، حقوق ایران، اسناد بین المللی، مقابله.

مقدمه

با پیشرفت جامعه بشری رفته رفته ماهیت و شکل جرایم متحول گردیده است. از نظر ماهیت مجرمان به جای اینکه در صدد تامین مایحتاج روزمره خود یا ارضای احساسات خویش با ارتکاب جرایم خشن باشند، مترصد ثروت اندوزی با ارتکاب جرایم سود آور هستند. از نظر شکلی نیز در کنار جرایم فردی، جرائم سازمان یافته بروز کرده است؛ گروههای سازمان یافته ای که با استفاده از مدرنترین دستاوردهای تکنولوژی به دنبال اهداف و منافع خود هستند. «رهبران این باندهای جنایتکار مدرن، جرم را منطقی و عقلانی کرده اند. آنها دیگر یک فاعل باهوش تنها نبوده بلکه اعمال او و دوستانش به طور قابل ملاحظه ای سازمان یافته و تخصصی شده است. آنها تهدید و دغدغه ای نه تنها برای پلیس بلکه کل جامعه هستند و اگرچه ابتدا به شکل مخفیانه زندگی می کردند، اما با افزایش ثروت و قدرتشان، به شکل عمومی ظاهر شده و به رقابت با سرمایه داران بزرگ و سیاستمداران می پردازند.»^۱

امروزه به ویژه جنایاتی که منفعت سرشار مادی در بر دارند به شکل سازمان یافته و توسط گروهها و باندهای مافیایی و غالباً در بعد فراملی ارتکاب می یابند. و جرایم سازمان یافته فراملی از مهمترین مشکلاتی است که در دهه های اخیر توجه کشورها و سازمانهای بین المللی را به خود جلب کرده است.

هدف غایی این گروهها تحصیل نفع مالی و مادی است؛ به گونه ای که ارتکاب جرم به یک صنعت و تجارت تبدیل شده است و درآمد حاصل از آن از درآمد بسیاری از مشاغل پردرآمد هم بیشتر است. اما با کسب این درآمدها و منافع، زنجیره ارتکاب جرم کامل نمی شود و تکمیل آن نیاز به حفظ این درآمدها و بهره جویی از آن دارد به نحوی که ماهیت مجرمانه آن کشف نشود، تا علاوه بر جلوگیری از توقیف مال توسط مقامات قضایی و انتظامی، وقوع جرم مبنا نیز کشف نشود؛ شخص مجرم شناسایی نشده و تحت تعقیب قرار نگیرد. در این زمان است که مساله شستشوی عواید حاصل از این جرایم مطرح می شود؛ مبادلات غیرقانونی به سبب عدم اعتماد متقابل و عدم امکان استفاده از ابزارهای متعارف و قانونی عموماً به صورت نقدی انجام می گیرد که بدین ترتیب حجم هنگفتی از نقدینگی ایجاد می شود که همواره در معرض خطراتی از قبیل سرقت، معدوم شدن، جلب نظر مقامات قانونی و منتهی شدن به کشف جرم مبنا قرار دارد. لذا

1. Donald R. Cressey, Criminal Organization, Harper and Row publisher, 1972, p.4

باید به نحوی وارد اقتصاد قانونی گردد.

افزایش جرایم و افزایش حجم نقدینگی ناشی از آن در سطح جهانی موجب رشد چشمگیر پدیده پولشویی گردید. به نحوی که از دهه ۸۰ میلادی به بعد جامعه جهانی را متوجه حجم گسترده و رشد سریع این پدیده و نقش آن در ارتکاب جرایم کرد. گسترش این پدیده حاصل سه روند متمایز جهانی بوده است :

روند اول رشد شتابان بازارهای مالی است . در دودده اخیر بازارهای مالی جهانی ابعادی غول آسا یافته اند به گونه ای که هیچ تراز و تعادلی میان بخشهای مالی و واقعی اقتصاد جهانی وجود ندارد و تنوع چشمگیر ابزارها، واسطه‌ها و نهادهای مالی امکان نظارت پذیری را بسیار دشوار کرده است .

روند دوم انقلاب فن آوری و علمی دو دهه اخیر است . بر اثر این تحولات، پیشرفت شگرفی در استفاده از رایانه و خدمات پیشرفته مخابراتی در زمینه داد و ستدهای مالی رخ داده است . بدین ترتیب دنبال کردن مسیر پول و هویت واقعی داد و ستد کنندگان دشوار و در مواردی ناممکن است .

سومین روند جهانی شدن و درهم آمیزی اقتصادهای ملی و بازارهای مالی با یکدیگر است. براساس تحولات مربوط به جهانی شدن و آزادسازی بازارهای مالی، جابجایی پول فراتر از مرزهای ملی به سبب ارتباط و ادغام بازارها با سهولت بیشتری نسبت به قبل امکانپذیر است .

در کنار این تحولات، عدم اطلاع رسانی دقیق و شفاف از فعالیتهای پولشویان و شیوه‌های نفوذ عناصر دست اندر کار پولشویی در لایه‌های اقتصادی و از همه مهمتر در سیستم بانکی کشورها در گسترش چنین پدیده ای مؤثر بوده است .

به هر حال پدیده پولشویی را میتوان حلقه ای از جریانهای منفی جامعه دانست که تحت تاثیر عوامل مختلف، فرآیندهای مالی - پولی را بطور اخص و کل ساختار اقتصادی و اجتماعی را به طور اعم مورد هجوم قرار می دهد . لذا برخورد جدی با این پدیده نیاز واقعی تمام جوامع است . اما حجم بالای گردش پول در این جرم و فرامرزی بودن فعالیتهای و اقدامات تبهکاران و نیز سازماندهی شدن اعضا به همراه نظم شدیدی که بر آن حکمفرماست، باعث شده است که برخورد و مبارزه با این جرایم همکاری تمامی دولتهای جهان را ایجاب کرده، نیازمند تمهیدات بین المللی باشد . به همین جهت جامعه بین المللی با عزمی راسخ در قالب تنظیم کنوانسیونها

و اسناد و ایجاد سازمانهای مختلف به مبارزه با این پدیده پرداخته است و کشورها را نیز تشویق به مبارزه با این پدیده در سطح ملی کرده است. همراه با این موج جهانی در کشور ما نیز چند سالی است که موضوع پولشویی و ضرورت مبارزه با آن و تصویب قانون خاص برای آن مطرح شده است و پس از بحث و مجادلات طولانی لایحه ای در این خصوص تهیه و به مجلس فرستاده شد که هنوز مراحل نهایی خود را طی نکرده است. چون پس از تصویب مجلس در تاریخ ۸۳ / ۲ / ۶ با ایرادات چندی از سوی شورای نگهبان مواجه شده و به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته، که در آنجا نیز بدون بررسی، مجدداً به مجلس شورای اسلامی بازگردانده شده است.

این مسائل نشان می‌دهد که بررسی پولشویی به عنوان یک عمل مجرمانه و راه‌های مقابله با آن در سطح ملی و بین‌المللی، به ویژه در کشور ما که در آغاز راه مبارزه با آن قرار دارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

مسلم است که شستشوی عواید ناشی از جرم دارای جنبه‌های گوناگون حقوقی، اقتصادی، اجتماعی مهم و فراوانی است و برای مقابله با آن باید نخست به شناسایی این پدیده و سپس به طرق مقابله با آن پرداخته شود.

۱- مفهوم شناسی

پولشویی که به آن تطهیر پول یا پاک‌نمایی پول نیز گفته می‌شود معادل لغوی کلمه money laundering انگلیسی است. با شنیدن این واژه اولین تصویری که به ذهن می‌رسد این است که پول کثیفی در میان است که احتیاج به شستن و پاک کردن دارد و این برداشت از مفهوم حقوقی آن دور نیست. امروزه در سطح بین‌المللی اموالی وجود دارد که به آنها اموال کثیف گفته می‌شود و حاصل فعالیت‌های مجرمانه است. این اموال به ۳ دسته تقسیم می‌شوند: پول‌های خونی، پول‌های سیاه و پول‌های خاکستری.

پول‌های خونی به پول حاصل از فعالیت بر علیه بشریت مانند تروریسم و قاچاق مواد مخدر اطلاق می‌شود، پول‌های سیاه به پول‌هایی گفته می‌شود که از طریق فرار مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و بازار زیرزمینی به دست می‌آید و دسته سوم پول‌هایی هستند که دور از چشم مأمورین حکومت

اخذ می‌شوند یعنی از طریق رشوه خواری و ارتشا و فساد مالی به دست می‌آید.^۱

از آنجایی که منشا این پولها غیر قانونی است باید یک سلسله عملیاتی روی آنها انجام شود تا سرمنشا غیر قانونی آنها پوشیده شده و به صورت قانونی جلوه داده شود که به این عملیات پولشویی گفته می‌شود. در واقع همان گونه که برخی اساتید گفته اند عملیات پولشویی مثل یک شستشو خانه یا ماشین لباسشویی که چرک و کثافت را از لباسها جدا می‌کند عمل کرده و با جدا کردن کثافات ناشی از مال، آن را پاک می‌سازد و به آن ظاهری قانونی می‌دهد.^۲

امروزه جانیاتی که منفعت سرشار مادی در بردارند به شکل سازمان یافته و در بعد فراملی ارتکاب می‌یابد و فعالیت آنها شامل موارد گسترده ای از قبیل قاچاق مواد مخدر، قاچاق اشخاص به ویژه مهاجران و کودکان و زنان به منظور سوء استفاده‌های جنسی و جسمی، تجارت و قاچاق اعضای بدن انسان، قاچاق اسلحه، قاچاق آثار تاریخی، هنری و فرهنگی و قاچاق ارز و هر فعالیت مجرمانه سود آور دیگری می‌شود.

این گروه‌ها برای اینکه توجه مقامات دولتی به جنایات آنها جلب نشود و موجب سوء ظن و دستگیری آنها نشود تا بتوانند با خیالی آسوده به مصرف یا سرمایه گذاری مجدد آنها در فعالیت‌های مجرمانه بپردازند، نیاز به تطهیر این عواید دارند تا منشا نامشروع آنها کتمان شود و برای نیل به این مقصود از هر شیوه ای و در هر کجای جهان استفاده می‌کنند. به همین دلیل هم امروزه پولشویی به عنوان یک جرم سازمان یافته فراملی واجد اهمیت جهانی است.

البته پولشویی اولین بار که در سطح بین المللی مطرح شد فقط به تطهیر اموال کثیف ناشی از تجارت مواد مخدر اطلاق شد. ماده ۳ کنوانسیون سازمان ملل در خصوص مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب ۱۹۸۸ در وین، به عنوان اولین سند بین المللی که توجه جهانیان را به مساله پولشویی جلب کرد، بدین شکل مقرر می‌دارد که:

«هریک از اعضا اقدامات ضروری را به منظور تثبیت جرایم کیفری تحت قوانین داخلی خود در صورت ارتکاب عمدی موارد زیر اتخاذ خواهد نمود: (الف) ۱... ۲... ۳... ۴... ۵... (ب) ۱-تبدیل و یا انتقال اموال با علم به اینکه اموال مزبور ناشی از ارتکاب جرم یا جرایم موضوع بند

۱. مهدی صحرائیان "ار آل کاپون تا اسکله‌های جنوب"، روزنامه یاس نو، شماره ۱۵۷، ۸۲/۶/۲۳، ص ۷.

۲. حسین میر محمد صادقی، حقوق جزای بین الملل، (مجموعه مقالات)، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۳۳۳.

فرعی (الف) این بند بوده و یا مشارکت در جرم و یا جرایم مزبور به منظور اخفاء و یا کتمان اصل نامشروع اموال و یا معاونت با هر شخصی که در ارتکاب چنین جرم یا جرایمی دست داشته، جهت فرار از عواقب قانونی اقدامات خود . ۲- اخفاء و یا کتمان ماهیت واقعی، منبع، محل، واگذاری، جابجایی حقوق مربوط و یا مالکیت اموال مزبور، با علم به اینکه این اموال از جرم و یا جرایم موضوع بند فرعی (الف) این بند و یا مشارکت در انجام چنین جرم و یا جرایمی ناشی گردیده اند. (ج ۱۰۰- تحصیل، تملک و یا استفاده از اموال مزبور با علم به اینکه این اموال از جرم یا جرایم موضوع بند فرعی (الف) این بند و یا مشارکت در انجام چنین جرم و یا جرایمی ناشی گردیده اند ...^۱»

لازم به ذکر است که جرایم موضوع بند فرعی (الف) شامل تولید، ساخت و تهیه و عرضه و حمل و نگهداری و توزیع و سایر جرایم مربوط به مواد مخدر است .

البته این کنوانسیون تعریفی از پولشویی ارائه نمی دهد بلکه مصادیق آن را بر می شمارد و به شکلی عام تمام اشخاصی را که از منشا مجرمانه اموال آگاه هستند، یعنی قاچاقچیان، واسطه ها، بانکداران، ... را مورد توجه قرار داده است . با توجه به این مصادیق می توان گفت این کنوانسیون هر نوع مداخله در اموال ناشی از جرایم مقید در این کنوانسیون (جرایم مربوط به مواد مخدر)، به منظور اخفاء و کتمان وجود و ماهیت واقعی و منبع نامشروع و مجرمانه آنها را با علم به اینکه این اموال از ارتکاب جرایم مذکور ناشی شده اند را پولشویی محسوب می کند. اشکالی که بر این تعریف - البته در زمان ما - وارد است این است که فقط شستشوی اموال و عواید ناشی از جرایم مربوط به مواد مخدر را شامل می شود و نه سایر جرایم سود آور را. علی رغم وجود این ایراد، این کنوانسیون در بین اسناد بین المللی در زمینه پولشویی دارای جایگاه خاصی است و سایر اسناد بین المللی که پس از آن در این زمینه نگاشته شده اند از این کنوانسیون الهام گرفته و با استفاده از آن تنظیم و تصویب شده اند .

برای اولین بار نیروی ویژه اقدام مالی برای مبارزه با پولشویی (فاتف)^۲ در سال ۱۹۹۰ به کشورها توصیه کرد که پولشویی به تطهیر اموال ناشی از کلیه جرایمی که به نحو قابل ملاحظه

۱. ترجمه کنوانسیون برگرفته شده است از : شاهرخ شاکریان، شکوه فقیری و فاطمه منتصر اسدی، مجموعه کنوانسیونهای بین المللی (تصویبی دولت ایران)، جلد ۵، تهران، ریاست جمهوری، اداره کل قوانین و مقرات کشور، ۱۳۷۶، صص ۸۷۰ - ۸۳۸

2. FATF: Financial

ای سودآور هستند و یا برخی جرایم مهم گسترش یابد. این سازمان تعریف مصداقی زیر را برای جرم پولشویی ارائه داده است:

«الف) تحصیل، تملک، نگهداری، تصرف یا استفاده از درآمدهای حاصل از جرم با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده است. ب) تبدیل، مبادله یا انتقال درآمدهای حاصل از جرم به منظور پنهان کردن منشا غیر قانونی آن، با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود. ج) اخفاء یا پنهان کردن ماهیت واقعی، منشا، منبع، محل، نقل و انتقال، جابجایی یا مالکیت درآمدهای حاصل از جرم که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده است.»

کنوانسیون ۱۹۹۰ شورای اروپا و همچنین دستور العمل اروپایی ۱۹۹۱ نیز چنین تفسیری از پولشویی را پذیرفتند و آن را به عواید حاصل از هر جرم کیفری گسترش دادند. در سال ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد نیز چنین تفسیری را مورد تایید قرار داد و امروزه نظام کیفری بیشتر کشورهایی که پولشویی را جرم دانسته‌اند نیز از این تفسیر پیروی کرده اند.

ماده ۶ کنوانسیون ۲۰۰۰ پالرمو در خصوص مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی، به عنوان مهمترین سند بین المللی که پولشویی را به عنوان یک جرم مستقل مورد توجه قرار داده است تعریف زیر را از پولشویی ارائه می‌دهد:

« ۱) تبدیل یا انتقال دارایی، با علم بر اینکه دارایی مزبور از عواید حاصله از جرم است به منظور مخفی کردن یا تغییر دادن منشا غیر قانونی این دارایی یا کمک به شخصی که در ارتکاب جرم اصلی مشارکت دارد برای فرار از عواقب قانونی اعمال خود؛ ۲) اخفاء یا کتمان ماهیت حقیقی یا منشاء یا محل یا کیفیت تصرف در آن یا نقل و انتقال یا مالکیت یا حقوق متعلق به آن با علم به اینکه این دارایی عواید حاصله از جرم می‌باشد. ۳) تحصیل دارایی یا تصرف در آن یا استفاده از آن با علم براینکه این دارایی از عواید جرم می‌باشد در هنگام دریافت آن.» مجمع عمومی اینترپل در شصت و چهارمین نشست خود در پکن این تعریف را از پولشویی ارائه داده است:

«هرگونه عمل یا شروع به عملی به منظور پنهان ساختن یا تغییر ماهیت غیر قانونی

درآمدهای نامشروع به طوری که وانمود شود از منابع قانونی سرچشمه گرفته است.^۱»

با توجه به تعاریف ارائه شده در اسناد مورد بررسی می‌توان پولشویی را شامل کلیه اعمالی دانست که توسط هرکس آگاهانه بروی اموال و حقوق ناشی از اموال حاصل از هر فعالیت مجرمانه صورت می‌گیرد تا ماهیت و منشأ نامشروع اموال حاصل از ارتکاب جرم پنهان بماند و اموال مزبور ظاهری قانونی به خود گرفته و پاک و مشروع جلوه داده شوند.

البته برخی حقوقدانان به گونه ای پولشویی را تعریف کرده اند که مخفی نگه داشتن هدف و کاربرد غیر قانونی اموال را نیز شامل می‌شود. در یک تعریف آمده است: «پولشویی فرایندی است که به وسیله آن شخص وجود و منبع غیر قانونی و یا کاربرد غیر قانونی درآمد حاصل از اعمال مجرمانه را پنهان می‌کند تا آن اموال قانونی به نظر برسند.»^۲ که این تعریف پولشویی را به تامین مالی تروریسم بسیار نزدیک می‌سازد که مادر مباحث آینده به آن خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که در فقه اسلامی نیز بحثی به عنوان مشروع کردن پول نامشروع تحت نام «خمس مضاعف» مال حلال مخلوط با مال حرام وجود دارد. که شخص مکلفی که اجمالاً علم به مخلوط شدن مال خویش با مال حرام را دارد باید مالک مال را پیدا کند و مال را به او برگرداند و یا رضایت وی را جلب کند و یا به مرجع تقلید از باب اموال بلاصاحب بدهد و یا از طرف مالک صدقه بدهد.^۳ که این بحث ارتباطی با مساله پولشویی که موضوع مقاله ماست ندارد. چون در پولشویی بر خلاف مساله خمس مضاعف، مجرم علم به حرام و نامشروع بودن عمل خود دارد.

در ایران در مصوبه مورخ ۸۳/۲/۶ مجلس شورای اسلامی در خصوص مبارزه با پولشویی چنین تعریف شده است:

جرم پولشویی عبارت است از: الف) تحصیل، تملک، نگهداری، یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت غیر قانونی با علم براینکه به طور مستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده است. ب) تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ قانونی آن با علم به اینکه به طور

۱. به نقل از قانون نمونه سازمان ملل در خصوص مبارزه با پولشویی تهیه شده توسط دفتر مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل ۱۹۹۹. متن ترجمه این قانون در نشریه مجلس و پژوهش، سال ۱۰، ش ۳۷ بهار ۸۲، صص ۲۰۶ - ۱۶۵، درج شده است.

2. William R. Shroeder "Money Laundering", Law Enforcemet Bulletin, Vol 70, No 5, may 2001, P.2

۳. آیت الله ابولقاسم خویی، منهج الصالحین، جلد اول، چاپ پنجم، قم، مطبوعه العلمیه، ۱۳۹۵ ه.ق. صص ۳۳۷ - ۳۳۵

مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد. ج) اخفاء یا پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشا، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.»

در این تعریف قانونگذار ما به پیروی از اسناد بین المللی متاخر قانونی جلوه دادن عواید غیر قانونی حاصل از تمام جنایات را جرم دانسته است. اما در بند (الف) هیچ گونه قیدی مبنی بر اینکه پولشویی باید به خاطر قانونی جلوه دادن عواید غیر قانونی صورت گیرد پیش بینی نشده است که این امر موجب گسترش دامنه شمول پولشویی می گردد. چون اصولاً پولشویی به خاطر قانونی جلوه دادن عواید غیر قانونی، جرم شناخته می شود.

۲- قرین شناسی

پدیده پولشویی - البته نه به عنوان یک جرم - مانند مفاسد اجتماعی دیگر پدیده تازه ای نیست. از آنجایی که نیاز پدر اختراع است، بشر همواره به دنبال تدابیری بوده تا به طریقی اعمال نادرست و مجرمانه خود را بپوشاند و یا ثروت خود را از چشمهای کنجکاو و دستهای حاسدان و یا مامورین مصادره یا اخذ مالیات مخفی کند و به همین منظور تدابیر فریبنده ای را اختراع کرد. لذا نگرانی درباره استفاده صحیح یا سوء استفاده از پول پنهان شده مساله ای نیست که فقط در زمان ما مطرح باشد. البته هیچ کس نمیتواند دقیقاً معین کند که پولشویی از چه زمانی آغاز شده است. اما می توان مطمئن بود که این عمل طی چند هزار سال اتفاق می افتاد است. مورخان گفته اند که بیش از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، تجار چینی از ترس اینکه حاکمان وقت سود و دارایی های حاصل از تجارت آنان را ضبط کنند ثروت خود را پنهان می کردند. مثلاً ثروت خود را جابه جا می کردند و آن را در ایالات دور و حتی خارج از چین نگه می داشتند و از روشهای دیگر از جمله تبدیل پول به دارایی های منقول، انتقال پول نقد به خارج از حوزه حاکمیت برای سرمایه گذاری در کسب و تجارت و ... استفاده می کردند.^۱ بنابراین ارکان تطهیر پول که اخفا و جابجایی و سرمایه گذاری مجدد مال بوده در آن زمان نیز صورت می گرفته است و با گذشت بیش

1. Sterling Seagrave, lord of Rim

از ۴ هزار سال امروزه نیز همان ارکان در پولشویی وجود دارد اما شیوه‌های آن تغییر یافته است. «در اوایل قرن ۱۷ میلادی کلیسای کاتولیک ربا خواری و گرفتن بهره را جرمی مهم و شدید اعلام کرد. در نتیجه بازرگانان و قرض دهندگان را مجبور کرد که شیوه‌های مختلفی را برای مخفی کردن و انتقال پولهای مجرمانه خود پیدا کنند و هدف آنها نیز این بود که سودهای حاصله را مخفی کنند و یا ظاهری غیر از آنچه واقعاً هست به آن بدهند. پس از آن ردپای پولشویی را می‌توان در زمانی دنبال کرد که دزدان دریایی، به کشتی‌های بازرگانان اروپایی که از دریای آتلانتیک می‌گذشتند حمله می‌کردند و پس از آن به دنبال بهشت‌های مالی می‌گشتند که بتوانند از ثمره تجارت مجرمانه‌شان، عیاشانه استفاده کنند و این دولت شهرهای مدیترانه ای بودند که برای پذیرش این مجرمین به عنوان شهروند با یکدیگر رقابت می‌کردند. چون پول این دزدان تجارت آنها را رونق می‌داد و درآمد بیشتری را به خزانه آنها وارد می‌کرد.»^۱ اما این اعمال هیچ گاه عنوان مجرمانه نداشتند.

در قرن ما گفته می‌شود این اصطلاح نخستین بار در جریان جنایتهای «آلفونس کاپون» معروف به «آل کاپون» جنایتکار معروف دهه ۲۰ و ۳۰ آمریکا ابداع شده است. دوران جلوگیری از ساخت و مصرف مشروبات الکلی که با تصویب قانون وستند در سال ۱۹۱۹ در آمریکا شروع شد، فرصتی را به مجرمین مافیایی داد که با اخذ مقادیر عظیم پول نقد از معتادین مشروبات الکلی که دسترسی قانونی به آن نداشتند پولهای نقد بی حد و حصری به دست آورند و علاوه بر آن این مجرمین از راه ربا خواری و اخاذی و فحشا و قماربازی نیز پول گزافی به دست می‌آوردند که لازم بود به آن صورت مشروع و قانونی بدهند. یک راه برای این کار انجام کسب و کارهای به ظاهر مشروع و قانونی و آمیختن درآمدهای غیر قانونی شان با درآمدهای مشروعی بود که از این فعالیتها به دست می‌آوردند. ماشینهای رختشویی یکی از این کسب و کارهایی بود که به وسیله گانگسترهای مجرم آن زمان و از جمله آل کاپون مورد استفاده قرار گرفت. چون در این ماشینها کسب و کار به صورت نقدی انجام می‌گرفت و منافع غیر قابل تردیدی از این راه به دست می‌آمد. اما در اکتبر ۱۹۳۱ بی احتیاطی آل کاپون باعث شد که مامورین مالیاتی به یک اتهام ساده فرار مالیاتی او را بازداشت و او را به ۱۱ سال زندان و پرداخت ۵۰ هزار دلار جزای نقدی محکوم کنند

1. «Money Laundering», on : [www.Pctc.gov.ph/edocs/Ipapers money laundering.htm/](http://www.Pctc.gov.ph/edocs/Ipapers%20money%20laundering.htm/)

۱. البته این محکومیت نه به خاطر جرایمی که وی پولهای گزافی از آنها به دست آورده بود، بلکه به خاطر فرار مالیاتی بود. عده‌ای وجه تسمیه عنوان پولشویی را به این واقعه نسبت می‌دهند چون پول کثیف و حاصل از جرم بعد از آمیخته شدن با پولهای حاصل از فعالیت رختشویخانه‌ها، شسته شده و ظاهری تمیز و قانونی پیدا می‌کند.

اما عده‌ای دیگر علت نامگذاری پولشویی بر این عمل را این می‌دانند که «آنچه را که انجام می‌شود به طور کامل شرح می‌دهد. یعنی پول غیر قانونی یا کثیف به گردش می‌افتد یا شستشو داده می‌شود به نحوی که در پایان کار شکل پول قانونی یا پاک به خود می‌گیرد. به عبارت دیگر منبع پولهایی که به طور غیر قانونی به دست آمده است در جریان یک رشته انتقالات و معاملات مجهول باقی می‌ماند به طوری که در نهایت، می‌توان پولها را به عنوان درآمد مشروع عرضه کرد.»^۲

دستگیری و محکومیت آل کاپون در سایر مجرمین که به تازگی به ضرورت تغییر قیافه دادن منابع مالی خود پی برده بودند، انگیزه‌ای ایجاد نمود تا تاکتیک‌های پولشویی مؤثرتری را مورد استفاده قرار دهند تا به سرنوشت آل کاپون دچار نشوند. از جمله این اشخاص، شخصی به نام مایر لانسکی^۳ بود که عنوان معروف‌ترین فرد غیر ایتالیایی مافیا را داشت. وی که از رویه آل کاپون آزرده خاطر شده بود به دنبال شیوه‌های جدید پولشویی برآمد. او در مدتی کمتر از یک سال، مزایای حسابهای شماره دار بانکهای سوئیس را کشف کرد. تسهیلات بانکی سوئیس به لانسکی شیوه‌ای را عرضه کرد تا یکی از اولین تکنیکهای واقعی پولشویی - تکنیک وام دهی مجدد - را ایجاد کند و بعدها همکاران وی شیوه‌های دیگری از جمله استفاده از نقاط امن و مطمئن در خارج از کشور را مورد استفاده قرار دادند. اما هیچ‌گاه بر این اعمال عنوان پولشویی اطلاق نمی‌شد و در واقع هدف اصلی آنها نیز فرار از مالیات بود.

اصطلاح پولشویی تا سال ۱۹۷۳ در رسانه‌ها و مطبوعات مطرح نشده بود و زمانی هم که این عبارت به کار رفت ربطی به مایر لانسکی نداشت. بلکه نخستین بار در جریان رسوایی واترگیت، توسط مشاور حقوقی نیکسون، رئیس جمهور وقت آمریکا به کار رفت و در مطبوعات

1. Billy steel. Money Laundering A brief History, on : www.laundryman_u_net.com

۲. جفری را بینسون، شست و شوی پول آلوده، ترجمه آلبرت برنا ردی، چاپ اول، کلک آزادگان، ۱۳۸۱، صص ۱۱-۱۲

3. Mayer Lansky

در ضمن گزارشهای مربوط به این ماجرا درج شد. نیکسون برای انتخاب مجدد خود به ریاست جمهوری، محرمانه مبالغ هنگفتی کمک نقدی از بسیاری از مؤسسات و حتی مجرمین مثل مافیای کشور مکزیک دریافت کرد تا بعد از انتخاب مجدد به ریاست جمهوری امتیازاتی را به آنها بدهد. این مؤسسات و شرکتها برای حل این مشکل که چگونه وجوه مزبور را از مسیر حسابرسی شرکت خارج کنند از شیوه‌های مختلفی استفاده کردند. ولی گردانندگان این ماجرا در شستشوی پولهای مبادله شده با عدم موفقیت روبه رو شدند. زیرا در تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۷۲، مقر حزب دموکرات واقع در ساختمان واترگیت مورد دستبرد افرادی از حزب جمهوریخواه و سیا قرار گرفت و اسناد مربوط به این معاملات توسط آنها به سرقت رفت و به وسیله نشریات آن زمان افشا شد. اما در آن زمان نیز پولشویی در هیچ یک از مکاتب حقوقی آن زمان جرم مستقل تلقی نمی‌شد. و یک دهه بعد یعنی در سال ۱۹۸۲ بود که یکی از محاکم آمریکا در پرونده \$ US ۷,۴۰۰,۳۹۵,۶۲۵,۲۵۵.Fsupp,۳۱۴ در خصوص مصادره اموال ناشی از تجارت کوکائین از کلمبیا آن را به متون حقوقی و قضایی آمریکا وارد کرد.^۱

به هر حال دولتها از دهه ۸۰ میلادی به فکر خطر پولشویی و مبارزه با آن افتادند و در این فکر کشور آمریکا پیش قدم بود، چون «هم پیمانی شرکتهای بزرگ با داشتن مدیران عشت طلب و دارایی‌های مشترک با قیمت گذاری نازل، علاقمندی روز افزون مال اندوزان نسبت به استفاده از اوراق بهادار برای کسب سرمایه‌های عظیم جهت تضمین مالی مشارکتهای خصمانه در مزایده‌ها و عرضه خستگی نا پذیر پولهای فرار که از منابع سری شرکتهای دور از کرانه سرچشمه می‌گرفت، آمریکا را در دهه ۱۹۸۰ به بزرگترین مرکز سهل الوصول پولشویی در جهان مبدل ساخت.»^۲ به همین دلیل هم اولین قانونی که پولشویی را جرم انگاشت در آمریکا به تصویب رسید. این قانون که به نام «قانون کنترل پولشویی» خوانده می‌شود در اکتبر ۱۹۸۶ تصویب گردید. اگر چه پیش از آن نیز در «قانون رازداری بانکی» ۱۹۷۰ تدابیری جهت مبارزه با پولشویی از جمله لزوم گزارش معاملات با بیش از ده هزار دلار به اداره درآمد داخلی، وضع شده بود اما خود پولشویی جرم شناخته نشده بود. در فرانسه نیز برای اولین بار قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۸۷ پولشویی را جرم انگاشت. و به دنبال آن خطر پولشویی کم‌کم برای جهان شناخته شد. جامعه جهانی

۱. حسین میر محمد صادقی، پیشین

۲. دیویس رو آن با سورت و گراهام سالت مارش، پولشویی، ترجمه نصرالله امیر بشیری، معاونت آموزش ناجا، ۱۳۷۶، ص ۷۱

در این مقطع احساس کرده بود که تبهکاران با استفاده از خلاء قانونی ناشی از عدم جرم‌انگاری تطهیر پول، ثروت ناشی از جرایم مختلف به ویژه جرایم مربوط به مواد مخدر را به راحتی به جریان انداخته و از نتاج مالی این اموال غیر قانونی فعالیت‌های مجرمانه خود را گسترش می‌دهند و به همین جهت تلاش‌های جهانی و منطقه ای به خصوص از سوی سازمان ملل به منظور مبارزه با این پدیده صورت گرفت؛ پولشویی در فرایند قاچاق مواد مخدر با تصویب کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان (۱۹۸۸) به صورت جهانی در حقوق جزا مطرح گردید و بعد از آن در موارد متعددی از جمله اعلامیه کمیته بال (۱۹۸۸)، کنوانسیون شورای اروپا (۱۹۹۰)، دستور العمل اتحادیه اروپا (۱۹۹۱)، قطعنامه سازمان بین‌المللی کمسیون اوراق بهادار (۱۹۹۲) و به ویژه در کنوانسیون سازمان ملل علیه جرایم سازمان یافته فراملی (۲۰۰۰) و کنوانسیون مبارزه با فساد مالی (۲۰۰۳) پیگیری شد. در سال ۱۹۸۹ رؤسای هفت کشور صنعتی جهان معروف به G-۷، به منظور هماهنگی چند ملیتی برای برخورد با این بحران سازمان «فاتف» را تشکیل دادند که این سازمان در سال ۱۹۹۰، ۴۰ توصیه در خصوص مبارزه با پولشویی منتشر کرد که به عنوان کار پایه و استاندارد بین‌المللی مبارزه با پولشویی در جهان پذیرفته شده است. این توصیه‌ها در سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱ مورد بازبینی قرار گرفت.

تلاش‌هایی که در سطح کشوری، منطقه ای و جهانی برای مبارزه با پولشویی صورت گرفته همچنان ادامه دارد و به خصوص بعد از عملیات تروریستی مشهور به حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حساسیت‌های بین‌المللی برای مقابله با پدیده پولهای سیاه بیشتر شده است. کمی بعد از این حادثه بود که آمریکا قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم و پولشویی را تصویب کرد و برای این قانون ویژگی فراملی قرار داد و دو هفته بعد از این حوادث بود که سازمان ملل قطعنامه ۱۳۷۳^۱ را در خصوص مبارزه با تامین مالی تروریسم به تصویب رساند و به مبارزه با تامین مالی تروریسم و پولشویی در سطح جهان سرعت داده شد.

در خصوص ایران نیز باید گفت که واژه پولشویی در ادبیات حقوقی و اقتصادی ما قدمت چندانی ندارد و اندکی بیش از ۴-۳ سال است که در محافل حقوقی و اقتصادی مطرح شده و سمینارهایی نیز در این زمینه بر پا شده است. لایحه مبارزه با پولشویی نیز پس از بحث‌های فراوان و پس از چندین بار بازنگری در تاریخ ۸۱/۷/۶ به مجلس تقدیم شد که به دنبال کارشناسی‌ها و

1. Security Council Resolution: Sc/7158/1373 (28/9/2001)

بررسی‌هایی که در لایحه صورت گرفت، تغییرات و اصلاحاتی توسط کمیسیون مشترک مجلس در آن به عمل آمد و نهایتاً در تاریخ ۸۳/۲/۶ به تصویب مجلس رسید. اما مورد تایید شورای نگهبان قرار نگرفت و به مجلس باز گردانده شد. با تاکید مجلس بر مواضع قبلی خود، لایحه به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد که این لایحه در مجمع مورد بررسی قرار نگرفت و با موافقت مجلس و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت، برای بررسی بیشتر و رفع ایرادات شورای نگهبان به مجلس باز گردانده شد. لذا با توجه به طولانی بودن روند تصویب لایحه قانونی پولشویی و فوریت اتخاذ تدابیری برای هماهنگی با بانکهای خارجی، شورای پول و اعتبار در تاریخ ۸۱/۲/۱۸ به استناد اختیارات حاصله از قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۵۲ مقرراتی را برای پیشگیری از پولشویی در مؤسسات مالی تصویب کرد. علت عمده تاکید و تسریع دولت و بانک مرکزی در زمینه پیگیری اقدامات مبارزه با پولشویی این است که کارشناسان اقتصادی سازمان ملل و بانک جهانی معتقدند ایران دومین کشور مستعد برای پولشویی است و ضعف قانونی سیستم بانکداری ایران بیشترین امکانات را در اختیار پولشویان قرار داده است.^۱ بنابراین در حال حاضر مستند قانونی مبنی بر جرم بودن عمل پولشویی در ایران وجود ندارد. اگرچه ایران کنوانسیون سازمان ملل در خصوص مبارزه با مواد مخدر و داروهای روانگردان ۱۹۸۸ وین را تصویب کرده که به موجب آن کشورها مکلف به جرم انگاری شست و شوی عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر شده‌اند.

۳- عناصر تشکیل دهنده جرم

هر جرم از سه عنصر قانونی، مادی و معنوی تشکیل می‌شود و برای محکوم شدن متهم به ارتکاب جرم باید کلیه اجزای این عناصر اثبات شود. برای تحقق پولشویی به عنوان یک جرم نیز تحقق این عناصر سه گانه ضروری است. که در این مبحث به بررسی این عناصر در جرم پولشویی می‌پردازیم.

۳-۱- عنصر قانونی

همان گونه که برخی اساتید حقوق جزا بیان کرده اند عنصر قانونی را نباید به عنوان یک عنصر

۱. محمد طاهری، «چهار راه پولشویی»، روزنامه همشهری، ۸۲/۲/۱۰

مجزا در کنار عنصر مادی و روانی مورد بررسی قرار داد.^۱ چون عنصر قانونی همسنگ و هم تراز عناصر دیگر نیست بلکه عناصر دیگر در طول عنصر قانونی قرار می‌گیرد. عنصر مادی و روانی جرم هر دو مبتنی بر قانون هستند و بنا بر تصریح قانون است که می‌توان رفتار یا حالت خاصی را به عنوان عنصر مادی یا روانی جرم شناخت. هیچ عملی بدون اینکه قانون آن را جرم بداند، وارد دایره حقوق جزا نمی‌شود. اما ما بنا بر سنت حقوقی این عنصر را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم.

جرم پولشویی جرمی است که از جرم شناسی و جامعه شناسی و از حقوق بین الملل به حقوق کیفری و داخلی راه یافته است. ابتدا جرم شناسان با مشاهده اثرات سوء پولشویی متوجه خطر آن شدند و توجه قانونگذاران را به آن جلب کردند و از آنجایی که این جرم جنبه فراملی دارد ابتدا جوامع و سازمانهای بین المللی در صدد برخورد برآمده و با تصویب اسناد بین المللی، حقوق داخلی را تحت تاثیر قرار دادند. اما اسناد بین المللی اگر چه کشورها را ملزم به جرم‌انگاری یک موضوع خاص کنند، قبل از تصویب و جذب شدن در حقوق داخلی نمی‌توانند خود به عنوان عنصر قانونی یک جرم، قضات دادگاههای یک کشور را متعهد و ملزم کنند. به عبارت دیگر، اسناد بین المللی گاه با تبیین ارزش‌های مورد حمایت و گاه با تعیین اعمال خلاف این ارزش‌ها، از دولت‌ها می‌خواهند تا در قانون داخلی خود اعمالی را جرم بدانند و مجازات مناسب آن را تعیین نمایند. اما تا وقتی که با تصویب قانون داخلی، عمل مزبور جرم تلقی و مجازات آن مشخص نگردد، جرمی با آن عنوان در حقوق داخلی وجود نخواهد داشت، هرچند جنبه خطرناک و زیان آور آن از نظر جامعه بین المللی شناخته شده و بدیهی باشد. این امر به دلیل رعایت اصل حاکمیت دولتها است

ماده ۳ کنوانسیون وین ۱۹۸۸ و ماده ۶ کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰ و برخی اسناد بین المللی دیگر از دول اعضا خواسته اند که بر طبق اصول اساسی حقوق داخلی خود اقدامات لازم را جهت جرم‌انگاری پولشویی در قوانین داخلی خود به عمل آورند. بنابراین عنصر قانونی جرم پولشویی را باید در قانون داخلی هر کشور بررسی کرد. همان گونه که عنصر قانونی پولشویی در آمریکا را باید قانون کنترل پولشویی ۱۹۸۶ و قانون ضد تروریسم ۲۰۰۲، و در انگلستان قانون جرایم قاچاق مواد مخدر ۱۹۸۶ و قانون مبارزه با تروریسم ۱۹۸۹ و قانون عدالت کیفری و قانون پولشویی ۱۹۹۳ اصلاحی ۲۰۰۱، و در فرانسه قانون قاچاق مواد مخدر ۱۹۸۷ در خصوص تطهیر

۱. - حسین میر محمد صادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ ششم، نشر دادگستر، ۱۳۷۸، ص ۵۲

عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر و سپس قانون تطهیر پول ۱۹۹۶، دانست. امروزه در بیش از ۱۴۷ کشور دنیا مقررات مبارزه با پولشویی تصویب شده است.

در ایران در حال حاضر هیچ قانونی در خصوص جرم انگاری پولشویی وجود ندارد اگر چه مقرراتی اداری در جهت پیشگیری از پولشویی به تصویب رسیده است. اما این عمل هنوز در ایران جرم نیست و تا زمانی که مصوبه مجلس مراحل قانونی خود را طی نکند و لازم الاجرا نشود نمی توان گفت در ایران جرمی به نام پولشویی وجود دارد. اما در صورت قانونی شدن این مصوبه می توان عنصر قانونی این جرم را مواد ۱، ۲، ۷ این قانون دانست. پس عنصر قانونی جرم پولشویی در ایران مرکب خواهد بود و نه بسیط. توضیح اینکه «اگر در یک حکم قانونی تکلیف جرم و مجازات معین شده باشد، عنصر قانونی آن جرم بسیط و اگر چند حکم قانونی برای تعریف جرم، ارکان جرم، مجازات، علل مشدده جرم پیش بینی شده باشد عنصر قانونی آن جرم مرکب است.»^۱ برای محکومیت یک شخص به پولشویی نیز باید به چند ماده قانونی استناد کرد؛ برای تطبیق موضوع با پولشویی باید به ماده ۱ و برای تشخیص عواید مجرمانه باید به ماده ۲ و برای تعیین مجازات باید به ماده ۷ استناد کرد.

۳-۲- عنصر مادی

جرم پولشویی یک جرم ثانویه است و تحقق آن منوط بر این است که قبلاً جرمی مستقل و سودآور اتفاق افتاده باشد که سپس عواید و منافع ناشی از آن جرم تطهیر شود. جرم ارتكابی اول که عواید حاصل از آن تطهیر می گردد جرم «مقدم» یا «منشا» یا «اصلی»^۲ نامیده می شود. اما این بدان معنا نیست که جرم پولشویی جرمی وابسته به جرم مقدم است و محکومیت مرتکب پولشویی منوط به اثبات و محکومیت مرتکب جرم مقدم است. حتی اگر مرتکب جرم اولیه مورد تعقیب قرار نگیرد یا مجازاتی بر او اعمال نشود و یا فوت شود و یا از طرف مرجع رسیدگی دستگیر نشده باشد یا پس از ارتکاب جرم فرار کرده باشد، چنانچه مال تحصیل شده از این اشخاص به هر نحو مورد پولشویی قرار گیرد، جرم پولشویی محقق خواهد شد. بنابراین جرم پولشویی و جرم مقدم بر آن کاملاً از یکدیگر مجزا بوده و دو جرم مختلف محسوب می شوند. و از این لحاظ

۱. علی آزمایش، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، دانشگاه تهران، نیمسال اول سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳.

می‌توان آن را با جرم جعل و استفاده از سند مجعول مقایسه کرد؛ اگر چه تحقق جرم استفاده از سند مجعول منوط به تحقق قبلی جرم جعل در سند مورد استفاده است، اما جرمی کاملاً مستقل از جرم جعل محسوب می‌شود.

از نظر اینکه چه نوع جرایمی به عنوان جرم مقدم در پولشویی شناخته شود، می‌توان پولشویی را به دو نوع تقسیم کرد: تطهیر خاص و تطهیر عام.^۱

تطهیر خاص ناظر به تطهیر درآمدها و سرمایه‌های ناشی از قاچاق مواد مخدر است که در بند (ب) ماده ۳ کنوانسیون وین انعکاس یافته است. و از لحاظ بین‌المللی مقدم بر تطهیر عام به رسمیت شناخته شد. اما تطهیر عام پاک‌نمایی درآمدها و سرمایه‌های ناشی از ارتکاب هر جرمی است که این نوع تطهیر اگر چه در بسیاری از اسناد و اعلامیه‌های منطقه‌ای مانند کنوانسیون شورای اروپا و دستور العمل اروپایی و اسناد «فاتف» مورد توجه قرار گرفته است، اما به عنوان جرم در یک سند بین‌المللی مصوب سازمان ملل، در ماده ۶ کنوانسیون پالرمو انعکاس یافته است. که ما نیز به همین دلیل به بررسی جرم مقدم در این کنوانسیون می‌پردازیم. بند (ح) ماده ۲ که به تعریف اصطلاحات مندرج در کنوانسیون پرداخته، در تعریف جرم مقدم چنین مقرر می‌دارد: «جرم مقدم عبارت است از هر جرمی که در نتیجه آن عوایدی حاصل می‌شود که می‌تواند طبق تعریف مندرج در ماده ۶ این کنوانسیون، خود موضوع یک جرم دیگر گردد.» و در خصوص اینکه جرایم مقدم باید شامل چه مواردی باشد و قانونی جلوه دادن عواید حاصل از کدام جرم یا جرایمی باید پولشویی تلقی گردد بند ۲ (ب) ماده ۶ از دولتهای عضو خواسته است که کلیه جرایم شدید و مهم^۲ مندرج در ماده ۲ این کنوانسیون و اعمال مجرمانه موضوع مواد ۵، ۸ و ۲۳ این کنوانسیون را به عنوان جرایم مقدم تلقی نمایند.

در ماده ۲ در خصوص مفهوم جرم شدید و مهم آمده است که «هر عمل مجرمانه‌ای است که حداکثر مجازات آن حبس به مدت حداقل ۴ سال و یا مجازاتهای شدیدتر باشد.» پس برای تعیین جرم شدید باید به قانون داخلی هر کشور مراجعه کرد و جرایمی را که حداکثر مجازات آن ۴ سال حبس و یا مجازات شدیدتری است را به عنوان جرم شدید و در نتیجه جرم مقدم در

۱. ژاک بوریگان، «بزهکاری سازمان یافته در حقوق فرانسه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی،

ش ۲۲ - ۲۱، ص ۲۲۴

پولشویی محسوب نمود. بنابراین با توجه به این معیار در حقوق ایران جرمی مثل کلاهبرداری موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاو اختلاس و کلاهبرداری، سرقت مشدد موضوع ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی و جرایمی که مجازات اعدام برای آنها پیش بینی شده است می تواند به عنوان جرم شدید، جرم مقدم در پولشویی تلقی گردد.^۱ اما ضابطه مدت حبس پیش بینی شده در نظامهای کیفری داخلی که شامل نظام حقوق کیفری بیش از ۱۹۰ کشور عضو سازمان ملل متحد می شود با توجه به تفاوت های اساسی در حقوق ملی کشورها موجب می شود که اعمال مجرمانه بسیار متفاوتی مشمول این تعریف گردند. بنابراین در تعریف جرائم شدید در این کنوانسیون به اختلاف قوانین ملی در تعیین میزان مجازات حبس برای اعمال مشابه بی توجهی شده است. لذا این تعریف کلی دارای این ایراد است که ممکن است در امر معاضدت قضایی بین کشورها ایجاد مشکل کند. به این نحو که با توجه به قانون داخلی یک کشور عملی جرم مقدم با توجه به تعریف این کنوانسیون تلقی گردد ولی با توجه به قانون داخلی کشور دیگر همان عمل جرم مقدم تلقی نشده و در نتیجه تطهیر عواید حاصل از آن پولشویی تلقی نگردد. در نتیجه مثلاً تقاضای استرداد متهم از طرف کشور اول، مورد قبول کشور دوم واقع نشود. چون در اکثر کشورها یکی از شرایط استرداد، جرم بودن عمل در هر دو کشور تقاضا کننده و مورد تقاضای استرداد است.

ماده ۵ کنوانسیون در خصوص «مشارکت در گروه سازمان یافته جنایتکارانه» است. طبق بند (الف) ماده ۲ «گروه مجرم سازمان یافته عبارت است از یک گروه تشکل یافته، متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای یک دوره زمانی مشخص وجود داشته و با هدف ارتکاب یک یا چند جرم شدید یا اعمال مجرمانه مندرج در این کنوانسیون به منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم منفعت مالی یا سایر منافع مادی به صورت هماهنگ فعالیت می کند.» پس هر نوع مشارکت در چنین گروهی چه به صورت مباشرت چه مشارکت و چه معاونت، جرم مقدم پولشویی تلقی می گردد.

ماده ۸ کنوانسیون نیز ناظر بر فساد مالی یا ارتشا است که هم رشا و هم ارتشا را شامل می شود. بدون تردید در هر دو عنوان مذکور در ماده ۵ و ۸ منافع مادی قابل تحصیل است که برای جلوگیری از کشف جرم باید تطهیر شوند. لذا تلقی آنها به عنوان جرم مقدم در پولشویی

۱. البته ایران هنوز کنوانسیون پالرمو را تصویب نکرده است.

ضروری است.

ماده ۲۳ نیز به جرم انگاری ممانعت در اجرای عدالت اختصاص یافته است که شامل مواردی می‌شود که با اعمال تهدید و فشار یا پیشنهاد یا اعطای منفعتی در اقامه شهادت یا ادله در خصوص جرایم مشمول کنوانسیون مداخله می‌شود یا با تهدید و اعمال فشاری که بر خود مامورین اجرایی و قضایی صورت می‌گیرد مسیر اجرای عدالت به انحراف کشیده می‌شود.

البته کنوانسیون از کشورهای عضو خواسته علاوه بر این جرایم، تلاش کنند که تا حد ممکن طیف گسترده‌ای از جرایم را به عنوان جرم مقدم در پولشویی تلقی کنند.^۱

لذا با توجه به اینکه فلسفه پیدایش جرم پولشویی، ممانعت از ارتکاب جنایات بسیار سودآور است میتوان تعداد زیادی از جرایم را به عنوان جرم مقدم در پولشویی محسوب کرد که برخی از این جرایم مانند ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری، جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر، سرقت، قاچاق کالا و ارز در قوانین داخلی کشورها جرم محسوب می‌شوند و برخی دیگر مانند تجارت زنان، اطفال و قاچاق مهاجران و تجارت اعضای بدن انسان، در اسناد بین المللی جرم شناخته شده و معمولاً نیز به شکل سازمان یافته ارتکاب می‌یابند و از اسناد بین المللی به حقوق داخلی وارد شده و یا حتی ممکن است در قانون داخلی برخی کشورها وارد نشده باشد. که در بین این جرایم قاچاق مواد مخدر مهمترین جرم مقدم پولشویی است به گونه ای که کنوانسیون وین خود را ملزم به تصویب تدابیر و مقررات لازم برای جرم شناختن پولشویی عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر کرده است و در سایر اسناد بین المللی نیز توجه خاصی به این جرم شده است.

توصیه شماره ۱ فاتف در سال ۲۰۰۱ در زمینه جرایم مقدم در پولشویی مقرر داشته است : «جرایم پولشویی باید شامل همه جرایم شدید و مهم باشد و تا حد ممکن گستره بیشتری از جرایم را در برگیرد. با این حال کشورها می‌توانند (۱) اموال حاصل از همه جرایم را موضوع پولشویی قرار دهند یا (۲) یک طبقه از جرایم شدید و مهم را به عنوان جرم مقدم در نظر بگیرند و یا (۳) میزان مجازات جرایم را در نظر بگیرند و جرایمی را با میزان مشخصی مجازات مشمول پولشویی قرار دهند و یا (۴) ترکیبی از این روشها را انتخاب کنند.»

امروزه قوانین کشورهای جهان را از نظر جرایم منشا پولشویی به سه دسته می توان تقسیم کرد:

۱- برخی تطهیر درآمدهای حاصل از کلیه اعمال مجرمانه را پولشویی تلقی می کنند. مانند ترکیه، فیلیپین، اسلونی و استونی و...^۱ ۲- برخی دیگر تطهیر عواید حاصل از فعالیت های غیر قانونی خاص را جرم می دانند که معمولاً شامل جرایم شدید و مهم است. مثلاً آمریکا که فهرستی از جرایم مقدم در پولشویی تهیه کرده است که تاکنون به ۱۷۶ جرم رسیده است.^۲ و یا قانون انگلستان و بوتسوانا^۳ در برخی قوانین نیز صرفاً تطهیر عواید حاصل از جرایم مربوط به مواد مخدر جرم شناخته شده است. اگر چه تعداد این کشورها به دلیل توصیه ها و اقدامات بین المللی کم است. برای مثال هنگ کنگ که می توان نام برد.^۴ قانون ۱۹۸۶ انگلستان فقط جرایم مربوط به مواد مخدر را به عنوان جرم مقدم در پولشویی لحاظ کرده بود. اما قانون عدالت کیفری ۱۹۹۳ یک رشته از جرایم جدید را به جرایم مقدم در پولشویی اضافه کرد. قانون ۱۹۹۰ فرانسه نیز فقط در زمینه تطهیر پولهای ناشی از مواد مخدر بود اما قانون ضدفساد ۱۹۹۳ قلمرو آن را به جرایم سازمان یافته تسری داد.

به طوری کلی و با توجه به مستندات جهانی و قوانین کشورهای مختلف، عوامل زیر در تعیین جرایم منشا پولشویی مؤثر است: ۱- ایجاد مبالغ قابل توجه اموال قابل تبدیل به وجه نقد ۲- ارتباط با جرایم قاچاق مواد مخدر ۳- نقض جدی نظم بین المللی ۴- ارتباط با سازمانها یا فعالیتهای سازمان یافته مجرمانه ۵- خدشه وارد کردن به اعتبار نظام بانکی و سایر مؤسسات مالی غیر بانکی.^۵

البته برخی اظهار داشته اند که اگر چه غالباً درآمدهای موضوع پولشویی ناشی از عمل

۱. فرهاد رهبر، غلامرضا زال پور و فضل الله میرزاوند، «بررسی قوانین پولشویی در کشورهای منتخب»، نشریه مجلس و پژوهش، پیشین، صص ۸۲ - ۷۹

۲. محمد فریادرس، «مجلس ششم مبارزه با پولشویی را از خاطر برد» روزنامه کیهان، ۱۴ اردیبهشت ۸۳.

۳. محمد موسوی مقدم، درآمدهای ناشی از جرم (پولشویی)، چاپ اول، کرج، انتشارات رضوانی، ۱۳۸۱ صص ۹-۱۱

۴. عباس بابایی خانه سر، پاکسازی پول و نقش آن در جرایم فراملی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۶.

۵. فرهاد رهبر و دیگران، تعاریف، مفاهیم، آثار و پیامدهای پولشویی، پیشین، ص ۳۵

مجرمانه هستند اما در برخی موارد ممکن است در عین مشروع بودن منشا اموال، به دلیل عدم رعایت برخی الزامات قانونی مثلاً عدم پرداخت مالیات یا حقوق گمرکی که لزوماً جرم نیستند، درآمد حاصله نامشروع تلقی شود و نقل و انتقال این درآمدها را نیز می‌توان پولشویی تلقی کرد. اما باید توجه کرد که در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی از عواید حاصل از جرم نام برده شده است و نه درآمدهای با منشا غیر قانونی. بنابراین درآمدهای حاصل از اعمالی مثل فرار مالیاتی و یا عدم پرداخت حقوق گمرکی تنها در کشورهایی باید مشمول پولشویی قرار گیرد که این اعمال در قانون آن کشورها جرم تلقی شده باشد و چنانچه این اعمال جرم نباشد نمی‌تواند مشمول عنوان پولشویی قرار گیرد.

ماده ۱ مصوبه مجلس شورای اسلامی در خصوص پولشویی در تعریف پولشویی آورده است: الف) تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیتهای غیر قانونی ...» که ابتدائاً به نظر می‌رسد که لازم نیست عواید حاصل از جرم باشد بلکه هر نوع عواید حاصل از فعالیتهایی که غیر قانونی باشد را شامل می‌شود.

اما در ادامه به تعریف عواید حاصل از جرم می‌پردازد: ماده ۲ «عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مالی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از فعالیتهای مجرمانه به دست آمده باشد». بنابراین لازم است که مال ناشی از جرم باشد. که این جرم می‌تواند هر نوع جرمی باشد چه سازمان یافته چه انفرادی، چه شدید و چه پیش پا افتاده. بنابراین در این مصوبه کلیه جرایم، جرم مقدم پولشویی محسوب شده است. و این امر دامنه شمول پولشویی را به نحو غیر قابل توجهی گسترش می‌دهد. در حالی که با توجه به اینکه فلسفه پیدایش این عنوان جزایی فعالیتهای مجرمانه سودآوری است که به صورت سازمان یافته ارتکاب می‌یابد و در نتیجه نظام اقتصادی را مختل می‌کند، بهتر بود که قانونگذار ما نیز مانند برخی دیگر از کشورها صرفاً تطهیر پول ناشی از جرایم مهم را جرم انگاری می‌کرد. البته با تعیین ضابطه و یا شمارش جرایم مهم تا در تعیین مصادیق جرایم مهم نیز ابهامی وجود نداشته باشد.

۱. الف) محمد ابراهیم شمس ناتری، «پولشویی، آثار و عکس العملها»، اندیشه‌های حقوقی، ش ۵، ص ۹۱

۳-۲-۱- شیوه‌ها و وسایل ارتکاب جرم

برخی جرایم برای تحقق مقید به وسیله هستند. یعنی باید وسیله خاصی با شرایط خاصی که مورد نظر قانونگذار است به کار رود تا جرم تحقق یابد. برای مثال تبصره ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی که در آن ایراد جرح با اسلحه و چاقو و امثال آن مورد حکم خاص قرار گرفته است. در برخی جرایم نیز وسیله به کار رفته در جرم، عامل مشدده کیفر شمرده شده است. به عنوان مثال استفاده از وسایل ارتباط جمعی مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله در کلاهبردای موجب تشدید مجازات از ۷-۱ سال به ۱۰-۲ سال حبس می‌شود. اما پولشویی مقید به وسیله خاصی نیست. و ارتکاب آن با استفاده از شیوه و وسیله خاصی تأثیری در مجازات نیز ندارد. شیوه‌ها و وسایلی که از سوی مجرمان برای پولشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بسیار متنوع و متفاوت است و در واقع به تعداد تجارت و فعالیت‌های مشروع است. انتخاب هریک از این روش‌ها به عوامل مختلفی مانند مکان و زمان و میزان اعتماد موجود نسبت به سازمان‌ها و افراد شرکت کننده در عملیات پولشویی و اینکه آیا منافع حاصل از آن برای مصرف زود هنگام، پس انداز و یا سرمایه گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد و حجم اموالی که باید تطهیر شود بستگی دارد.^۱ علاوه بر اینها، نوع خلاف انجام شده، نوع سیستم اقتصادی و قوانین و مقررات کشوری که در آن جا جرم واقع شده و نوع مقررات کشوری که در آنجا پول تطهیر می‌شود نیز در انتخاب شیوه پولشویی مؤثر است.^۲ با این وجود پولشویان هرگز خود را محدود به یک شیوه و وسیله خاص نمی‌کنند. آنها افراد بسیار زیرک و حرفه ای هستند که با کشف و شناسایی هریک از روشهای پولشویی، به ابداع و استفاده از راههای دیگر می‌پردازند.

استفاده از بانک‌ها عمده ترین ابزار جهت پولشویی به شمار می‌رود به خصوص اگر بانک یا برخی کارکنان اصلی آن با پولشویان همکاری کنند، عملیات پولشویی با سهولت بسیار انجام خواهد گرفت. علت اصلی مورد توجه بودن بانک‌ها برای پولشویی این است که بانک‌ها به طور طبیعی و برحسب وظیفه خدماتی را که برای پولشویان مفید و لازم است، ارائه می‌دهند مثل انتقال پول و گشایش حسابهای مختلف و بانکهای بزرگ به دلیل اعتباری که در ارائه خدمات پیشرفته به مشتریان دارند، مورد استفاده پولشویان قرار می‌گیرند تا از شهرت نیک بانک در عملیات خود

۱. گزارش دفتر بررسی‌های اقتصادی، از سری بررسی‌های امنیت اقتصادی، پولشویی، ۱۳۸۱، صص ۱۸-۱۷

۲. ژیلایلیزاده، «مقابله با پولشویی و نقش آن در سالم سازی اقتصاد»، بانک و اقتصاد، ش ۳۸، ص ۲۸

استفاده کنند. همچنین امکان دسترسی آسان به بانک و سهولت انتقال وجوه از یک نقطه به نقطه دیگر و پابندی بانکها به ضوابط مربوط به حفظ اسرار مشتریان، سبب تشویق پولشویان به استفاده از این نظام می شود.

تعدادی از بزرگترین پرونده های پولشویی کشف شده در جهان مربوط به بانکها است که مورد مشهور و مهم آن بانک اعتبار و تجارت بین المللی است که در سال ۱۹۷۲ با سرمایه شیخ زاید رئیس دولت امارات عربی متحده و یک بانکدار پاکستانی به نام آقا حسن عابدی در لوکزامبورگ گشایش یافت و تا سال ۱۹۹۱ که تعطیل شد در ۷۳ کشور شعبه داشت. این بانک با داعیه اسلامی بودن و استفاده از انگیزه های خیرخواهانه مسلمانان، میلیاردها دلار رابه شعبات مختلف خود در سراسر جهان سرازیر کرد و در عین حال برای بسیاری از باندهای جنایتکار و از جمله باندهای قاچاق مواد مخدر در خاورمیانه و جهان سوم و همچنین کارتل مواد مخدر مدلین در آمریکای جنوبی تسهیلات فراوان فراهم می کرد. به نحوی که وقتی در نهایت در سال ۱۹۹۱ از فعالیتهای این بانک پرده برداشته شد مشخص شد که «این بانک حدود ۳۰۰۰ مشتری مجرم داشته است که هریک از این مجرمین خود می توانند یک داستان شوند»^۱ که از جمله آنها خون سا، سلطان تریاک مثلث طلایی بود که مقادیر زیادی در شعبه های مختلف این بانک سپرده داشت. البته در جریان تعطیلی این بانک هزاران سپرده گذار بی گناه نیز سرمایه خود را از دست دادند.^۲ مثال معروف دیگر در این خصوص، سیتی بانک آمریکاست که به رائل سالیناس برادر جنایتکار رئیس جمهوری سابق مکزیک کمک کرد تا ۹۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار را از مکزیک خارج کند و با از بین بردن رد مدارک و وجوه، منبع و سرچشمه پول را تغییر دادند و برای این منظور این بانک اقدام به تاسیس یک مؤسسه صوری نموده و با دادن شماره رمزی به سالیناس و تدارک دیدن نام مستعار برای شخص واسطه، پول را به صورت سپرده به حسابی در شعبه مکزیکوسیستی این بانک واریز و سپس آن را به یک حساب متمرکز در نیویورک منتقل و از آنجا به سوئیس و لندن منتقل می کردند.^۴

1. Billy steell , Business Area Prone to Money laundering, loc.cit.

2. Khun Sa

۳. برای تفصیل بیشتر این قضیه و آگاهی از اقدامات و عملیات این بانک رجوع کنید به : رو آن با سورث و دیگران، پیشین، صص ۱۲۹-۱۲۵ و ۲۸-۲۶

۴. «مبارزه با پولشویی گام اول در مبارزه با فساد اقتصادی»، رسالت، ۸۰/۱۱/۱۳

لذا با توجه به نقش مهمی که بانکها در تمام مراحل پولشویی دارند، ابتدائاً شیوه و روشهایی را که پولشویان با استفاده از بانکها برای پولشویی به کار می‌برند را مورد بررسی قرار داده و سپس به شیوه‌هایی که با استفاده از سایر مؤسسات مالی و همچنین مؤسسات غیر مالی صورت می‌گیرد می‌پردازیم. البته این بدان معنا نیست که پولشویان در هر عملیات پولشویی از یکی از این روشها و یا وسایل استفاده می‌کنند. بلکه ممکن است در یک عملیات پولشویی در مراحل مختلف از ادغام چند شیوه استفاده شود. بدیهی است که روشها و شیوه‌های پولشویی نیز بسیار متنوع است که نمی‌توان به توضیح همه آنها در این پایان نامه پرداخت. لذا به توضیح مختصری در خصوص مهمترین آنها اکتفا می‌شود.

۳-۲-۲- نتیجه مجرمانه

جرایم را به اعتبار نتیجه ارتکاب آن به دو دسته تقسیم می‌کنند: ۱- جرایم مطلق ۲- جرایم مقید. قانونگذار در تحقق برخی از جرایم نتیجه خاصی را شرط کرده که بدون حصول این نتیجه نمی‌توان جرم را کامل محسوب کرد. در حالی که در دسته دیگری از جرایم چنین نتیجه‌ای را ملحوظ نداشته و نفس ارتکاب فعل را صرف نظر از نتیجه آن جرم کامل دانسته است. که دسته اول را جرم مقید و دسته دوم را جرم مطلق می‌گویند. «جرم را از این نظر مطلق نامیده‌اند که وصف مجرمانه صرفاً به صورت یا ظاهر فعل تعلق یافته و در توصیف مجازات اخذ نتیجه زیانبار منظور نشده است»^۱ و در واقع جرم مطلق از شرط نتیجه است. اما جرم مقید، مقید به نتیجه است و بدون تحقق نتیجه جرم کامل نمی‌شود «البته این بحث فقط در جرایم عمدی مطرح می‌شود زیرا در جرایم غیر عمدی علاوه بر فعل مجرمانه و خطای واقعی یا مفروض مرتکب لازم است که حتماً نتیجه و خسارتی هم به بار آمده باشد»^۲ حال باید دید که جرم پولشویی برای تحقق نیاز به نتیجه دارد یا خیر و چنانچه نیاز به نتیجه دارد، نتیجه آن چیست؟

در ضمن بررسی تعریف جرم و عمل مرتکب در جرم پولشویی گفتیم که پولشویی به صورت مصادیق مختلف تبدیل، انتقال، اخفاء و پنهان کردن ماهیت، منشا، محل و ماهیت و اکتساب و تملک و تصرف اموال ناشی از جرم و کمک به شخص مجرم برای عدم شمول مقررات کیفری،

۱. محمد علی اردبیلی، حقوق جزایی عمومی، جلد اول، نشر میزان، ۱۳۸۰. ص ۲۱۶

۲. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، نشر طرح نو، ۱۳۸۲، ص ۳۲۴

ارتکاب می‌یابد. که با توجه به این مصادیق، عمل مرتکب را مشروع و قانونی جلوه دادن عواید حاصل از جرم و در واقع پنهان کردن ماهیت جنایی مال دانستیم. بنابراین برای تحقق پولشویی لازم است مالی که از راه نامشروع به دست آمده و تا قبل از انجام عمل شست و شو بر روی آن ظاهری نامشروع دارد، ظاهری موجه و قانونی پیدا کند به نحوی که نتوان پی به ماهیت غیر قانونی و نامشروع آن برد. در واقع هدف اول از ارتکاب پولشویی این است که وجوه غیر قانونی به شکلی تبدیل شود که موجه بوده و کمتر شبهه برانگیز باشد به نحوی که سرچشمه حقیقی یا مالکیت آن پوشیده مانده و به شکل قانونی و مشروع جلوه گر شود تا بتواند آزادانه به کار گرفته شود.

وقتی پول چنین شکلی به خود گرفت، در هر مرحله ای از پولشویی که باشد عملیات پولشویی کامل شده است و تا قبل از آن نمی‌توان گفت پولشویی محقق شده است.

ماده ۳ کنوانسیون وین و ماده ۶ کنوانسیون پالرمو هدف از انجام اعمال تبدیل یا انتقال دارایی ناشی از جرم را مخفی کردن منشا غیر قانونی این دارایی بیان می‌کنند. بنابراین نتیجه مورد نظر مرتکب مخفی کردن یا تغییر دادن ماهیت غیرقانونی دارایی است و پس از تحقق این امر است که مرتکب به مقصد خود رسیده و جرم کامل می‌شود و معمولاً این مقصد با انجام مرحله ادغام صورت می‌گیرد. چون پس از این مرحله است که مال ظاهر قانونی به خود می‌گیرد.

با این توضیحات جرم پولشویی، مقید به نتیجه است. البته معمولاً عمل ارتكابی مرتکب و نتیجه آن از یکدیگر قابل تفکیک نبوده و با انجام عمل ارتكابی، نتیجه مجرمانه یعنی موجه جلوه کردن مال نیز تحقق می‌یابد. مثلاً با فروش مال حاصل از جرم و دریافت ثمن آن، درآمد حاصله نیز مشروع جلوه گر می‌شود همان گونه که مثلاً در جرم جنایت در امانت نیز با تلف مال امانی، ضرر صاحب مال که نتیجه مجرمانه است نیز تحقق می‌یابد.

برای تحقق پولشویی لازم نیست که مرتکب این اموال را دوباره به کارانداخته یا سرمایه گذاری و نفع مادی ببرد، بلکه همین که مال نامشروع، مشروع جلوه گر شد جرم تحقق می‌یابد.

بنابراین اگر مثلاً مرتکب جرم پول حاصل از جرم را به بانک ببرد و در حساب خود بگذارد تا بعداً با طی مراحل مختلف آن را مورد شست و شو قرار دهد اما یکی از کارکنان بانک به این پول مشکوک شده و آن را گزارش دهد و پس از بررسی ماهیت غیر قانونی پول کشف شود، پولشویی تحقق پیدا نکرده است. اگر چه به این عمل می‌توان عنوان شروع به پولشویی موضوع بند ۴ (ج) کنوانسیون وین و یا بند ۱ (ب) (۲) ماده ۶ کنوانسیون پالرمو اطلاق کرد. اما در حقوق

ایران با توجه به مشکلاتی که ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن در خصوص شروع به جرم دارد، چنانچه همان مقدار عمل ارتكابی توسط مرتكب خود جرم مستقلی بوده و قابل مجازات باشد به همان عنوان مجرمانه و نه به عنوان شروع به جرم قابل مجازات است و شروع به هر جرمی غیر از این موارد در صورتی قابل مجازات است که در قانون در خصوص آن جرم تصریح شده باشد که شروع به آن جرم است.^۱ بنابراین در خصوص پولشویی نیز در صورتی می‌توان شخص را به عنوان شروع به پولشویی مجازات کرد که تصریح شده باشد. اما مصوبه مجلس در خصوص پولشویی، در مورد شروع به جرم ساکت است. بنابراین نمی‌توان کسی را به عنوان شروع به پولشویی مجازات کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

افزایش جرایم سازمان یافته در سطح جهانی و داخلی و ضرورت مقابله با آنها، جرم انگاری این پدیده را ضروری ساخته است. گستره جهانی و حجم وسیع پولشویی، فراملی و سازمان یافته بودن آن و زیانها و آثاری که به ویژه در زمینه اقتصادی بر جای می‌گذارد و همچنین ارتباط و پیوستگی که سایر جرایم سازمان یافته و از جمله جرایم مربوط به مواد مخدر و همچنین جرم تروریسم به عنوان یکی از بزرگترین معضلات دنیا در عصر حاضر، با این جرم دارند، این ضرورت را بیشتر می‌کند. به همین جهت نیز اسناد و معاهدات بین المللی و منطقه ای فراوانی تنظیم شده اند که لزوم جرم انگاری این پدیده را در قوانین داخلی مورد تاکید قرار داده و راهکارها و اقدامات متعددی را برای مبارزه با این پدیده پیشنهاد کرده اند. اما به دلیل سازمان یافتگی و فراملی بودن این جرم، این راهکارها و اقدامات زمانی کارساز خواهد بود که تمام کشورهای دنیا، اراده خود را جهت مبارزه با این پدیده در قالب یک نظام هماهنگ و مبتنی بر همکاری بین المللی متمرکز سازند و بدون پذیرش این نظام هماهنگ، تلاشهای سایر کشورها برای مبارزه با این جرم بی ثمر خواهد ماند. چون کشورهایی که به عضویت این نظام در نیامده اند، همواره بهشت و روزنه ای را برای جنایتکاران در سراسر دنیا به وجود می‌آورند که می‌توانند به آنجا پناه برده و با استفاده از تفاوت نظام حقوقی و خلاء قانونی و تسهیلاتی که این کشورها ارائه می‌دهند، کوششهای سایر کشورها و جامعه بین الملل را عقیم سازند. و این نظام هماهنگ جهانی هنوز ایجاد نشده است.

۱. حسین میر محمد صادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت، پیشین، ص ۸۹

هنوز در برخی کشورها این پدیده ناشناخته مانده و ضرورت مبارزه با آن درک نشده است. و در کشورهایی نیز که این پدیده به عنوان یک معضل مالی شناخته شده است، سیستم‌های حقوقی متفاوتی حاکم است که هماهنگی و همکاری آنها را با یکدیگر مشکل می‌سازد. بنابراین تا وقتی این نظام هماهنگ مبتنی بر همکاری موجودیت پیدا نکند، هنوز خیلی زود است که بتوان در مورد نتایج و آثار راهکارهای پیشنهاد شده و اقدامات انجام شده و موفقیت و یا عدم موفقیت آنها قضاوت کرد. اما نشانه‌هایی در دست است که این راهکارها در سطح داخلی کشورهایی که آنها را پیاده کرده اند، موفقیت آمیز بوده است. تغییر شیوه‌های پولشویی و تمایل پولشویان به استفاده از مؤسسات غیر مالی به جای استفاده از مؤسسات مالی یکی از این نشانه‌هاست؛ تمرکز اقدامات و راهکارهای مبارزه با پولشویی در بخش مالی و تنگ شدن عرصه در این بخش بر پولشویان موجب روی آوردن آنها به استفاده از شیوه‌ها و وسایل مربوط به مؤسسات غیر مالی شده است. بنابراین لازم است که نظام مبارزه با پولشویی ضمن حفظ ایمنی بخش مالی، مؤسسات غیر مالی را نیز مورد توجه قرار دهد تا این گریزگاه را نیز از پولشویان بگیرد. همچنین آمارها نشان می‌دهند که هزینه انجام عملیات پولشویی به مراتب بیش از گذشته شده است. طبق برآورد پلیس فدرال آمریکا هزینه نقل و انتقال و تطهیر پول غیر قانونی از حدود ۵ درصد کل مبلغ در اوایل دهه ۱۹۸۰ به بیش از ۲۵ درصد در حال حاضر رسیده است. و این نشان دهنده آن است که شستشوی پول هر روز دشوارتر از گذشته شده است که خود نشانه دیگری بر موفقیت روشهای مبارزه با پولشویی است. با این وجود و علی‌رغم اینکه این موفقیت نیز بسیار چشمگیر و خوشایند است، تا موفقیت کامل و رسیدن هزینه‌های پولشویی به ۱۰۰ درصد به نحوی که منفعت ارتکاب جرم را از پولشویان بگیرد، راه زیادی مانده است. که همان گونه که گفته شد در گرو ایجاد یک نظام هماهنگ بین المللی برای مبارزه با این پدیده است.

با این حال، در کشورها با وجود درک دیر هنگام ضرورت وجود چنین نظامی، هنوز قانونی در خصوص مبارزه با این پدیده وجود ندارد. سرنوشت لایحه مبارزه با پولشویی که به مجلس تقدیم شده بود و پس از ایرادات شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته وبدون بررسی در مجمع به مجلس بازگردانده شده است، در هاله‌ای از ابهام است. مقررات پیشگیری از پولشویی که به وسیله شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده است نیز اولاً صرفاً مؤسسات مالی تحت نظر بانک مرکزی شامل بانکهای دولتی و غیر دولتی، مؤسسات اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی، صرافی‌های مجاز، صندوق تعاون و صندوقهای قرض الحسنه و تعاونی‌های اعتبار که در

چارچوب مصوبات شورای پول و اعتبار فعالیت می کنند، را در برمیگیرد و سایر بخشهای مالی و همچنین بخشهای غیر مالی را در بر نمیگیرد. ثانیاً از آنجایی که این مقررات به تصویب مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران نرسیده، ضمانت اجرایی موثری برای تخطی از این مقررات یا عدم اجرای آنها توسط مؤسسات مالی مشمول این قانون پیش بینی نشده است. همچنین قوانین و مقررات موجود از جمله اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ضبط ثروتهای نامشروع و همچنین قانون راجع به نحوه اجرایی این اصل و قوانین پراکنده دیگر هیچ یک صریحاً متعرض جرم پولشویی نشده و برای مقابله با این پدیده کافی نیستند.

با این توضیحات پیشنهاد می گردد که:

۱- قانون خاصی در مورد مبارزه با پولشویی وضع شده که در آن این پدیده جرم تلقی شده و با توجه به خصوصیت غالب این جرم یعنی سازمان یافتگی، برای مرتکبان این جرم و معاونان آنها با توجه به نقش اساسی و مهمی که در تحقق چنین جرایمی دارند، کیفرهای متناسب و از جمله مصادره تعیین شده و در کنار آن در جهت فردی کردن مجازات و اصلاح و بازپروری مجرم، به قاضی امکان استفاده و لحاظ کیفیات مشدده و مخففه و اعمال مجازاتهای جایگزین را بدهد. با توجه به استفاده و نقش مهم اشخاص حقوقی در ارتکاب جرم پولشویی، مسئولیت کیفری آنها نیز به رسمیت شناخته شده و مجازاتهای متناسب با ماهیت این اشخاص پیش بینی گردد.

۲- درخصوص جرایم مرتبط به پولشویی و تخطی مسئولان و مدیران و کارمندان موسسات مالی و غیر مالی مشمول قانون مبارزه با پولشویی نیز ضمانت اجرای مناسب در نظر گرفته شود. با توجه به پیچیدگی های این جرم و مشکلاتی که در جهت کشف و اثبات آن وجود دارد و در راستای هماهنگی با اسناد و معاملات بین المللی، دامنه اقتضای فرض برائت متهم اندکی محدود شده و در مواردی که عواید مشکوک و مظنون به مجرمانه بودن وجود دارد، تکلیف اثبات مبنای مشروع چنین اموالی برعهده متهم گذارده شود.

فهرست منابع و مآخذ

۱. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ۲ جلد، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۸۰
۲. استفانی، گاستون - لواسور، ژرژ و بولوک، برنار، حقوق جزای عمومی ترجمه حسن دادبان، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷
۳. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازتها، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ چهارم، نشر میزان، ۱۳۸۰
۴. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۷۳
۵. رابینسون، جفری، شستشوی پول آلوده، ترجمه آلبرت برناردی، چاپ اول، کلک آزادگان، ۱۳۸۱
۶. سلیمی، صادق، جنایات سازمان یافته فراملی، چاپ اول انتشارات تهران صدا، ۱۳۸۲
۷. شاکریان، شاهرخ، فقیری، شکوه و منتصر اسدی، فاطمه، مجموعه کنوانسیونهای بین المللی (تصویبی دولت ایران)، جلد ۵، انتشارات ریاست جمهوری، اداره کل قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۶
۸. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، نشر طرح نو، ۱۳۸۲
۹. صحرانیان، مهدی، سوئیس بزرگترین مرکز تطهیر پول جهان، چاپ اول، نشر معارف، ۱۳۸۱
۱۰. گسن، ریموند، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول، ناشر مترجم، ۱۳۷۰
۱۱. موسوی مقدم، محمد، درآمدهای ناشی از جرم (پولشویی)، چاپ اول، کرج، انتشارات رضوانی، ۱۳۸۱
۱۲. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ ششم، نشر دادگستر، ۱۳۷۷
۱۳. آزمایش، علی، «تروریسم بین المللی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، ش ۲، ص ۱۶۷
۱۴. اردبیلی، محمد علی، «معاضدت قضایی و استرداد مجرمان»، علوم جنایی (مجموعه

- مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، ص ۲۹۷
۱۵. باقرزاده، احد، «پیامدهای پولشویی و راهبردهای کنترلی با رویکرد به اسناد بین المللی»، *پولشویی* (مجموعه سخرانی‌ها و مقالات همایش بین المللی مبارزه با پولشویی، شیراز، ۸ - ۷ خرداد ۸۲)، چاپ دوم، نشر وفاق، ۱۳۸۲، ص ۲۳۱
۱۶. بوریکان، ژاک، «بزهکاری سازمان یافته در حقوق فرانسه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۲۲ - ۲۱، ص ۳۱۳
۱۷. پرویزی، رضا، «معاهده پالرمو و علیه جرایم سازمان یافته فراملی»، *نشریه امنیت*، سال ۴، ش ۱۸، ۱۷، آذرودی ۷۹، ص ۴۵
۱۸. تصدیقی، بهروز، «تاریکخانه‌های اقتصادی، پولهای سیاه»، *نشریه مجلس و پژوهش*، ش ۳۸، بهار ۸۲، ص ۲۰۷
۱۹. رهبر، فرهاد - زال پور، غلامرضا و میرزاوند، فضل الله، «بررسی قوانین پولشویی در کشورهای منتخب»، *نشریه مجلس و پژوهش*، ش ۳۷، بهار ۱۳۸۲، ص ۷۷
۲۰. شمس ناتری، محمد ابراهیم، «اصل براءت و موارد عدول از آن»، *علوم جنایی* (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص ۲۸۴
۲۱. صحرائیان، مهدی، «از آل کاپون تا اسکله‌های جنوب»، *روزنامه یاس نو*، ۸۲/۶/۲۳
۲۲. «فرازهایی از یافته‌های تحقیقات پولشویی در ایران»، *نشریه مجلس و پژوهش*، ش ۳۷، بهار ۸۲، ص ۳۳۷
۲۳. آزمایش، علی، *تقریرات درس حقوق جزای عمومی*، دانشگاه تهران، نیمسال اول سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳
۲۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، *تقریرات درس جرم شناسی*، دکتری دانشگاه تربیت مدرس، نیمسال اول سال تحصیلی ۸۰ - ۷۹
۲۵. «پولشویی و راهکارهای مقابله با آن»، گزارش تحقیقی سازمان بورس و اوراق بهادار شهریور ۷۸

۲۶. موسوی خویی، ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، جلد اول، چاپ پنجم، قم، مطبعه العلمیه، ۱۳۹۵

۲۷. Hall, Neal, "Money Laundering", on www.justiceforyou.org/money_laundering.html

۲۸. Malkin, Lawrence & Elizur, Yuval, "The Dilemma of Dirty Money", *World Policy Journal*, ۱۸, ۱, Spring ۲۰۰۱, p. ۱۳

۲۹. R. Schroeder, William, "Money Laundering", *Law Enforcement Bulletin*, vol ۷۰, No. ۵, May ۲۰۰۱, p. ۱

کلاهبرداری رایانه‌ای در بستر جرم‌شناسی نظری

زینب بنی اسدی *

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۷	شماره صفحه: ۹۱-۱۰۵
-------------------	------------------------	-----------------------	--------------------

در حال حاضر ارتکاب جرایم مالی در فضای مجازی و کلاهبرداری‌های رایانه‌ای بخش قابل توجهی از پرونده‌های کیفری در مراجع قضایی را شامل می‌شود. در این میان جرم‌شناسی به عنوان علمی که به تبیین و تحلیل پدیده بزهکاری می‌پردازد، نظرات و دیدگاه‌های مختلفی را در این مهم ارائه نموده است. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف تبیین و تشریح دیدگاه‌های نظری جرم‌شناسی پیرامون کلاهبرداری رایانه‌ای به انجام رسیده است. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی پس از بررسی و تجزیه و تحلیل نظریه‌های جرم‌شناختی به این یافته‌ها رسیده است تحلیل‌های نظری جرم‌شناختی در دو بعد نظریه‌های مبتنی بر عوامل وضعی و اجتماعی از جمله نظریه‌های فعالیت روزانه، سبک زندگی، خنثی سازی و هک، فشار و یادگیری اجتماعی ضمن تایید نقش ویژگی‌های فضای مجازی و شیوه‌های خاص ارتکاب جرایم رایانه‌ای به اثرپذیری بزه دیدگان و نقش مهمی که در قربانی شدن این جرایم ایفا نموده‌اند نیز تأکید دارد.

واژگان کلیدی: کلاهبرداری رایانه‌ای، فضای مجازی، جرم‌شناسی نظری، بزه دیده، یادگیری

اجتماعی

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

مقدمه

رشد سریع فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر دستاوردها و تحولات بسیاری را در ابعاد گوناگون زندگی انسانها به وجود آورده است. بیشتر فعالیت‌های روزمره زندگی به نوعی وابسته به رایانه هاست و روزه روز بر این وابستگی افزوده می‌شود. این فناوری بزرگ که در ابتدا برای آسایش و رفاه هرچه بیشتر انسان‌ها مورد بهره برداری قرار می‌گرفت به تدریج به ابزاری برای مجرمان، جهت نیل به آمال مجرمانه نیز تبدیل شد. امروزه فعالیت بزهکارانه عمومی، دیگر منحصر به دنیای حقیقی نیست. به موازات گسترش فعالیت‌ها و ارتباطات در فضای سایبر، بخشی از بزهکاران نیز فعالیت مجرمانه خود را به فضای سایبر منتقل کرده اند یا از رهگذر چنین فضایی، مرتکب جرم یا جرائمی می‌شوند (پیکا، ۱۳۹۰: ۱۱). این فضای جدید به گونه ای حقوق جزای سنتی را دستخوش تحولات بنیادی کرده که تعریف از جرائم در محیط‌های مجازی انطباق چندانی با تعاریف کلاسیک نداشته و در بسیاری موارد متفاوت است (حسن بیگی، ۱۳۸۴: ۳۵). همچنین جرائم سایبری به اقتضای ویژگی‌های منحصر به فرد خود همچون سهولت ارتکاب جرم، فرامرزی بودن جرم، کم سن بودن مجرمان، گستردگی خسارت، بالابودن رقم سیاه بزهکاری کثرت بزه دیدگان، ضرورت دقت در فرایند جرم‌انگاری و شناسایی عوامل موثر در بروز این بزه را افزایش داده اند.

در این میان ارتکاب جرایم مالی و اقتصادی در این فضا، همچون فضای حقیقی دارای فراوانی زیاد و البته ابعاد و آثار مخرب تری است. بی‌گمان جذابیت‌های خاص مالی و ویژگی‌های ذاتی نوع بشر از قبیل طمع، حرص و مال اندوزی در این فضا بسار تأثیرگذار است. با این حال ضرورت شناخت ابعاد مختلف پدیده نوظهور ارتکاب جرایم کلاهبرداری در فضای مجازی ما را بر آن داشته تا در نوشتار حاضر از دیدگاه جرم شناسی نظری به بررسی این مهم پرداخته و عوامل وقوع جرم کلاهبرداری رایانه ای را از دیدگاه جرم شناسان مختلف و نظرات و ایده‌های اندیشمندان مختلف و نظریه‌های مطرح جرم شناسی مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

کلاهبرداری رایانه ای در بستر نظریات جرم شناسی

مقاله حاضر به تحلیل نظری جرم شناختی ارتکاب جرایم کلاهبرداری در فضای مجازی خواهیم پرداخت. این مبحث بر اساس نظریه چندعاملی «کوراکیس» در تبیین جرایم اقتصادی، در دو قسمت طراحی شده است.

به عقیده کوراکیس، بزهکاری ناشی از ترکیب عواملی نظیر شهرنشینی، توسعه صنعت و فناوری و شخصیت بزهکار است (زراعت، ۱۳۹۵: ۶۱) بدین ترتیب ابتدا به عوامل وضعی توجه خواهیم نمود و در این راستا به نقش توسعه صنعت و فناوری نوین، فراگیری فضای مجازی، عمومی شدن استفاده از اینترنت توجه خواهیم نمود همه این عوامل باعث شده تا ابزارهای نوین از جمله نقل و انتقالات بانکی در فضای مجازی و بانکداری نوین به وسیله ای مجرمانه برای دستیابی به سودهای نامشروع و ارتکاب جرم به ویژه جرایم کلاهبرداری رایانه‌ای تبدیل شود. روش‌های استفاده شده در این قسمت با نظریات جرم‌شناسی عمل مجرمانه (تجربی) تبیین شده، جنبه علت شناختی ندارد و شگردهای بزهکاری را بر اساس شرایط و موقعیت بزه دیده و سبک ارائه خدمات توضیح خواهد داد. در قسمت دوم، نظریات جامعه‌شناسی جنایی در رابطه با روش‌های ارتكابی جرایم کلاهبرداری رایانه‌ای نقد و ارزیابی خواهد شد. این نظریات جنبه علت‌شناسی دارد و با تمرکز بر نوع آلت ارتکاب جرم در جرایم اقتصادی و از جمله کلاهبرداری رایانه‌ای مسائل را مطرح می‌نماید. بدین ترتیب در این دو قالب، روش‌های ارتکاب کلاهبرداری در فضای مجازی، با نظریات جرم‌شناسی مرتبط می‌گردد.

۲-۱- نظریه‌های جرم‌شناختی حاکم بر کلاهبرداری رایانه‌ای

بانک جهانی از وجود ۲۹/۱ شعبه بانک در ایران به ازای هر یکصد هزار نفر خبر داده است. این تعداد شعبه، بالاتر از استانداردهای جهانی است و نشان دهنده عدم توسعه بانکداری الکترونیک در کشور است. در عین حال، آمارهای بانک مرکزی حکایت از آن دارد که در شبکه بانکی کشور تا پایان شهریور ۱۳۹۵، حدود ۳۵۰ میلیون کارت بانکی صادر شده و جمع تراکنش‌ها بالغ بر ۴۵۰ میلیون است^۱ از این آمار، ۴۵۰ هزار کارت و ۵ میلیون تراکنش مربوط به شرکت دولتی پست بانک است. این شرکت، وظیفه ایجاد و گسترش خدمات پست مالی در مناطق روستایی را بر عهده دارد. مقایسه این آمارها نشان دهنده ماهیت شهری بانکداری الکترونیک است و از این لحاظ به رشته جامعه‌شناسی شهری مرتبط است. زیرا بانکداری الکترونیک از نظر اقتصادی به عنوان یکی از کارکردهای پایه شهری مطرح است

۱. آمار منتشرشده در وبگاه بانک مرکزی به نشانی <www.cbi.ir>

و در جامعه شناسی شهری به مباحث توسعه اقتصادی نیز پرداخته شده است.

سیاست جنایی مقابله با جرایم اقتصادی و جرایمی که از طریق ابزارهای بانکداری الکترونیک رخ خواهد داد، باید «شهرمحور» بوده و با مقتضیات شهری تطابق داشته باشد. ویژگی شهرمحور بودن با نقش عوامل وضعی در ارتکاب جرم کلاهبرداری از طریق سرقت هویت، با ابزارهای بانکداری نوین در ارتباط است؛ چون رابطه بین فقر و بی کاری با بزهکاری مطرح نیست، به نقش شخصیت بزهکار در گذر اندیشه به فعل نیز بی اعتناست و به بررسی ساختار اجتماع و محیط پیرامونی که شخص در آن زندگی می کند، خواهد پرداخت. به همین دلیل، کلاهبرداری از این طریق، با نظریه فرصت تبیین خواهد شد. فرصت های ارتکاب جرم گاهی مربوط به افراد و گاهی مربوط به اشیاء و اموال است (محمدنسل، ۱۳۸۶: ش ۳/۳۰۴). رشد فناوری در صنعت بانکداری از جمله فرصت های بزهکاری است که باعث تحول فعالیت های روزانه مردم و ایجاد سیل جاذبه دار گردیده و عدم حفاظت و مراقبت از سیل را جرم زا کرده است (فیشر و لب، ۲۰۹/۱۳۹۳: ۱) به همین دلیل، ویژگی شهرمحور بودن، با دو نظریه مشهور به انتخاب عقلانی: «نظریه فعالیت روزانه» و «نظریه شیوه و سبک زندگی» مرتبط است (صفاری و کونانی، ۱۳۹۲: ۱۱۳). در نظریه های مشهور به گزینه عقلانی، انسان مجرم به عنوان یک انسان مقتصد، محاسبه گر و معقول ترسیم و مطالعه شده است. مجرم در این نظریه کسی است که هزینه های ارتکاب جرم را سنجیده و سپس انتخاب خواهد کرد. انتخاب بزهکار بر اساس موقعیت، سن، شغل و هویت اجتماعی بزه دیده شکل می گیرد (ویلیامز و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴۲).

کارکرد پیشگیری وضعی از جرم در این است که ابزار و فرصت ارتکاب جرم را از مجرم سلب می کند. به عبارت دیگر پیش گیری وضعی بر وضعیت ماقبل جرم تمرکز می کند و با فرآیند گذار از اندیشه به عمل مواجه است، پیشگیری وضعی درصدد تغییر در اوضاع و احوال مشرف بر جرم به منظور اینکه معادله جرم به ضرر مجرم تمام شود. از این رور در ادامه به مهمترین نظریه هایی که امکان پیشگیری وضعی را میسازد و بر عوامل وضعی در بحث ارتکاب جرایم کلاهبرداری در فضای مجازی مؤثر است اشاره خواهیم نمود.

۲-۱-۱- نظریه فعالیت روزانه

نظریه‌ی فعالیت روزانه بر این فرض استوار است که رخ دادن جرم تنها هنگامی امکان پذیر است که بزه‌کار با انگیزه‌ای با بزه دیده‌ی مناسبی بدون حضور مراقبی توانمند تماس برقرار کند. بسیاری از پیشرفت‌ها و اصلاحات اخیر این نظریه درباره مدیریت کارآمد یک مکان برای از میان بردن شرایط مناسب برای وقوع جرم است. برای نمونه، با این که برخی از پژوهش‌ها دریافته‌اند که وجود میکده‌ها بسیار بخت ارتکاب جرم را افزایش می‌دهند اما پژوهش‌های دیگری هستند که نشان می‌دهند که تنها برخی از میکده‌های دارای مجوز هستند که به میزان نامتناسبی، تماس‌های درخواست خدمات پلیسی را دارند. نظریه‌ی فعالیت روزانه، به طور خیلی خلاصه، نشان می‌دهد که بسیاری از ساختارهای فرصت ساز جرم با فعالیت‌های روزانه‌ی اجتماعی مشخص می‌شوند و بیشتر زمان بزه‌کاران نیز در جریان فعالیت‌های روزانه مانند کار یا رفت و آمد سپری می‌شود.

در بحث کلاهبرداری‌های رایانه‌ای نیز باید توجه داشت که از جمله شیوه‌هایی که در بانکداری نوین از دیدگاه بزه دیدگان قابل بررسی است، روش‌های غیر فنی دسترسی به گذرواژه به شیوه‌ی انواع مهندسی اجتماعی مبتنی بر انسان است. در این شیوه، بزه دیده به عنوان عامل شتاب دهنده و اثرگذار در ارتکاب جرم مطرح است و در شکل‌گیری و عملی نمودن اندیشه مجرمانه، موجب تسریع در حرکت فرایند جنایی خواهد شد. در نظریه‌ی فعالیت روزانه مطرح شده، تحولات اقتصادی که از طریق رشد فناوری و صنعت به وجود آمده، سبب تحول فعالیت‌های روزانه مردم شده است. از جمله این تحولات، ارائه خدمات بانکی بدون مراجعه به شعب بانک است. دستگاه‌های خودپرداز، کارت خوان‌های فروشگاه‌های یا درگاه‌های اینترنتی بانک از طریق کارت بانکی یا رمز عبور (گذرواژه) خدمات مالی ارائه می‌کنند. یکی از شیوه‌های نوین، بزه دیده به عنوان علت ارتکاب جرم مطرح است، شیوه مهندسی اجتماعی است. در شیوه مهندسی اجتماعی مبتنی بر انسان از بی احتیاطی یا اطمینان بیش از حد انسان‌ها برای جمع آوری اطلاعات حساس استفاده شده است. با این توضیح، شیوه‌هایی که بر اساس این نظریه رخ داده، بررسی خواهد شد.

در روش خالی کردن حساب از طریق جستجو در زباله‌های بانکی، رئیس پلیس فتای تهران از دستگیری جوانی با مدرک کارشناسی خبر داد. وی کسانی را که در

بانک اقدام به افتتاح حساب و دریافت کارت بانکی می کردند، شناسایی و تعقیب می کرد. هنگامی که این مشتریان برای تعویض رمز کارت خود به دستگاه خودپرداز مراجعه می کردند و پاکت حاوی رمز اولیه کارت را باز کرده و به سطل زباله می انداختند، او این کاغذ را برداشته و با استفاده از اطلاعات درج شده (شامل رمز اول و دوم کارت) اقدام به برداشت اینترنتی می نمود. و خرید اینترنتی کرده بود. در این رابطه رئیس پلیس فتای استان خراسان رضوی هشدار داد که در خریدهای آنلاین، تحت هیچ شرایطی از رمزهای اینترنتی در حضور دیگران استفاده نشود و در صورت اجبار، بلافاصله رمز تغییر داده شود.

روش دیگر، پرسه زنی در کنار دستگاه های خودپرداز بانک ها با نیت کمک به افراد مسن و بی سواد است. در پرونده نیکوکار قلابی، رئیس پلیس فتای استان فارس اعلام کرد که نیکوکار قلابی پس از جلب رضایت مراجعان و اخذ عابربانک به همراه رمز کارت، در یک فرصت مناسب اقدام به فعال سازی رمز دوم حساب (رمز اینترنتی) کرده و پس از ترک محل، کل حساب قربانیان خود را خالی نموده است. در روش دیگر، اداره نظام های پرداخت بانک مرکزی، نسبت به روش فیشینگ تلفنی هشدار داد و اعلام نمود که افرادی طی تماس تلفنی با برخی از مشتریان بانک، خود را به عنوان نماینده بانک در امور فناوری اطلاعات و خدمات الکترونیک معرفی کرده و به شیوه های گوناگون، مبادرت به اخذ اطلاعاتی نظیر رمز اول و دوم حساب بانکی و کلاهبرداری نموده اند.

۲-۱-۲- نظریه سبک زندگی

لارنس کوهن^۱ و مارکوس فلسون^۲ در سال ۱۹۷۹ نظریه سبک زندگی روزمره بزه دیدگان را با الهام از دیدگاه های مطروح در نظریه انتخاب خردگرا که چهارچوبی برای فهم و اغلب تقلید و مدل سازی رفتارهای اجتماعی و اقتصادی است، مطرح نمودند (Miller, ۲۰۰۶: ۸۱). کوهن و فلسون تعداد و طبیعت اعمال مجرمانه را به کمک «امکانات که بزه دیدگان بالقوه، از راه سبک زندگی خود برای تحقق بخشیدن به عمل مجرمانه در اختیار بزه کاران قرار می دهند» بیان می کنند. بدین نحو که، در بادی امر یک فرض ابتدایی وجود دارد که به موجب آن تحقق جرایم

1. Lawrence Cohen

2. Marcus Felson

مستلزم برخورد دو عامل در زمان و مکان است: بزه‌کاران بالقوه و هدف‌های حمایت نشده. نظریه سبک زندگی روزمره سه رکن اصلی دارد که عبارتند از: ۱- یک مجرم تحریک شده: کسی که به اندازه کافی برای ارتکاب جرم برانگیخته شده باشد؛ ۲- هدف مناسب: کخ باید دارای ارزش، سکون، دید و دسترسی باشد. ۳- فقدان محافظان توانا: محافظانی که از تحقق جرم در زمان فعالیت‌های روزمره مردم، که هر روز نیز تکرار می‌شوند، جلوگیری کنند (مالمیر؛ زرخ، ۱۳۸۹: ۷۱). شایان ذکر است که بر مبنای این نظریه، برای تحقق جرم می‌بایست انحرافی در مکان یا زمان یکی از این سه رکن به وجود آید.

از منظر دیدگاه مربوطه یکی از سه رکن اصلی در تحقق بزه دیدگی سایبری نقش عمده بازی می‌کند و آن فقدان حفاظت است؛ و دو رکن دیگر نیز عوامل وضعی اثرگذار هستند. بدین معنا که در فضای سایبر گروه‌های مجرمان با انگیزه می‌توانند هدف‌های مناسبی را از کاربرانی که به اینترنت وصل می‌شوند، پیدا کنند. (Yar, ۲۰۰۵: ۴۱۷) بدین خاطر است که فلسفون در نظریه سبک زندگی بیان می‌دارد که مناسب بودن هدف نشانگر چهار ضابطه است: ۱. ارزشمند بودن؛ ۲. استیصال هدف جرم؛ ۳. قابلیت رؤیت هدف جرم؛ ۴. دسترسی به هدف جرم، که بررسی چهار عنصر در فضای مجازی به خوبی این واقعیت را که مناسب بودن هدف در فضای سایبر امری مفروض است، به اثبات می‌رساند.

به عنوان مثال هنگامی که کاربری به اینترنت متصل می‌شود، رایانه وی اطلاعاتی را به فضای مجازی منتقل می‌کند که سبب جذب مجرمان سایبری می‌شود؛ به دیگر سخن از زمان اتصال اشخاص به اینترنت و حضور فرد در فضای مجازی، نحوه عملکرد و نوع و میزان تبادل اطلاعات از طرف ایشان، مجرمان سایبری را به سوی این قبیل افراد می‌کشاند تا شاید با یافتن راهی هر چند کوچک وی را قربانی نیات پلید خویش سازد. علاوه بر این ویژگی‌های محیط سایبر در رابطه با قابل رویت بودن و نیز در دسترس بودن، سبب شده است تا بزه‌کاران در جرایم کلاهبرداری رایانه‌ای در هر نقطه‌ای از جهان امکان معین کردن اهداف و ارتکاب جرم نسبت به آنان را داشته باشند؛ بدین نحو که بزه‌کاران قربانیان خود را با ثبت اطلاعات سیستم آنها و علی‌الخصوص پروتکل رایانه‌ای سیستم‌شان ردیابی و شناسایی کنند و از این طریق آنها را مورد سوءاستفاده قرار دهند.

بنابر آنچه گفته شد می‌توان به راحتی سه عامل مجرم تحریک شده، هدف مناسب و فقدان محافظ توانا را در واقع شدن کلاهبرداری رایانه‌ای ترسیم نمود و از این طریق تطابق

نظریه سبک زندگی روزمره را با بزه دیدگی در جرایم کلاهبرداری رایانه ای تبیین کرد، به دیگر سخن در فضای مجازی به علت وجود فرصت‌های ارزشمند مالی و نیز نبود جهان مادی و فیزیکی و ویژگی پنهان شدن و اختیار نمودن هویت‌های گوناگون، تحریک پذیری در ارتکاب جرم، برای بسیاری از بزه‌کاران بالقوه و بالفعل فراهم است و ایشان را به ارتکاب کلاهبرداری در فضای مجازی سوق می‌دهد.

بنابر آنچه در بالا گفته شد، نظریه سبک زندگی و فعالیت روزانه راهکار عملی‌ای را ارائه می‌کند که به وسیله آن پیشگیری وضعی از جرایم کلاهبرداری در فضای مجازی با تکیه بر تغییر شرایط و اوضاع و احوال میسر خواهد بود که خود بخشی از نظریه‌های مطرح شده در رابطه با پیشگیری وضعی از جرایم سایبری است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۴: ۱۶۱).

۲-۲- نظریه‌های مبتنی بر عوامل اجتماعی

در رابطه با کلاهبرداری در فضای مجازی، شرایط ایجادکننده توسعه نوآوری‌های فنی مانند توسعه پرداخت و دریافت پول با کارت بانکی است که موجب شکل‌گیری شرایط ایجادکننده دروغ گردیده و ارتکاب جرم کلاهبرداری را با نظریه فرصت تبیین کرده است؛ زیرا در وضعیت کنونی، استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی با توسعه و رشد قابل توجه فرصت‌های کلاهبرداری قابل توجه است.

اما باید خاطرنشان ساخت که اگر این اوضاع و احوال، اثر افزایشی بر برخی از اشکال دروغ داشته باشد، همه مرتکب آن نمی‌شوند. بی تردید شخصیت مرتکب در اینجا بی تأثیر نیست. در هر حالت، شرایط و اوضاع و احوال باید گذر از اندیشه به فعل را اجازه دهد. اینجاست که نوع دوم اوضاع و احوال یعنی شرایط محقق‌کننده ظاهر خواهد شد (پیشین: ۱۴۳-۱۴۷). شکل‌گیری این نگرش در ذهن همان چیزی است که دیوید متزا آن را فنون خنثی‌سازی نامیده است. فنون خنثی‌سازی نوعی توجیه‌سازی آگاهانه اعمال مجرمانه است (پیشین: ۱۰۵). با این مقدمه به تحلیل و بررسی ارتکاب کلاهبرداری در فضای مجازی پرداخته خواهد شد. توضیح این روش‌ها بر پایه نظریات جرم‌شناسی علت‌شناسی مبتنی بر عوامل اجتماعی است که بر خلاف نظریات عقلانی محور به علل اجتماعی و محیطی پرداخته خواهد شد و ساختار شکل‌گیری دروغ و چگونگی کاربرد آن در این جرایم را نشان خواهد داد.

۲-۱-۲- نظریه خنثی سازی و هک کردن

دیوید ماتزا و گریشام سایکز در نظریه خنثی سازی به فرایند بدل شدن جرم به یک تجربه آموزشی توجه کرده‌اند. (Seigel, j Larry, ۲۰۰۳: ۲۳۲ به نقل از زررخ، ۱۳۸۹) این دو استدلال میکنند که تمام مجرمان ارزش‌های مرسوم و گرایش‌های ی مانند افراد عادی دارند، اما چیزی که آنها را از دیگران متمایز می‌کند، توانایی غیرعادی آنها در حرکت از زندگی عادی به ایجاد ارزش‌های پنهانی موازی از طریق فنون خنثی سازی ویژه مانند انکار مسؤولیت، آسیب و قربانی است.

این اقدام به مجرمان کمک می‌کند تا وجدان اخلاقی خویش را پاک کنند و احساس گناه نکنند. اسپافورد سه توجیه اخلاقی را برای هک فهرست کرده است: بهبود امنیت با کشف حوزه‌های نفوذ، کسب آگاهی توسط دانشجویان و حمایت از جامعه در برابر شرکتها از طریق تضمین دسترسی رایگان به اطلاعات. گروههای همتا، با افراط در تشویق سوءاستفاده‌های هکری افراد و ایجاد این گمان که این فعالیت‌ها توجیه شده‌اند، در این رهایی اخلاقی شرکت میکنند. راجر گزارش داده که: «خودسانسوری می‌تواند موجب رهایی یا ضعف از طریق تهی شدن قربانی از صفات انسانی، یا تبدیل شرمندگی به قربانی شود ... شرمندگی ناشی از قربانی شدن یا برخی شرایط به مرتکبان اجازه می‌دهد خودشان را قربانیان تحریک شده ببینند. اکنون اعمال مرتکبان به عنوان یک حالت تدافعی تعبیر می‌شود. قربانیان شرمنده و به دلیل ارتکاب افعال مجرمانه علیه خودشان متهم میشوند (Rogers, ۲۰۰۱: ۴۰).

در وقوع جرایم کلاهبرداری رایانه‌ای که توام با هک سیستم‌ها است. غالباً هکرها اداره کنندگان سیستم را به خاطر امنیت نامناسب آن یا برای جلوگیری از دسترسی به سایت‌های ی که بطور قانونی فکر می‌کنند باید به آنها دسترسی داشته باشند، سرزنش می‌کنند، مانند اداره کننده سیستم دانشگاهی که مانع دسترسی به سایت‌های پیاده‌سازی فیلم می‌شود، دستاویزی برای هک کردن به شمار می‌آید، زیرا سرگرمی کم هزینه و جزء ضروری زندگی یک دانشجو از سوی هکرها تلقی می‌شود. هکرها فروشندگان نرم افزار را به دلیل محدود کردن دسترسی به جریان آزاد اطلاعات سرزنش می‌کنند و بنابراین، از نظر اخلاقی فعالیتشان را به عنوان یک عمل سودمند و به منظور تضمین اطلاعات برای همه توجیه می‌کنند و خود را سلحشوری که به بینوایان کمک می‌کند، نشان می‌دهند. این رفتار سندروم محبوب «رابین هود» را نشان می‌دهد که افراد قضاوت اخلاقیشان را خنثی میکنند (Harrington, ۲۰۰۲).

(۱۷۹). خرده فرهنگ‌های هکر در اینترنت تقویت می‌شوند و نمونه‌های ی از فرهنگ نهانی مشابه را که بطور عمومی از فعالیت‌های غیرقانونی هک کردن حمایت می‌کند، ارائه می‌دهند. بنابراین، درست است که نتیجه بگیریم نظریه خنثی سازی ماتزا و سایکس، با موفقیت رفتار هکر در ارتکاب کلاهبرداری در فضای مجازی را از دیدگاه یک کلاهبرداری سایبری را توضیح می‌دهد.

۲-۲-۲- نظریه عمومی فشار رابرت مرتون

نظریه عمومی فشار، از رویکرد اجتماعی - روان شناختی پیروی می‌کند و پیوند بین منابع فشار، احساسات منفی ناشی از فشار و رفتار مجرمانه فردی را بررسی می‌کند. به بیان دیگر، رابرت اگنو مفهوم فشار را فراتر از رویکرد مرتون بسط داد و به جای تأکید صرف بر فشارهای اقتصادی مدنظر مرتون، چندین منبع فشار را معرفی کرد که ممکن است منجر به حالات یا احساسات منفی به ویژه خشم شده و در نهایت منجر به رفتارهای ضد اجتماعی گردد. نظریه عمومی فشار، قابل تعمیم برای کلیه افراد طبقات ضعیف، متوسط و ثروتمند است و از این جهت نیز نسبت به نظریه مرتون عمومیت دارد. اما نکته مشترک در هر دو نظریه، نوآوری مجرمانه برای دستیابی به اهداف مادی است (نجفی ابرنآبادی و صادق نژاد نائینی، ۱۳۹۲: ۱۳) که برخی شیوه‌های جعل هویت از این طریق را قابل تحلیل کرده است و در ذیل خواهد آمد.

نوآوری‌های مجرمین کلاهبردار در فضای مجازی عموماً به دو شیوه نوآوری در رفتار و نوآوری در امور فنی می‌تواند اتفاق بیفتد به عنوان مثال در بحث نوآوری در رفتار، این مجرمین با شناخت شرایط اجتماعی و هوشمندی زمانی اقدام به طراحی نقشه‌ها خود در فضای مجازی و فریب قربانیان خود می‌نمایند. به عنوان مثال یک مقام انتظامی در تشریح شیوه کار این مجرمین سایبری بیان داشت: در ایام عید فطر و یا ایام عید نوروز کلاهبرداران با طراحی سایت‌های جعلی و دروغین به عنوان مؤسسات و سازمان‌های شناخته شده و معتبر؛ با اعلام شماره حساب‌های شخصی، متقاضی واریز وجوهات به این گونه حساب‌ها هستند. این افراد سودجو، با ترفند خیرین و راه اندازی صفحات شخصی در بستر شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها و سو استفاده از نام و اعتبار افراد مشهور و شناخته شده در کشور شامل هنرمندان، ورزشکاران و سرشناسان کشور با انجام مهندسی اجتماعی نظیر تحریک احساسات هموطنان و تهیه کلیپ‌های تصویری شامل فیلم

و عکس از نیازمندان، محرومان و خانواده‌های کم بضاعت مدعی دریافت وجوه نذورات به منظور کمک رسانی به افراد آسیب پذیر و نیازمند می‌شوند و از این طریق مبالغ کلانی را از افراد بسیار زیاد کلاهبرداری می‌نمایند به گونه‌ای که شاید فرد هیچگاه حتی نداند که یک بزه دیده جرک کلاهبرداری در فضای مجازی بوده است.

در نوآوری‌های فنی نیز عموماً هک و نفوذ به سیستم‌ها و تلفن‌های همراه مالباختگان اتفاق می‌افتد که این نفوذ ممکن است از طرق مختلف واقع شود. به عنوان مثال کلاهبرداران رایانه ای با ساخت و بارگذاری نرم افزار موبایلی ماهواره جیبی در کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی که در قالب داندود رایگان ارائه شده، اقدام به کلاهبرداری از کاربران می‌کنند. استفاده و فعال سازی قابلیت‌های این نرم افزار مستلزم پرداخت رایانه ای مبلغی از سوی مشتریان است که می‌تواند کاربران را به صفحه جعلی و شبیه سازی شده یک بانک هدایت کند که این اتفاق نهایتاً منجر به سرقت اطلاعات حساب بانکی کاربران نظیر شماره کارت، رمز رایانه ای و تاریخ انقضای کارت برای کلاهبرداران می‌شود. (به نقل از پایگاه رایانه ای گروه حقوقی وکیل سایبری به آدرس: [/https://irancyberlawyer.ir](https://irancyberlawyer.ir))

۲-۳- نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه‌های یادگیری اجتماعی نظیر معاشرت‌های ترجیحی ساترلند، نظریه فراگیری اجتماعی آلبرت بندورا و نظریه خنثی سازی ماتزا، جرم را محصول یادگیری هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با فعالیت جنایی می‌دانند. این یادگیری شامل فراگیری دانش مرتبط با فنون ارتکاب جرم و رهایی اخلاقی به وسیله کشف توجیهات منطقی مناسب برای رفتارهای مجرمانه است.

بر اساس این نظریات، چون برخی روش‌های جعل هویت فنی است، به صورت اکتسابی باید فرا گرفته شود. این فراگیری شامل رفتار جزایی و فنون ارتکاب است و از طریق ارتباط معمولی با گروه‌های صمیمی انتقال می‌یابد. چون آثار منفی رفتار به منظور بازدارندگی مجرم در محیط ارتکاب ضعیف است، در طول زندگی فرد حفظ خواهد شد. آنچه در نهایت باعث بدل شدن این تجربه آموزشی به جرم خواهد شد، ایجاد ارزش‌های پنهانی موازی است. انکار مسئولیت و آسیب به قربانی از جمله این موارد است که باعث خواهد شد مجرم وجدان اخلاقی خود را پاک کرده و احساس گناه نکند (دالال و شارما، ۱۳۸۸: ۴۳۵-۴۴۰).

از جمله روش‌های فنی جعل هویت، مهندسی اجتماعی مبتنی بر رایانه است ابزار استفاده شده رایانه است، صفحات جعلی یا «فیشینگ» یا «رمزگیری»، از این دست مهندسی اجتماعی است که سبب افشای کلمه عبور یا گذرواژه کاربر می‌شود و پس از آن نفوذگر خواهد توانست به عنوان کاربر مجاز و از طریق درگاه‌های بانکی، اقدام به کلاهبرداری نماید. سرپرست اداره پیشگیری مرکز تشخیص و پیشگیری پلیس فتا نیز اعلام نمود که ۶۰ درصد جرایم سایبری در حوزه جرایم مالی و از طریق سرقت اطلاعات کارت‌های بانکی رخ داده است و روش ارتکاب، توسل به انتشار تبلیغ تخفیف‌های باورنکردنی، حراج کالاها یا فروش کالا از طریق فروشگاه‌های اینترنتی است؛ به طوری که با این روش، افراد متقاضی خرید را به سمت صفحات جعلی درگاه‌های بانکی هدایت می‌نمایند و آنگاه اطلاعات بانکی خریدار به راحتی در اختیار فیشرها قرار خواهد گرفت. این روش که از شایع ترین روش‌های دسترسی به گذرواژه است، این امکان را برای مجرمان فراهم می‌سازد که بتوانند دامنه ارتکاب جرم را از لحاظ کمی و کیفی ارتقا ببخشند؛ چون درگاه‌های جعلی بسیار شبیه درگاه‌های پرداخت بانک‌ها هستند و باعث فریب کاربران و در اختیار قرار دادن اطلاعات حساب بانکی آن‌ها خواهند شد. از طرف دیگر، بر خلاف کلاهبرداری‌های سنتی که تحصیل مال محدود به موجودی بزه دیده است، مجرمان رایانه ای قادرند با ایجاد مبالغ و موجودی‌های واهی و غیر واقعی از مقدار حساب‌های موجود نیز فراتر روند و با روش اصطلاحاً برش کالباسی، خسارت‌های قابل توجهی وارد نمایند (زیبر، ۱۳۹۰: ۷۷).

شیوه دریافت امواج از طریق درگاه‌های حضوری نیز امکان پذیر است. دستگاه خودپرداز و پایانه فروش مانند هر رایانه ای امواج الکترومغناطیسی ساطع می‌کند که به آن «نشت الکترونیکی»^۱ گفته می‌شود. به محض فشردن هر یک از کلیدهای صفحه کلید، امواج از طریق سیستم‌های حامل جریان الکترونیکی در محیط اطراف منتشر می‌شود که به وسیله تجهیزات خاصی قابل شنود و آشکارسازی است. چون صفحه نمایشگر کاربر برای نفوذگر قابل رؤیت نیست، پیش بینی رمز عبور یا کد عبور متنی یک تدبیر امنیتی ضد شنود است.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر در پی آن بودیم تا از دیدگاه جرم‌شناسی نظری موضوع گسترش ارتکاب جرایم کلاهبرداری رایانه‌ای را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. اساساً برخی از علل اساسی ارتکاب جرم در فضای مجازی، ناشی از مختصات و زیر ساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری فضای مجازی است. ویژگی‌های این فضا هم چون گمنامی، دیجیتالی بودن، مبتنی بر زمان مجازی بودن، جهانی بودن، سرعت، فراگیری، سیالیت، تشدید شدگی، متکثر بودن و در نهایت همه جا حاضر بودن، خود به خود فضایی را ایجاد میکند که اثرات اولیه و ثانویه آسیب در جهان دو فضایی را تشدید و تقویت می‌کند. گمنامی و ناشناختگی از اصول حاکم بر جرائم جهان مجازی است. نامرئی بودن این امر را به افراد می‌دهد که به هر کجا می‌خواهند سرک بکشند و کارهایی انجام دهند که در دنیای واقعی انجام نمیدهند. فضای مجازی علاوه بر ابزار قوی برای ارتکاب جرم، فرصت‌های ارتکاب را نیز افزایش می‌دهد. از ویژگی‌های دیگر این فضا بر اساس نظرات سهل الوصول بودن و سرعت ارتکاب جرائم است. مجرمین سنتی اغلب در فرآیند گذار از اندیشه به عمل و ارتکاب یک جرم تام، زمان و فاصله زیادی را طی میکردند. شاید یکی از عوامل کندی وقوع پدیده بزه کارانه در جهان واقعی بعد مکانی میان سه ضلع بزه کاری یعنی بزهکار، آماج بزه و مکان ارتکاب بزه است. حال اینکه ساختار فضای مجازی به گونه‌ای است که در آن قربت مکانی میان سه عنصر فوق ضرورتی ندارد. لذا امروزه به مدد تکنولوژیهای نوین، مرتکب اغلب با یک کلیک میتواند به عرصه ارتکاب جرم راه پیدا کند. مثلاً در ارتکاب جرم کلاهبرداری دیگر به عوامل و ارکان خاص این جرم در دنیای فیزیکی از جمله مانورهای خاص متقلبانه و تعاملات رو در روی افراد با هم نیازی نیست. چرا که سایبر امکان بردن اموال دیگری را به سادگی فشردن تنها چند کلید و انجام عملیاتی پیش پا افتاده ممکن ساخته است. تحلیل نظری صورت پذیرفته در این مقاله که بر اساس نظریه چندعاملی «کوراکیس» انجام پذیرفت هم از دیدگاه نظریه‌های مبتنی بر عوامل وضعی (نظریه فعالیت روزانه و نظریه سبک زندگی) و هم نظریه‌های مبتنی بر عوامل اجتماعی (نظریه خنثی سازی و هک کردن، فشار رابرت اگنو و یادگیری اجتماعی) ضمن تأیید ویژگی‌های خاص فضای مجازی در وقوع این جرایم بر نقش بزه دیدگان، شیوه و شگردهای نوین ارتکاب جرم، نقش عوامل اجتماعی و سبک زندگی در وقوع جرایم کلاهبرداری رایانه‌ای نیز تأکید داشتند. از این رو به نظر می‌رسد در راستای پیشگیری از ارتکاب جرایم مذکور تمرکز همزمان بر عوامل فردی، محیطی و اجتماعی تاحد زیادی می‌تواند به کنترل ارتکاب جرایم کلاهبرداری رایانه‌ای در فضای مجازی بیانجامد.

فهرست منابع:

۱. پیکا، ژرژ، ۱۳۹۰، جرم شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.
۲. جلالی فراهانی، امیرحسین، ۱۳۸۴، پیشگیری وضعی از جرایم سایبر در پرتو موازین حقوق بشر، فصلنامه فقه و حقوق، سال دوم شماره ۶.
۳. حسن بیگی، ابراهیم، ۱۳۸۴، حقوق و امنیت در فضای سایبر، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۴. دالال، ا. اس.؛ راقا، شارما، ۱۳۸۸، نیم نگاهی به ذهن هکرها: آیا نظریه‌های جرم شناسی می‌توانند هک کردن را تبیین کنند؟»، ترجمه احسان زرخ، روزنامه رسمی کشور (مجموعه مقالات حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات).
۵. روزبهان، فاطمه، ۱۳۹۵، بررسی جرم جعل و کلاهبرداری رایانه‌ای (از سال ۹۳-۹۴) از دیدگاه کارشناسان و قضات دادسرای جرایم رایانه‌ای استان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۶. زراعت، عباس، ۱۳۹۵، حقوق کیفری اقتصادی، تهران: انتشارات جنگل.
۷. زرخ، احسان، ۱۳۸۹، جرم شناسی فضای مجازی، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی.
۸. زیبر، اولریش، ۱۳۹۰، جرائم رایانه‌ای، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۹. فیشر، بونی اس. و استیون پی. لب، ۱۳۹۳، دانشنامه بزه‌دیدشناسی و پیشگیری از جرم، ترجمه اساتید حقوق کیفری و جرم شناسی سراسر کشور، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان.
۱۰. کرمی، داود، ۱۳۹۴، سیاست افتراقی در جرایم سایبر با تأکید بر حقوق کیفری ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم.
۱۱. گرایلی، محمدباقر، ۱۳۸۹، بررسی جعل و تخریب و اخلاص رایانه‌ای، مجله آموزه‌های حقوقی، شماره ۱۴.

۱۲. مالمیر، محمود؛ زرخ، احسان، ۱۳۸۹، پیشگیری از بزه دیدگی سایبری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۵، شماره ۱۷.
۱۳. ویلیامز؛ فرانک پی، ماری لین دی، مک شین، ۱۳۹۸، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر میزان.

۱۴. Brenner, Susan, W. Rico, CCE, and other Complex Crime: Traus formation of American Criminal Law, 2wm&mary billrts.j, 1993.
۱۵. Brenner, W.S. (2010). Cybercrime criminal threats from cyberspace. Santa Barbara: Praeger.
۱۶. Cooter Robert & Thomas Ulen, Law and Economic, Harper Collins publisher, 2004.
۱۷. R.Vaca John, 2002, Computer Forensics, Computer Crime Scene Investigation, Chorles River Media.
۱۸. Rizgar, Mohammed Kadir, The Scope and the Nature of Computer Crimes Statutes, German Law Journal, Vol.11, No.06, 2010.
۱۹. Rogers, Marcus (2001), "A Social Learning Theory and Moral Disengagement Analysis of Criminal Computer Behavior: An Exploratory Study", University of Manitoba, Canada
۲۰. Steven A.Egger, Linkage Blindness: A systemic Myopia, in 8 serial murder: an Elusive Phenomenon, 1990.
۲۱. Yar, M. (2005). The novelty of 'cyber crime': An assessment in light of routine activity theory. European Society of Criminology, 2.